

هفته

سال سیزدهم - پنجشنبه / ۱۴ اسفند ۱۳۹۹ / ۴ مارس ۲۰۲۱

بها: ۲,۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان
۶۲۳ www.hafteh.ca

گفت و گوی اختصاصی هفته با
مهدیه گلرو، فعال حقوق زنان:

**جنگیدن با سنتها
کار هر زنی نیست**



زنان در افغانستان؛ مبارزه در چند جبهه

زنان در کانادا؛ موفق در تحصیل، ناکام در اشتغال

زنان در جهان؛ پاندمی و تشدید نابرابری جنسیتی

پادکست چکاوک هفته



زنان زندگی ساز



مروری تاریخی (تایم لاین) بر نقش و کنش زنان در جامعه کانادایی از یاسمن حسنی

۱



آشنایی با دو بانوی نویسنده پیشگام در ادبیات کانادا: امیل پالین جانسون و لویس ماد مونتگومری در گزارشی از فرشید سادات شریفی!

۲



برش های کوتاه از داستان چند زن نام آور کانادایی و بومی به روایت مریم ابراهیم

۳



با سپاس از همراهی خانم دکتر نازیلا خلخاله در بخش ادبیات

۴



مجله صوتی فارسی زبانان کانادا

پادکست هفته را می‌توانید از پلتفرم‌های زیر بشنوید



Hafteh.ca | info@hafteh.ca

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪


بیماران جدید ۱۰٪


Montreal

 **(514) 731 1443**

 5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

 Clinique.Dentaire.Soleil

 www.cliniquedentairesoleil.com

 info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

 **(450) 926 2622**

 7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

 info@cliniquedentairesoleil-brossard.com

 www.cliniquedentairesoleil.com

 info@cliniquedentairesoleil.com

مهاجرین عزیز

آیا می‌دانید که خریداران نیازی
به پرداخت پورسانت ندارند؟


هدیه ما به خریداران:

۱۱۰۰ دلار هزینه محضر

قصد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟
می‌خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه‌گذاری دارید؟
در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.
با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته

514 969 2492

 بیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown

 خانه‌های اجاره‌ای در West Island



فکین خاکسار - نادر خاکسار

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری



féminine
L'union fait la force

Asal Jami
 ROYAL LePAGE
 ALTITUDE

Saghar Tadayon
 ROYAL LePAGE
 ALTITUDE

Shirin Teimoori
 BMO

Arezou Gatmiri
 Sutton

Anna Boroujerdi
 ROYAL LePAGE
 VILLAGE

W-realestate.ca

ENERGY THERAPY

ارائه کننده تراپی های ژاپنی جهت رفع اثرات منفی
 کرونا و قرنطینه

WWW.CRYSTALCANADA.CA
 1191 Av 90e #300
 Lasalle, H8R 3A6
 Tel: 438 927 6262

افسانه یقین اندرزی تراپیست از کالج لندن
افتتاحیه مرکز کریستال کانادا
 هرم درمانی، ریکی کریستال تراپی، آروماتراپی (رایحه درمانی)

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

مشاور املاک

Courtier immobilier agréé / Certified Real State Broker

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیژینس



**با ۳۵ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۵ سال تخصص در مشاوره املاک
مونترال مسکونی - تجاری**

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

فیروز همتیان

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

fhematiyan@sutton.com



فرنگیس شکیبا
نرگس هاشمی

گفت و گوی اختصاصی هفته با
«مهديه گلرو» فعال حقوق زنان:
جنگیدن با سنت‌ها کار هر زنی نیست

زنان در افغانستان؛ مبارزه در چند جبهه
زنان در کانادا؛ موفق در تحصیل، ناکام در اشتغال
زنان در جهان؛ پاندمی و تشدید نابرابری جنسیتی



مقاله

معصومه علی محمدی مهاجرین تازه‌وارد در کدام
استان‌های کانادا مستقر می‌شوند؟

گفت و گو

نویده احمدی حیات بخشیدن به صفحه‌های بی‌جان فلز
علیرضا رضایی مجسمه‌ساز در گفت و گو با هفته

روایت

نقیب‌الله سلطانی؛ تنظیم: نویده احمدی

روایت‌های تلخ و شیرین مهاجرت کودکان افغان
پدرم با یک دختر هم‌سن خواهرم ازدواج کرد



ویژه‌نامه روز جهانی زنان

مقاله

فرشید سادات شریفی در جست‌وجوی آب و خرد و سنت
بررسی کوتاه شعر پروین اعتصامی

عباس محرایان و گروه ادبیات هفته

امیلی پالین جانسون کیست؟
نویسنده‌ای از بومیان برای همه کانادایی‌ها

تازه‌های کتاب

یاسمن حسنی شوخی می‌کنید موسیو تانر و
Le complexe du trampoline

شعر و دوبانه

خالد بایزیدی سروده‌هایی از فرناز جعفرزادگان بهتر جمه کردی

سینما

آمین نصیری «خروج» ابراهیم حاتمی کیا، ضعیف و بی‌رُمق

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:
پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ
پنجشنبه ۵ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر سرماخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار دانشجویی: ۶۰ دلار

هفته - سال سیزدهم - شماره ۶۲۳
پنج‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۹ / ۴ مارچ ۲۰۲۱
بها: ۲/۵ دلار / در مونتروال رایگان
ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مروخام



معرفی شاعر

نرگس هاشمی خالده تحسین، شاعر افغان در گفت و گوی اختصاصی با هفته با شعر فروغ زیستم و با نقاشی های سپهری گریستم

داستان

جمیله هاشمی داستان کوتاه دری؛ دهن کی را ببندم؟

پشتو

هادی تپاند زما د اتل د ژوند ربنیتینې کیسه

۵۶ دانش و سلامتی

دنیای دانش

گروه ترجمه هفته زندگی میکروارگانیزم های زمینی در مریخ

سلامت روان

الهام گرامی اهمیت مدیریت هیجان در چیست؟

پزشکی

روایت گلنا تیموری دیابت زخم و نجات یک بیمار از قطع عضو از ۱۸ روز تلاش و نگرانی

۷۰ خانواده و سرگرمی

مهسا عباس پور آشپزی این هفته: کوکی قهوه
خاطره تحویل داری یکتا سخن ستارگان، برای تفنن هفته خانواده و سرگرمی



سیاست

ترجمه: نگین پرورنده دیدار مجازی دو ساعته ترودو و بایدن
لحن صمیمی، بارزترین ویژگی اولین دیدار سران کانادا و آمریکا

سیاست

آرش محبی ورشکستگی کارخانه تولید مشارکت و مشروعیت اصلاح طلبان

اقتصاد

آرمین آریانپور وام های بانکی، بلای جان بیزنس های کوچک

جامعه

ترجمه: نگین پرورنده بازی های ویدئویی در دوران تحریم ها



فرشید سادات شریفی

از دشواری های مهاجرت تا «خلق جهان به میل خویشتن»
با بهروز مایل زاده، نویسنده ی مونترالی

مهاجرت باعث شد من به نوشتن به صورت جدی روی بیاورم. مهاجرت و امکاناتی که بواسطه ی آن در دسترس قرار گرفت که یکی اش همان حذف سانسورچی بود باعث شد من به فکر نوشتن و انتشار کتاب بیفتم.

ادبیات: فرشید سادات شریفی و یاسمن حسنی
سلامتی: دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی
حقوق: نوشا ریاحی
فرهنگ و جامعه: فرنگیس شکبیا
اقتصاد: آرمین آریانپور و بهراد رنجبری
بخش دانشجویی: عباس محرابیان
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده و نگار پرورنده
وب سایت: بهمن عسگری پور

سردبیر: خسرو شمیرانی
ویراستار: تیم ویراستاری هفته
صفحه آرایی: آتلیه هفته
کاریکاتورست: سیروس یحیی آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته
اخبار باهمستان: گروه خبر های محلی
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند
مهاجرت: معصومه علی محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی

به پاس شجاعت و شهامت زنانه

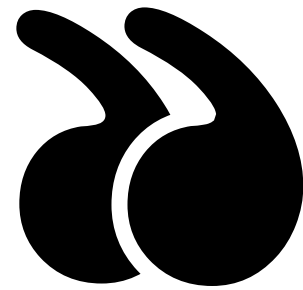
هیچ کدام از ما از لحظات دردناک ستم جنسیتی در امان نبوده‌ایم اما مهم است بدانیم که به تنهایی از پس این ظلم تاریخی بر نمی‌آییم و باید در کنار هم بایستیم. روز جهانی زن برای ما یادآور خاطرات تلخ و شیرینی است؛ اشک‌ها و لبخندها. زنان ایرانی هم نزدیک به صد سال است که این روز را گرامی می‌دارند؛ از جمعیت پیک سعادت در رشت در سال ۱۳۰۱ تا تظاهرات زنان علیه حجاب اجباری در فردای تسلط نظام اسلامی در ۱۳۵۷ و مبارزات مدنی سال‌های اخیر.

در یک اقدام کم‌نظیر، به همت «انجمن زنان ایرانی مونترال» و ۲۳ انجمن فعال ایرانی دیگر در حوزه‌ی زنان از سراسر دنیا، قصد دارند به مناسبت روز جهانی زن در کنار هم بایستند و عهد خود را برای مبارزه با نابرابری جنسیتی تجدید کنند. این برنامه که هشتم مارس از ساعت ۱۲ نیمروز به وقت شرق آمریکا و کانادا برگزار می‌شود با تنوع موضوع روبرو است و این ۲۴ سازمان هر کدام از زاویه‌ی نگاه خود به دردها و موفقیت‌های زنان در صد سال اخیر می‌پردازد. انجمن زنان ایرانی مونترال نیز با موضوع «زنان در رهبری، تحقق آینده‌ای برابر در دنیای کووید» که مورد تاکید سازمان ملل متحد است کار خود را ارائه می‌دهد. فارغ از حوزه‌ی کاری این انجمن‌ها و نحوه‌ی برگزاری این برنامه، این شیوه‌ی کار گروهی و پشتیبانی زنان از یکدیگر خود یک دستاورد بزرگ در این عصر کرونازده است. دستاوردی که می‌تواند نویدبخش آینده‌ای درخشان‌تر برای نیمی از جمعیت جهان باشد. ما برای بهتر شدن نیاز به دست‌یاری داریم؛ به یک نگاه واحد که بدانیم موفقیت ما در نیل به حقوق برابر، در گام اول، با هم بودن مان است.

پوسیده را داشتم که «زن را چه به سیاست!» و مانند فعالان زن کابل با انفجارهای انتحاری تهدید نشدم.

به خود نهیب می‌زنم: جهان زنانه‌ی ما از این سخت‌ترها را هم به خودش دیده است؛ سرنوشت‌های بسیار سخت‌تر از تو. به زنان عشایر فکر کن که دوندگی‌هایشان را از سپیده‌دمان تا پاسی از نیمه‌شب دیده‌ای و تاب نیاورده‌ای. به زنان کشاورز آفریقا که پایه‌پای مردان و گاه بیشتر از آنها دل به مزارع دارند. به کودک‌همسرها که از دنیای شیرین کودکی پرت می‌شوند به دردناک‌ترین هم‌آغوشی‌های تاریخ. به خون‌بس‌های سرزمین‌های سنت‌زده که حاصل زندگی‌شان فقط «تاوان» یک عشیره بوده است؛ جبران یک اشتباه مردانه. درست می‌گویند که آدمی از دیدن رنج دیگران، غم خویشتن را فراموش می‌کند.

اما این تمام واقعیت نیست. این سکه مثل هر سکه‌ای، روی دیگری هم دارد. به ماله‌ها می‌توان امید داشت که تعصب مذهبی خفته بر پیکر زنان را روز به روز کم‌رنگ‌تر کنند. به گرتا تونبرگ‌ها می‌توان دل بست که با نیروی شگفت‌انگیز در حال رهاسازی جهان از شر آلودگی‌های محیط زیست هستند و به عنوانی دختری در میانه‌ی نوجوانی متوجه شده‌اند که آلودگی طبیعت ریشه در زیاده‌خواهی مهارنشده‌ی یک اقلیت و آسایش‌طلبی و کوتاه‌بینی یک اکثریت دارد. به زندانیان بند زنان زندان اوین، قرچک و گوهردشت... به نسرين ستوده‌ها، نرگس محمدی‌ها، مهدیه گلروها، هنگامه شهیدی‌ها و تمام زنانی که فارغ از جنسیت، به رهبران بزرگ جنبش زنان معاصر تبدیل شده‌اند.



زن بودن در هیچ کجای این جهان ناعادلانه آسان نیست. این جمله را تنها به‌عنوان زنی در آستانه‌ی میان‌سالی نمی‌گویم که برای به دست آوردن حقوق اولیه‌اش همواره جنگیده و هزینه‌های سنگینی را پرداخته است، بلکه به عنوان زنی روزنامه‌نگار می‌نویسم که دردهای زنان را در سراسر دنیا می‌بیند و با آنها رنج می‌کشد. اگر چه برای نوشتن که شاید مهم‌ترین هدف زندگی‌ام بوده، سال‌ها خون‌دل خورده‌ام اما باز خوشحالم چون مانند زنان سوری آواره‌ی بیابان‌های خُمص نشده‌ام. کودک که بودم، نوشته‌های روزمره‌ام به دست پدر و برادر خوانده پاره می‌شد و گاه تمسخر گزنده‌ای هم چاشنی‌اش بود اما مثل دختران ایزدی عراق به دست داعش اسیر نشدم. باید دهه‌ها می‌گذشت و می‌جنگیدم تا همان عناصر ذکور خانواده با دیدن نام دختر و خواهرشان بر روی کتاب‌ها یا در مجله‌ها، ذوق کنند و به خود ببالند. باخود فکر می‌کنم، من حداقل فرصت جنگیدن با این افکار

کانادا
کبک
انتاریو
بریتیش کلمبیا
باهمستان افغان و ایرانی

اخبار و
گزارش ها



DAVID BERGER
Avocat - Attorney
Immigration-Refugees-Citizenship

دیوید برگر
پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا
عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- تقاضای مهاجرت از طریق برنامه‌های تجاری و انسان‌دوستانه
- تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست‌های پناهندگی
- بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه‌کننده

Tel: 514-284-1157 www.cilaw.ca david.berger@cilaw.ca
1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

قول ترو دو برای ریشه‌کنی آزارهای جنسی در ارتش

ادیت بر خوردار باشند. ارین اوتول رئیس حزب محافظه کار کانادا نیز به نوبه خود قول داد در صورت به قدرت رسیدن، تحقیقات مستقل و دقیقی برای خشکاندن ریشه‌های این معضل در نهادهای نظامی انجام دهد. هارگیت ساجان وزیر دفاع کانادا چهارشنبه شب گذشته اعلام کرد ادمیرال مک دونالد به طور داوطلبانه از سمت خود کناره‌گیری کرده است این در حالی است که پلیس نظامی کانادا درباره اتهام سوء رفتار جنسی بر ضد مک دونالد تحقیق می‌کند. مک دونالد ماه گذشته جانشین ژنرال جاناتان وانس شد که خود نیز در حال حاضر با اتهام سوء رفتار روبرو است و تحقیقات درباره وی ادامه دارد.

دونالد از ریاست ستاد مشترک نیروهای مسلح کانادا آن هم درست در زمانی که پلیس نظامی درباره ادعای سوء رفتار جنسی مطرح شده بر ضد وی تحقیق می‌کند، نشان می‌دهد که دولت تا چه جرایم و تخلفاتی از این قبیل را جدی می‌گیرد. ترو دو تصریح کرد همان گونه که پیش از این در خصوص ژنرال جاناتان وانس و ژولی پایت عمل کردیم، باید با اتخاذ تدابیر مناسب در جهت پاکسازی کامل محیط‌های کار از هر گونه آثار و علائم سوء رفتارهای جنسی و ارباب آمیز حرکت کنیم. ترو دو افزود کلیه افرادی که در نهادهای دولتی یا نظامی کار می‌کنند حق دارند که از یک محیط سالم و عاری از هر گونه مزاحمت، آزار و



تحقیق مستقلی که سال ۲۰۱۵ صورت گرفت، حاکی از آن بود که یک «فرهنگ پنهان انحرافات جنسی» در نیروهای مسلح کانادا ریشه دوانده است

لیبرال‌ها و محافظه‌کاران بر اراده خود برای ریشه‌کنی سوء رفتارها و آزار و اذیت‌های جنسی در نیروهای مسلح کانادا تاکید می‌کنند. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، جاستین ترو دو نخست وزیر فدرال تاکید کرد استعغای ادمیرال آرت مک

پاسپورت واکسن؛ سوالات و تردیدهای اخلاقی

می‌کند. مونیک لانوا استاد دپارتمان فلسفه دانشگاه سن-پل تاکید کرد: «سوال این است که وقتی پاسپورت واکسن دیجیتال برای سفر اجباری شد، آیا برای ورود به رستوران‌ها، سالن‌های عمومی و دیگر اماکن الزامی نخواهد شد. استفاده از چنین تدبیری می‌تواند برخی تبعیض‌های مرتبط با وضعیت جسمانی افراد ایجاد کند.» واردیت روایتسکی استادیار اخلاق زیستی دپارتمان طب اجتماعی و پیشگیرانه دانشگاه مونترال نیز دیدگاه مشابهی در این زمینه دارد. روایتسکی تاکید کرد: «محدود کردن تردد و دسترسی شهروندان به فروشگاه‌ها و رویدادها و همچنین ایجاد موانع در زندگی اجتماعی آن هم بر مبنای سوابق بهداشتی، امری بی‌سابقه و غیر قابل توجیه است.»

برخی رویدادها نیز استفاده کرد با این حال در حال حاضر چنین چیزی مطرح نیست. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، مارژوری کوته-بوآلو وابسته مطبوعاتی وزارت بهداشت کبک روز جمعه تصریح کرد پاسپورت واکسن دیجیتال درست همانند سازوکاری که در زمان شیوع آنفلوآنزای H1N1 ایجاد شده بود، فعلا فقط برای مسافران به کار گرفته خواهد شد. اوراسیو آرودا مدیر ملی بهداشت کبک نیز تاکید کرد صدور پاسپورت واکسن دیجیتال به معنای برداشته شدن همه تدابیر و محدودیت‌های بهداشتی نخواهد بود. با این حال حقوقدانان و وکلای می‌گویند الزام شهروندان به ارائه سندی دال بر واکسیناسیون به منظور سوار شدن به هواپیما برخی سوالات و تردیدهای اخلاقی جدی مطرح



در اسرائیل، دسترسی به برخی اماکن فقط برای افرادی مجاز است که خود را واکسینه کرده و یک نشان فلزی سبز رنگ از وزارت بهداشت دریافت کرده‌اند.

دولت کبک به طور جدی به صدور پاسپورت واکسن دیجیتال می‌اندیشد اما قرار است این مدرک ابتدا برای آن دسته از کبکی‌هایی که خود را در برابر کووید ۱۹ واکسینه کرده‌اند و به خارج سفر می‌کنند، صادر شود. کریستیان دوبه وزیر بهداشت کانادا روز پنجشنبه ۲۵ فوریه اعلام کرد که از این مدرک می‌توان برای شرکت در

جای پارک رایگان در تعطیلات ماه مارس

اقتصادی این منطقه به شدت بحران زده تسهیل نماید. خانم پلانت تصریح کرد: میویش واکسیناسیون روشنایی انتهای تونل را برای ما نمایان ساخته است. اطمینان داریم که در کنار هم و با کمک هم می‌توانیم این بحران را نیز پشت سر بگذاریم. انتظار داریم با تدبیری که به کار گرفته شده است مرکز شهر به عنوان قلب اقتصادی و فرهنگی کلانشهر مونترال پویایی و جذابیت خود را به سرعت باز یابد.» شهرداری مونترال طرح احیای اقتصادی ۶۰ میلیون دلاری مرکز کلانشهر را دسامبر گذشته با همکاری دولت استانی ارائه کرد. دولت کبک همچنین ۵۰ میلیون دلار به برنامه کمک فوری خود برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که تحت تاثیر بحران کرونا قرار گرفته‌اند، اضافه کرد.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، این تدابیر ابتدا اکتبر گذشته به منظور حمایت از کسب‌وکارهای تجاری مرکز شهر که از یک سال پیش به شدت تحت تاثیر پیامدهای همه‌گیری کرونا قرار گرفته است، به اجرا گذاشته شد. پاندمی کرونا اکثر کسب‌وکارهای این منطقه را از رونق انداخت، بسیاری از ساختمان‌های را خالی کرد و صنعت گردشگری در مونترال را فلج کرد. والر پلانت شهردار مونترال در بیانیه‌ای اعلام کرد: «پارک رایگان خودروها تدبیری حمایتی از طرف شهرداری است که با استقبال صاحبان کسب‌وکارها نیز روبرو شده است. این اقدام بخشی از مجموعه تدابیری است که شهرداری با شرکای خود طی ماه‌های آینده در مرکز شهر به اجرا می‌گذارد به امید این که بتواند شرایط را برای احیای



طبق اعلام شهرداری، تا پایان مارس آخر هر هفته پارک خودرو در خیابان‌های منطقه ویل-ماری Ville-Marie رایگان خواهد بود.

تعطیلات پایان هفته در ماه مارس، جای پارک در مرکز مونترال رایگان است شهرداری مونترال روز جمعه ۲۶ فوریه اعلام کرد از اول تا آخر مارس، پایان هر هفته از ساعت ۱۸ روز جمعه پارک خودرو در خیابان‌های منطقه ویل-ماری (مرکز شهر) رایگان خواهد بود.

سوفی ترودو در روز پیراهن صورتی: نفرت در کشور ما جایی ندارد

آزار و اذیت، بی‌احترامی و تبعیض قرار بگیرند، همان‌گونه باشند که می‌خواهند و این چیزی است که نه فقط در روز پیراهن صورتی، بلکه هر روز ما به آن اعتقاد داریم. دوستان من، بیایید با افتخار پیراهن‌های صورتی خود را بپوشیم، همدیگر را بالا ببریم و به دنیا کمی مهربانی بدهیم.»

لازم به ذکر است روز پیراهن صورتی، روزی است که در آن برگزارکنندگان آن با پوشیدن پیراهن صورتی، آبی یا بنفش (بسته به کشور) به عنوان نماد، علیه زورگویی و قلدری اعتراض خود را اعلام می‌کنند.

به گزارش هفته، همسر جاستین ترودو با انتشار عکسی از خانواده‌اش نوشت: «نفرت در کشور ما یا در قلب ما جایی ندارد. در این روز، مردم سراسر کشور، پیراهن صورتی می‌پوشند تا نشان دهند تحمل هیچ نوع زورگویی را ندارند.»

او افزود: «ما هم به آن‌ها می‌پیوندیم زیرا ما هم مانند آن‌ها معتقدیم که همه باید بتوانند آن‌چه را که می‌خواهند بپوشند، کسانی را که می‌خواهند دوست بدارند، دوست داشته باشند و بدون این که مورد



سوفی ترودو، همسر جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا، در حساب اینستاگرامی خود پیامی به مناسبت روز پیراهن صورتی منتشر کرد.

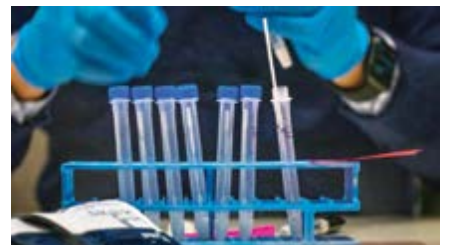
مرگومیر کرونا بیشتر از آمار رسمی است

لحاظ نمی‌شوند. دکتر استال افزود: «این وضعیت نشان‌دهنده آشفتگی و نبود معیارهای مشخص برای تهیه آمار قربانیان کرونا و طبقه‌بندی عوامل مرگومیرها است. متأسفانه در این زمینه آموزش‌های مشخصی در دانشکده‌های پزشکی به دانشجویان داده نمی‌شود.

این موضوع به رغم این که باید جدی گرفته شود، خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد چرا که در اغلب مواردی که به مرگ بیماران منجر می‌شود، پزشکان باید به سرعت عمل کنند و جسد را در اختیار سردخانه یا سالن تشییع قرار دهند.»

و رسماً اعلام می‌شود. آن‌ها معتقدند در گواهی‌های فوت بسیاری از افرادی که بر اثر کرونا می‌میرند، علت مرگ کووید ۱۹ ذکر نمی‌شود.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، دکتر ناتان استال متخصص سلامت سالمندان در Sinai Health در تورنتو می‌گوید فقط مرگومیر افرادی در تلفات رسمی کرونا لحاظ می‌شود که تست کووید ۱۹ آن‌ها مثبت بوده است. به گفته دکتر استال، بسیاری از افرادی که بر اثر کووید ۱۹ جان خود را از دست می‌دهند به خاطر این که تست کرونا نداده‌اند، در آمار رسمی مرگومیرهای کرونا



یک متخصص سلامت سالمندان می‌گوید بسیاری از قربانیان ناشناخته کووید ۱۹ در آمار رسمی تلفات کرونا لحاظ نمی‌شوند چرا که پس از مرگ تست کووید ۱۹ روی آن‌ها انجام نمی‌شود.

کارشناسان می‌گویند آمار رسمی مرگومیرهای ناشی از کرونا کمتر از میزان واقعی است. کارشناسان می‌گویند شمار افرادی که برا اثر ابتلا به کووید ۱۹ جان می‌دهند احتمالاً به مراتب بالاتر از آن چیزی است که ثبت

تأیید واکسن آسترانکا توسط وزارت بهداشت کانادا

به کانادا ارسال خواهد شد. دولت کانادا پیش‌از این نیز ۲۰ میلیون دوز واکسن آسترانکا خریداری کرده است ضمن این که کانادا از طریق سازوکار جهانی کوواکس نیز مقداری از این واکسن‌ها را تهیه خواهد کرد. استفاده کانادا از این سازوکار که عمدتاً برای کشورهای فقیر و محروم در نظر گرفته شده، انتقادهایی را در جهان برانگیخته است.

همه این واکسن‌ها به ۸۴ میلیون دوز واکسن شرکت‌های فایزر- بیو ان تک و مدرنا اضافه می‌شود که قرار است تا پایان سال در اختیار کانادا قرار گیرد. شش میلیون دوز از این واکسن‌ها تا پایان سه‌ماهه اول سال وارد کشور خواهد شد.

ایمن‌سازی افراد ۱۸ ساله و بزرگ‌تر در برابر کووید ۱۹ توصیه می‌شود. کارایی این واکسن ۶۲٫۱ درصد برآورد می‌شود. در مجموع مصرف این واکسن مشکل ایمنی جدی و آثار زیان‌بار ایجاد نمی‌کند.

در پی انتشار این خبر جاستین ترودو نخست‌وزیر فدرال نیز اعلام کرد اتاوا یادداشت تفاهمی برای خرید دو میلیون دوز نسخه هندی واکسن آسترانکا موسوم به کوویشیلد CoviShield که مؤسسه هندی سرم Insti-tut Serum تولید می‌کند، با شرکت Verity Pharma-ceuticals مستقر در میسیساگا امضا کرده است. به‌موجب این قرارداد ۵۰۰ هزار دوز کوویشیلد طی هفته‌های آینده در اختیار کانادا قرار خواهد گرفت و مابقی آن در ماه‌های آینده



وزارت بهداشت کانادا سومین واکسن کووید ۱۹ را که ساخت شرکت آسترانکا است، تأیید کرد

واکسن کووید ۱۹ ناقل ویروس تولید شرکت آسترانکا و دانشگاه آکسفورد روز جمعه ۲۶ فوریه به تأیید وزارت بهداشت کانادا رسید. به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، وزارت بهداشت کانادا در بیانیه‌ای اعلام کرد واکسن آسترانکا برای

روز جهانی زن، ۲۴ شکل زنان ایرانی و مبارزه مشترک برای آینده‌ای برابرتر

فارغ از تمایزها، عزم خود را برای جهانی برابر و رفع کامل ستم جنسی - جنسیتی در سیستم پدرمردسالاری اعلام می‌کنند. زنان جهان در این روز به پا می‌خیزند تا با همدلی، همبستگی و هم‌اندیشی به مثابه نیمی از جامعه بشری، با تکیه بر دستاوردها و فرازهای خود در مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی، اسلام سیاسی، سیاست‌های نئولیبرالیستی و نیروهای راست، مبارزه را ادامه دهند.

در ادامه آمده است: «در سراسر جهان، زنان خشونت را در حوزه خصوصی سنگین‌تر از قبل تجربه کردند، بر حجم کارهای بدون دستمزد آنان افزوده شد، بیکاری و فقر بیشتر آن‌ها را در چنگال خود فشرد. با وجود اینکه زنان نیروی عظیم و در صف مقدم مقابله با پاندمی کووید و ارائه خدمات هستند، برای مقابله با جوانب گسترده آن در سیاست‌گذاری در سطح ملی و بین‌المللی فرصت نقش‌آفرینی کم‌رنگی داشته و دارند. از این‌رو سازمان ملل، موضوع هشت مارس سال جاری را «زنان در رهبری، تحقق آینده‌ای برابر در دنیای کووید» اعلام کرده است.»

تاکید این بیانیه بر این است که «زنان ایرانی هم همواره با وجود موانع سیاسی نزدیک به ۱۰۰ سال است که هشت مارس را گرامی می‌دارند. از جمعیت پیک سعادت در رشت در سال ۱۳۰۱ تا تظاهرات زنان علیه حجاب اجباری، در بند و در خیابان، زنان ایرانی این روز را در همبستگی با زنان سراسر جهان جشن گرفته و عهد خود را برای مقابله با ستم جنسی - جنسیتی تجدید می‌کنند.»

در پایان این بیانیه نوشته شده است: «ما در هشت مارس در کنار زنان پرتو ایران ایستاده‌ایم و به مبارزهای افتخارآمیز زنان به خود می‌بالیم. ما زنان فمینیست، برابری طلب و مدافع حقوق انسانی زنان، در هشت مارس عهد می‌بندیم تا از دستاوردهای مبارزاتی زنان در ۱۰۰ سال گذشته پاسداری کنیم، به ستم جنسی - جنسیتی، به واپس‌گرایی، به ستم ملی، قومی، نژادی و اقتصادی - طبقاتی «نه» بگوییم. ما شکل‌های مستقل و متنوع زنان با اراده‌ای جمعی «موجیم» که تا فردای تحقق خواسته‌ها و مطالبه‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی زنان، تا برچیدن خشونت علیه زنان ایران در عرصه خصوصی و عمومی، تا فردای آزادی زنان زندانی و برچیدن فرودستی زنان آسوده نخواهیم نشست!»

کووید» است که در دستور کار انجمن قرار دارد و در آینده درباره آن اطلاعات بیشتری ارائه خواهد شد.»
در ادامه متن بیانیه تشکل‌های مستقل زنان ایران به بهانه روز جهانی زن را می‌خوانید.

در این بیانیه نوشته شده است: «ما ۲۴ تشکل زنان ایرانی در نقاط مختلف دنیا، با حفظ هویت مستقل گروهی خود کنار هم ایستاده‌ایم تا در هشت مارس، روز جهانی زنان، همبستگی خود را برای مبارزه برای برابری جنسی - جنسیتی با زنان ایران و جهان نشان دهیم.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «ما اعلام می‌کنیم به دستاوردهایی که به بهای شجاعت و دریادلی زنان کسب شده، افتخار می‌کنیم؛ اینکه زنان امروزه در صف مقدم همه مبارزات اجتماعی در ایران قرار دارند مایه دلگرمی ما است. ما همگام شده‌ایم تا عزم را سخ خود را برای تغییر مناسبات قدرت و دادخواهی برای هزینه گرانی که زنان ایران بیشتر از هر زمان دیگر در بیش از چهار دهه پرداخته‌اند، اعلام کنیم.»

در این بیانیه با اشاره به «گذشت ۱۱۱ سال از کنفرانس جهانی زنان کارگر در کپنهاگ» همچنین نوشته شده است: «در این کنفرانس ۱۰۰ نفر از ۱۷ کشور جهان حضور داشتند و به اتفاق آراء پیشنهاد «کلارا زتکین» را برای «روز جهانی زنان» تایید کردند. با پیگیری کنش‌گران حقوق زنان سرانجام در سال ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل، روز هشت مارس را به نام روز جهانی زنان به رسمیت شناخت.» این بیانیه اضافه کرده است: «با وجود پیشرفت‌ها و دستاوردهایی که در نتیجه مبارزات زنان برای تحقق حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و جنسی - جنسیتی کسب شده است، در دهه سوم قرن ۲۱، هنوز ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون زن در جهان از حقوق برابر برخوردار نیستند؛ از هر سه زن یک نفر خشونت را در دوران زندگی خود تجربه می‌کند، زنان ۲۳ درصد دستمزد کمتر از مردان در مقابل کار برابر دریافت می‌کنند و از ۱۹۳ کشور جهان فقط ۲۱ زن در مقام رهبری قرار دارند.»

بنا به این بیانیه «هشت مارس، روزی است که زنان جهان

اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان ایران به مناسبت هشت مارس، روز جهانی زنان

دو شنبه ۸ مارس ۲۰۲۱
صبح ۹ عصر به وقت غرب آمریکا
۸:۳۰ شب - ۱۰:۰۰ به وقت ایران
۱۸ اسفند



Facebook | Instagram | Website

«اقدام مشترک تشکل‌های مستقل زنان ایرانی» عنوان برنامه‌ای است که ۲۴ تشکل زنان ایرانی فعال در سرتاسر جهان قصد دارند با اجرای آن، هشتم مارس، روز جهانی زن را گرامی دارند. این تشکل‌ها بیانیه‌ای را به همین مناسبت صادر کرده‌اند.

الاهه شکرایی یکی از موسسان انجمن زنان ایرانی مونترال در گفت‌وگو با «هفته» در این باره می‌گوید: «هدف از اجرای برنامه اقدام مشترک، انجام کار گروهی به شیوه نوین به‌منظور همگرایی و غلبه بر پراکندگی است.»

به گفته این فعال حوزه زنان «این تجربه را به‌مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان با موفقیت از سر گذاردیم و بر آن شدید تا برای هشت مارس هم این برنامه را اجرا کنیم. این بار تعداد بیشتری از تشکل‌های زنان در جهان به این برنامه پاسخ مثبت داده‌اند.»

شکرایی توضیح می‌دهد: «این حرکت جمعی به صورت افقی برنامه‌ریزی شده به این معنا که رئیس و مرئوس ندارد، سخنرانی هم نداریم بلکه هر تشکل به مدت ۱۰ دقیقه درباره چالش‌ها و دستاوردهای زنان ایران در قرن اخیر برنامه‌ای را ارائه خواهد کرد.»

به گفته او «این برنامه روز هشتم مارس از طریق یوتیوب، فیسبوک و اینستاگرام از ساعت ۸:۰۰ نیمه شب به وقت ایران و ساعت ۱۲ ظهر به وقت مونترال برگزار می‌شود.»

این فعال انجمن زنان ایرانی مونترال با اشاره به اینکه «تم انتخابی این انجمن، ارمان کرونا به زنان ایران» است، می‌گوید: «موضوع سازمان ملل به مناسبت هشتم مارس امسال، «زنان در رهبری، تحقق آینده‌ای برابر در دنیای

رقص و موسیقی در «روز جهانی زن»

سازمان زنان ایرانی انتاریو در صدد است با اجرای برنامه موسیقی و رقص «روز جهانی زن» را جشن بگیرد. این سازمان اعلام کرده است: «به‌منظور بزرگداشت روز زن با برنامه‌های متنوع میزبان شما دوستان خواهیم بود. علاوه بر اجرای موسیقی و رقص، نمایش هنری و صحبت درباره ذهن‌آگاهی از دیگر بخش‌های این برنامه است.» این مراسم هشتم مارچ ۲۰۲۱ ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه تا

سازمان زنان ایرانی انتاریو در صدد است با اجرای برنامه موسیقی و رقص «روز جهانی زن» را جشن بگیرد. این سازمان اعلام کرده است: «به‌منظور بزرگداشت روز زن با برنامه‌های متنوع میزبان شما دوستان خواهیم بود. علاوه بر اجرای موسیقی و رقص، نمایش هنری و صحبت درباره ذهن‌آگاهی از دیگر بخش‌های این برنامه است.» این مراسم هشتم مارچ ۲۰۲۱ ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه تا



آغاز کمپین «معلومات یعنی قدرت» به مناسبت روز جهانی زن

عنوان ویدئوها به ترتیب عبارتند از خشونت خانگی و کرونا؛ آشنایی با خدمات مجموعه آتنا؛ انواع آزار و چرخه خشونت؛ نحوه مراجعه به پلیس درحین برخورد با خشونت خانگی؛ باورها و عقاید نادرست درباره خشونت خانگی. شما می‌توانید این ویدئوها را روی صفحه وبسایت و فیس بوک انجمن آتنا و نیز از طریق کانال یوتیوب، تماشا کنید. تلفن تماس با مجموعه آتنا با مترجم فارسی زبان ۵۱۴۲۷۴۸۱۱۷ است. برای دریافت آدرس فیسبوک این مجموعه به همین خبر روی کانال تلگرامی هفته مراجعه کنید. آدرس وبسایت آتنا shieldofathena.com است.

این ویدئوهای آموزشی را دید نوشته است: «از زمان آغاز بحران کرونا در سراسر جهان، خشونت‌های خانگی هم افزایش بیشتری داشته و قربانیان و شاهدان زیادی را بدون پناه و کمک گذاشته است. بسیاری از این افراد که عمدتاً زنان و کودکان هستند، به دلایل مختلف که مهمترین آن نداشتن مهارت زبانی است، از معلومات و آموزش‌های لازم محروم هستند. دیدن این ویدئوها می‌تواند به آن‌ها و سایر افراد جامعه اطلاعات مهمی را آموزش دهد و قربانیان و افراد بیشتری در جامعه را از خشونت خانگی حفظ کند.» ویدئوی دوم این مجموعه روز سوم مارس منتشر شد و بقیه ویدئوها در روزهای چهارم، پنجم و هشتم مارس در یوتیوب در دسترس خواهد بود.



انجمن و پناهگاه آتنا، به منظور کمک به قربانیان خشونت زناشویی و خانگی، پنج ویدئوی آموزشی را به ۱۰ زبان زنده دنیا از جمله زبان فارسی تهیه و آماده نمایش کرده است. اولین ویدئوی این مجموعه با عنوان «خشونت خانگی در دوران کرونا» روز ۲۴ فوریه رونمایی شد. برای دیدن این ویدئو به زبان فارسی به لینک youtu.be/4ZU0B3Y8XZM مراجعه کنید انجمن آتنا در بیانیه‌ای با طرح این سوال که چرا باید

نشستی برای مدیریت وزن با یک متخصص تغذیه

عوامل موثر بر افزایش وزن، رژیم‌های غذایی و کارآیی آنها و مصرف آگاهانه مواد غذایی از جمله محورهای این وبینار است. در صورت تمایل برای ثبت‌نام با ایمیل Info@iwontar-io.com در صورت تماس باشید. گفتنی است؛ این وبینار برای اعضای سازمان رایگان است.

سازمان «زنان ایرانی انتاریو» وبیناری را با عنوان «تغذیه سالم و مدیریت وزن» برگزار می‌کند. این برنامه روز پنج‌شنبه ۴ مارچ ۲۰۲۱ ساعت ۱۸ تا ۱۹ و ۳۰ دقیقه با سخنرانی «سیمین قریشی»، متخصص تغذیه و مربی دیابت اجرا خواهد شد.



اخبار باهمستان در اتاوا

مسابقه عکاسی به بهانه نوروز ۱۴۰۰

این فراخوان به مناسبت نزدیک شدن به نوروز ۱۴۰۰ با موضوع «نوروز و بهار» در یک همکاری مشترک میان این دو موسسه منتشر شده است. طبق این اطلاعیه، مهلت ارسال عکس‌ها از ۲۲ فوریه تا ۱۵ مارچ ۲۰۲۱ است. فرمت عکس‌ها باید به صورت jpeg باشد و از هر شرکت‌کننده حداکثر چهار عکس پذیرفته می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در مسابقه، عکس‌های خود را به آدرس ایمیل photocontest@pandsettlement.ca ارسال کنند. گفتنی است؛ داور این مسابقه عکاسی آقای «همایون راستان» است و ۱۰ عکس برتر در برنامه جشن نوروز «پاکسو» در تاریخ ۲۰ مارچ معرفی و به سه نفر اول جوایزی به یادگار اهدا خواهد شد. در صورت تمایل شما می‌توانید این دو موسسه را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید. سازمان «پند»: PANDOTTAWA@ و انجمن «پاکسو»: PACSOOTTAWA@

این فراخوان به مناسبت نزدیک شدن به نوروز ۱۴۰۰ با موضوع «نوروز و بهار» در یک همکاری مشترک میان این دو موسسه منتشر شده است. طبق این اطلاعیه، مهلت ارسال عکس‌ها از ۲۲ فوریه تا ۱۵ مارچ ۲۰۲۱ است. فرمت عکس‌ها باید به صورت jpeg باشد و از هر شرکت‌کننده حداکثر چهار عکس پذیرفته می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در مسابقه، عکس‌های خود را به آدرس ایمیل photocontest@pandsettlement.ca ارسال کنند. گفتنی است؛ داور این مسابقه عکاسی آقای «همایون راستان» است و ۱۰ عکس برتر در برنامه جشن نوروز «پاکسو» در تاریخ ۲۰ مارچ معرفی و به سه نفر اول جوایزی به یادگار اهدا خواهد شد. در صورت تمایل شما می‌توانید این دو موسسه را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید. سازمان «پند»: PANDOTTAWA@ و انجمن «پاکسو»: PACSOOTTAWA@



سازمان «پند» و انجمن فرهنگی و هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) مسابقه عکاسی با عنوان «قاب بهار» برگزار می‌کنند.

دوره‌می نوروزی ایرانی‌های اتاوا

این برنامه روز شنبه ۲۰ مارس ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ تا ۲۱ به وقت شرق کانادا در نرم‌افزار «زوم» برگزار می‌شود. افراد در صورت تمایل از راه‌های زیر می‌توانند در این مراسم شرکت کنند. برای دریافت لینک برنامه به کانال تلگرامی هفته [haftehmontreal](https://t.me/haftehmontreal) مراجعه کنید. شما می‌توانید برای کسب اطلاعات بیشتر با ایمیل info@pacso.ca یا با مدیر کانال تلگرامی «پاکسو» به شناسه کاربری @PAC-SO_IRAN در تماس باشید.

انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) دوره‌می نوروزی سال ۱۴۰۰ را در کنار ایرانی‌های اتاوا برگزار می‌کند. این انجمن در اطلاعیه‌ای نوشته است: «نوروز سال جدید را باید به صورت مجازی برگزار کنیم؛ اتفاقی که شاید سال گذشته به آن باور نداشتیم. پس همگی از خانه خود و از قاب تصویر با هم به دید و بازدید می‌پردازیم و در شادی هم شریک خواهیم شد.»



صحبت درباره «نقش دین در دنیای معاصر» با «کدیور»

«محسن کدیور»، ارایه‌دهنده این برنامه، فقیه نواندیش و استاد تمام پژوهشی مطالعات اسلامی در دپارتمان مطالعات دینی دانشگاه دوک آمریکا است. این برنامه روز یکشنبه ۷ مارس ۲۰۲۱، ساعت ۱۷ تا ۱۹ به وقت اتاوا در نرم‌افزار «زوم» برگزار می‌شود. برای دریافت لینک ورود به برنامه به کانال تلگرامی هفته [haftehmontreal](https://t.me/haftehmontreal) مراجعه کنید.

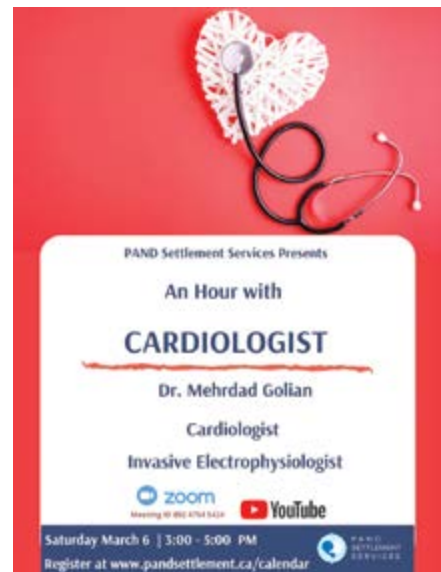
«گروه گفت‌وگوی اندیشمندان اتاوا» برنامه‌ای را با عنوان «نقش دین در دنیای معاصر» و سخنرانی «محسن کدیور» برگزار می‌کند. این گروه در این نشست دو ارائه فشرده در مورد دین، رابطه آن با دنیای پیشامدرن و مدرن و نقش آن در دنیای امروز خواهند داشت. پس از آن هم، همه افراد حاضر در نشست، حول جستارهای مطرح شده گفت‌وگو و تبادل نظر خواهند کرد.



ساعتی با متخصص قلب

این جلسه روز شنبه ۶ مارچ ۲۰۲۱ از ساعت ۱۵ تا ۱۷ به صورت آنلاین در نرم‌افزار «زوم» برگزار می‌شود. برای ثبت‌نام کافی است به کانال تلگرامی پند یا هفته رفته و روی لینک برنامه کلیک کنید. پس از این مرحله، ایمیل حاوی لینک جلسه از طرف zoom برای شما ارسال خواهد شد. تلگرام: <https://t.me/pandottawa>

اگر پریشانی درباره بیماری‌های قلبی دارید سازمان «پند» برای شما برنامه‌ای را با عنوان «ساعتی با متخصص قلب و عروق» در نظر گرفته است. در پنجمین جلسه از مجموعه جلسه‌های سلامتی این سازمان، آقای دکتر مهرداد گلیان درباره این دسته از بیماری‌ها سخنرانی خواهد کرد و به سوالاتی که مخاطبان مطرح کنند، پاسخ خواهد داد.



Ali Samadian

Real Estate Broker



438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستیم

علی صمدیان

مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

حامد ملکی

Hamed Maleki

- ✓ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ✓ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ✓ تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
- ✓ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف

مونترال جهت خرید
hamedmalekirealstate
(514) 5571929

مشاور رسمی مسکن در استان کبک



Vendirect.ca

بهار ایزدی

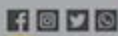
مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER
BAHAR IZADI
REAL ESTATE ADVISOR

BUY
SALE
PRESALE



انتخاب خوب هنر است.



514 651 48 26

برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید
bahari@mimontreal.com



Multi-Prêts
HYPOTHEQUES
AGENCE HYPOTHÉCAIRE

مریم رمضانلو

کارشناس وام مسکن

- تازه واردین
- تمدید وام
- خود اشتغالی
- سرمایه گذاری
- دسترسی به وام دهندگان خصوصی
- پرداخت بدهی
- ترمیم کردیت بد

خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
ارائه بهترین نرخ بهره و وام
مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن

mramezanloo@multi-prets.ca
boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A6 ,6185

438-926 5626

گفت‌وگو

گفت‌وگوی اختصاصی هفته با
«مهدیه گلرو» فعال حقوق زنان:
جنگیدن با سنت‌ها کار هر زنی نیست

گزارش

زنان در افغانستان؛ مبارزه در چند جبهه
زنان در کانادا؛ موفق در تحصیل،
ناکام در اشتغال
زنان در جهان؛ پاندمی و
تشدید نابرابری جنسیتی

پرونده



سیستم آموزش ما کاملاً جنسیت‌زده است و زن همیشه به‌عنوان یک دختر خوب یا همسر خوب تعریف می‌شود. شکل‌گیری چنین باوری در کودکی، تاثیر مستقیم بر تصمیم‌گیری افراد در سنین بالاتر می‌گذارد.



گفت‌وگوی اختصاصی هفته با «مهديه گلو» فعال حقوق زنان جنگیدن با سنت‌ها کار هرزنی نیست



هشتم مارس هر سال بهانه‌ای است برای پرداختن به مسائل و مشکلات نیمی از جمعیت جهان. نیمی که علی‌رغم تلاش و کار برابر و حتی بیشتر، هنوز از تبعیض مضاعف رنج می‌برد؛ در برخی کشورهای جهان از جمله ایران و افغانستان خودمان رسماً «جنس دوم» است؛ فرصت‌های محدودتر و دسترسی به امکانات کمتری دارد؛ مورد خشونت قرار می‌گیرد و حتی گاهی در خانه و خانواده خود هم امان ندارد. نیمی از جهان که در بسیاری از نقاط دنیا باید قابلیت‌های خود را فقط صرف فرزندآوری و امور منزل کند؛ کارهایی که نه تنها به چشم نمی‌آید، بلکه به مرور زمان آنان را از حضور موثر بر سرنوشت خود، بویژه در عصر اطلاعات، دور می‌کند. بر اساس گزارش‌های رسمی طی یک سال گذشته با وجود همه‌گیری کرونا، این نابرابری‌ها و خشونت‌ها شدت گرفته است. از این رو بیشتر نوشتن و گفتن در این رابطه به عنوان یک ضرورت خودنمایی می‌کند. پرونده‌ی این شماره مجله‌ی هفته را به زنان اختصاص داده‌ایم. در این مجال، «مهديه گلو» فعال حقوق زنان که به تازگی به سوئد مهاجرت کرده است، از شرایط زنان در ایران سخن می‌گوید. نرگس هاشمی در گزارشی با زنان روزنامه‌گار و فعال اجتماعی در افغانستان در خصوص شرایط زندگی و فعالیت زنان در این کشور گفت‌وگو کرده است. در بخش سوم هم به وضعیت زنان در کانادا و تاثیر کرونا بر نابرابری جنسیتی بر اساس مطالعات دانشگاهی و بین‌المللی می‌پردازیم.

از تفکر انفعالی است؟

این که چرا زنان از درون پوسته و حصار سنت‌ها خارج نمی‌شوند می‌تواند به دلایل مختلفی بستگی داشته باشد، ولی همین سنت‌ها می‌توانند به شدت دست و پای آدم‌ها و مخصوصاً زنان را ببندد و نگذارد از قیدوبند رها شوند. از سمت دیگر سیستم آموزشی کاملاً جنسیت‌زده است و در آن، زن همیشه به‌عنوان یک دختر یا همسر خوب تعریف می‌شود. شکل‌گیری چنین باوری در کودکی تاثیر مستقیمی بر تصمیم‌گیری افراد در سنین بالاتر می‌گذارد.

آدم‌ها ممکن است با یک جرقه از این دور خارج شوند. مثل اتفاقی که در زندگی و اطرافشان می‌افتد. حتی ممکن است مستند یا فیلمی که می‌بینند چنین تاثیری



روی آن‌ها بگذارد. حالا این که آدم‌ها به این جرقه حتی دسترسی داشته باشند یا نداشته باشند، جای بحث دارد. اکثر کسانی که در خانواده‌های سنتی هستند، از همان ابتدا اجازه‌ی ورود به دانشگاه را پیدا نمی‌کنند. در اینجا احتمال این که آن جرقه زده شود خیلی کاهش پیدا می‌کند چون بسیاری از زنان امکان دسترسی به اطلاعات ندارند.

خانم مهديه گلو گرامی شما مدتی پیش از ایران خارج و ساکن سوئد شدید؛ آیا این انتخاب به دلیل فضای برابری جنسیتی نسبی در سوئد بود؟

سوئد آمدن من اختیاری نبود، چون به دعوت انجمن قلم بود و انجمن تصمیم می‌گیرد مهمان را به کدام کشور و شهر دعوت کند. البته این که من یک فعال فمینیستی هستم هم احتمالاً در این انتخاب بی‌تاثیر نبوده است. البته اگر قرار بود خودم هم انتخاب کنم، سوئد انتخاب خوبی بود.

گفتید که پایان‌نامه‌ی شما در رابطه با نقش برابری جنسیتی در توسعه در چند استان ایران بوده است. به چه نتایجی رسیدید؟

من پنج استان و دو پارامتر اشتغال و تحصیل زنان را برای پژوهش انتخاب کردم. به‌طور فاحشی تحصیل و اشتغال زنان با هم ارتباط مستقیم و مثبت داشتند؛ یعنی هرچه تحصیل زنان در آن استان بیشتر بود، میزان اشتغال هم به همان اندازه بیشتر بود. هرچند این اعداد با هم خیلی فاصله داشتند؛ یعنی درصد زنان تحصیل‌کرده‌ی یک استان با زنانی که در همان استان وارد بازار کار می‌شدند با هم بسیار متفاوت بود. سهم زنان از بازار کار در بهترین شرایط طی این سال‌ها ۱۹ درصد (در زمان رونق اقتصادی) و حدود ۱۳ تا ۱۴ درصد به طور متوسط بوده است.

اشاره کردید در یک خانواده‌ی مذهبی بزرگ شدید و این سبب شد شما به مسائل زنان روی بیاورید. بسیاری از زنان محدودیت‌ها را می‌پذیرند و وارد این بحث نمی‌شوند. فکر می‌کنید چه میزان از مشکلات زنان در ایران ناشی

با توجه به آمار در دسترس، میزان دسترسی به اطلاعات برای زنان و مردان در کل دنیا برابر نیست. در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، این تفاوت بسیار محسوس تر است. ما درون این تبعیض جنسیتی، تبعیض آموزشی و تبعیض در دسترسی به اطلاعات جدید را هم داریم. به خاطر همین در همان چرخه‌ی سنت و باورها در چرخش هستیم. هم آموزش این تاثیر را دارد و هم سنت و کلیشه‌هایی که در ذهن نهادینه شده است و از بین بردن و مبارزه با آنها می‌تواند کار سختی باشد.

منظور تان این است که همه نباید با قوانین ضد حقوق زنان مبارزه کنند؟

من فکر می‌کنم این که بخواهیم همه‌ی آدم‌ها را در یک قالب قرار دهیم که باید مبارزه کنند، منطقی به نظر نمی‌رسد. من در این چند سال که صراحتاً اعلام کردم از یک خانواده‌ی مذهبی می‌آیم و پدرم آخوند است بارها و بارها پیغام گرفته‌ام که ما سنتی هستیم ولی نمی‌دانیم چه کار باید بکنیم! و یکی از مسائل پرتکرار هم همین است که می‌گویند در عین حال نمی‌خواهیم خانواده‌مان را ناراحت کنیم. این یک واقعیت است. من نمی‌توانم منکر شوم زمانی که جنگ من با این سنت‌ها از داخل خانواده شروع شد، خانواده‌ی من آزار و آسیب دیدند. در درجه‌ی اول، پدرم که از روالی که در پیش گرفته بودم خیلی بیشتر اذیت می‌شد و قطعا در کنارش مادرم هم ناراحت بود، اما این در نهایت انتخاب خود ماست که می‌پذیریم این انقلاب باورهای درونی را به شکلی که

مهدیه گلرو از زبان خودش:



از نوجوانی درگیر حوزه‌ی زنان شدم چون هم‌زمان در جریان مساله‌ی قانون و سنت قرار گرفتم. در یک خانواده‌ی مذهبی متولد و بزرگ شده بودم. زمانی که یکی از خواهرانم می‌خواست متار که کند، متوجه پیگیری‌ها و رفت‌وآمدهای زیاد به دادگاه و عدم همکاری همسرش شدم. این مساله تاثیر زیادی بر زندگی من گذاشت. زمانی که وارد دانشگاه شدم و در رشته‌ی اقتصاد تحصیل می‌کردم، مساله‌ام این بود که چگونه برابری جنسیتی در توسعه و رشد اقتصادی نقش دارد. در مورد ارتباط جنسیت و اقتصاد مطالعه می‌کردم. در فعالیت‌های دانشجویی هم فعالیت سیاسی داشتم و هم سعی می‌کردم گروه‌های مختلف زنان را تشکیل دهم. آن سال‌ها مصادف با سال‌های اوج جنبش‌های اجتماعی زنان در ایران بود. در دوره‌ی اصلاحات، نهادهای بسیاری برای حمایت از فعالیت‌های زنان شکل گرفته بود. ما هم گروهی در دانشگاه تشکیل دادیم که نشریه‌ای با موضوعات زنان منتشر می‌کرد. در این نشریه، رویدادهای روز مثل کمپین یک میلیون امضا و قوانین مدنی و کیفری را مطرح می‌کردیم. به واسطه همین فعالیت‌ها، از تحصیل محروم شدم. بعد از رفع ممنوعیت ادامه‌ی تحصیل و در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پایان‌نامه‌ام را در مورد تحصیل، اشتغال و ورود زنان به بازار کار و ارتباط آن با توسعه در پنج استان ایران نوشتم که متأسفانه نتوانستم از آن دفاع کنم. بعد از آن هم این دیدگاه ادامه داشت، حتی زمانی که از ایران خارج شدم. همیشه مساله زنان برایم اهمیت داشته و حالا هم سعی می‌کنم با نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد زنان ارتباط داشته باشم. خوشبختانه سوئد هم به‌عنوان یک کشور و دولت فمینیست محسوب می‌شود و نهادهای مدنی زیادی در آن فعالیت دارند. در حال حاضر روی مسائل فمینیستی و مشکلات زنان مهاجر (به‌خصوص زنان خاورمیانه) کار می‌کنم.

” جاد و همسرش که ترجیح می‌دهند هویت کامل خود را فاش نکنند تا مبادا اظهارنظرهای آنها به روند پرونده‌شان لطمه بزند، برنامه‌ریزی کرده بودند که پس از رسیدن به فرودگاه مونترال، به تورنتو بروند و در آن جا دوره قرنطینه دوهفته‌ای خود را سپری کنند.

به آن اعتقاد داریم نشان دهیم و به آن شیوه زندگی کنیم یا نه. این موضوع در زندگی آدم‌هایی که می‌خواهند روش زندگی‌شان را تغییر دهند، تاثیر دارد و البته در مورد زن‌ها در جامعه سنتی خیلی بیشتر به چشم می‌آید. به هر صورت در مورد این که چقدر خانواده و جامعه می‌تواند روی تصمیم‌افزایی که می‌خواهند از قید سنت‌ها رها شوند تاثیر داشته باشد، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. اگر من در مورد آن صحبت می‌کنم چیزی نیست که روی آن کار نشده باشد اما نمی‌شود از همه انتظار داشت که وارد این جنگ شوند؛ چرا که با این تصمیم ممکن است اطرافیان و کسانی که دوست دارند (مثل خانواده، همسر، حتی دوستان خانوادگی و همسایه‌ها) را از دست بدهند. به همین دلیل ما نمی‌توانیم چنین انتظاری را از همه‌ی آدم‌ها داشته باشیم که وارد چنین پروسه‌ای شوند و بجنگند. اینجاست که قوانین باید از زن‌ها حمایت کنند که اگر زمانی تصمیم می‌گیرند که از قیدوبندها رها شوند، حداقل قوانین حامی آن‌ها باشد.

در این صورت وقتی که قوانین از سنت‌ها حمایت می‌کند، جامعه‌ی سنتی هم آن قوانین را باز تولید می‌کند، این چرخه‌ی باطل مدام ادامه دارد و راهی برای تغییر نمی‌ماند، درست نیست؟

واقعیت این است که چرخه‌ی باطل مذکور در جایی شکسته می‌شود که هم‌زمان به هر دو موضوع پرداخته شود. اگر ما قوانین را درست کنیم و به فرهنگ‌سازی اشاره نکنیم، شکافی بزرگ در جامعه ایجاد می‌کنیم که نمونه‌اش در دوره‌ی پهلوی اتفاق افتاد. یعنی قوانین رو بونا هستند که تغییراتی در آن شکل گرفت ولی در کنارش فرهنگ‌سازی ایجاد نشد که طبیعتاً به این خاطر بود که جامعه‌ی مدنی سرکوب می‌شد. همان تفاوت بین قانون و فرهنگ و باورهای یک جامعه است که باعث این گسستگی می‌شود. نتیجه‌ی آن هم انقلاب‌ها در همه‌ی دنیا بوده که در ایران هم اتفاق افتاده است.

از طرفی هم اگر فقط فرهنگ‌سازی کنیم و آموزش دهیم، تا وقتی که قوانین دارد از تبعیض حمایت می‌کند، قدرت قانون بیشتر از سنت‌ها و فرهنگ خواهد بود. یعنی تلاش مداومی که ما برای فرهنگ‌سازی می‌کنیم تا زمانی که رسانه در دست قدرت است و دولت هم حمایت‌کننده‌ی قوانین است، باز هم راه به‌جایی نمی‌برد. پیشبرد هم‌زمان هر دوی این روندها می‌تواند ما را به سرمنزل مقصود برساند؛ یعنی جامعه‌ای باشد که قوانین برابر را بپذیرد و به آن احترام بگذارد.

این روزها با مشکلات زیادی مواجهیم. مثلاً همین خبر اخیر که در رابطه با ممنوع‌الخروج بودن مربی تیم ملی اسکی منتشر شد یا اخباری که در رابطه با خودکشی زنان در دیشموک (یکی از روستاهای کهگیلویه‌وبویراحمند) یا اخبار ناراحت‌کننده‌ی دیگری که در رابطه با قتل‌های ناموسی است. در عین حال می‌بینیم که حداقل در نسل جدید، روزنه‌های امیدی برای آگاهی بیشتر دیده می‌شود. آیا شما نگاه روشنی به این رویه دارید یا فکر می‌کنید با این وضعیت ما روبه‌زوال می‌رویم؟

ببینید اگر حتی یک جامعه‌ی مدنی خیلی قوی و سازمان‌های مربوط به زنان خیلی پر قدرت هم در جامعه داشته باشیم تا وقتی که قانون اصلاح نشود امکان این که ما در این مواردی که شما گفتید یک فرجی ببینیم وجود ندارد. در همین بحث ممنوع‌الخروجی، باوجودی که شما کار فرهنگی می‌کنید تا وقتی کسی قدرت سوءاستفاده از نهاد قانون را دارد می‌تواند قوانینی ناعادلانه وضع کند. این می‌تواند در حوزه زنان و تبعیض جنسیتی باشد یا در حوزه‌های دیگر. یعنی این مشکل سوءاستفاده از نهاد قانون باید حل شود.

بنویسیم، تحلیلی تقلیل یافته برای زنان خواهد بود. اصلاح قانون کار به همان اندازه اهمیت دارد که قوانین مدنی و جزایی یا قانون ارث نیاز به اصلاح و برابری دارد. این موارد برای همه‌ی زنان ایران می‌تواند مساله باشد.

همه باید با همدیگر در نظر گرفته شود و در مورد همه‌شان صحبت کنیم. اگر صرفاً بگوییم آگاهی در زنان ایرانی افزایش پیدا کرده است، موضوع را فقط به سمت زنان طبقه‌ی متوسط و تحصیل کرده شهری سوق داده‌ایم؛ یعنی شما به این موضوع فکر نمی‌کنید اکثر زنانی که در روستاهای دورافتاده هستند دسترسی به اینترنت ندارند و همه‌ی اطلاعات خود را از رسانه‌هایی می‌گیرند که کلیشه‌های جنسیتی را بازتولید می‌کنند.

همین بحث شروط ضمن عقد می‌تواند راهکاری باشد که تا حدی ازدواج را برابر کند، اما تا وقتی ما به‌طور جدی در بخش‌هایی از ایران با مساله کودک‌همسری مواجه هستیم، نمی‌توان گفت همه‌ی زنان ایرانی باید شروط ضمن عقد را لحاظ کنند. از کدام مجرا قرار است اطلاعات بگیرند؟ چه نهادی در مورد شروط ضمن عقد صحبت می‌کند؟ مدرسه یا دانشگاه؟ راهکاری که می‌توانیم ارائه دهیم اثرگذار است اما این راهکار برای زن تحصیل کرده‌ی شهرنشین است نه برای زنانی که به بسیاری از امکانات دسترسی ندارند.

بسیار ممنونم از زمانی که در اختیار هفته قرار دادید. آرزوی موفقیت بیشتر برای شما داریم.

به عقیده‌ی من اگر همه زن‌های ایرانی هم آگاه شوند به این که وقتی همسرشان بمیرد، حضانت بچه به پدر بزرگش می‌رسد و آن زن نمی‌تواند بر فرزند خودش ولایت داشته باشد، هیچ تاثیری در شرایط آن‌ها نمی‌گذارد. این آگاهی می‌تواند منجر به تغییر در فرهنگ و عرف و باورها شود و قطعاً اثرگذار است ولی مستقیماً نمی‌تواند منجر به تغییر قوانین شود؛ مگر این که دولت مستقر و حکومت تصمیم بگیرد که قانونی را تغییر دهد و مجلس آن را به تصویب برساند.

صرفاً آگاهی در چنین موقعیتی شرایط را به لحاظ حقوقی و قانونی تغییر نمی‌دهد ولی قطعاً می‌تواند چراغی روشن باشد برای مطالبه‌های در جهت اصلاحات قانونی. همان‌طور که سال ۱۳۹۴ هم به خاطر همین مطالبه‌ای که بعد از ممنوع‌الخروجی خانم اردلان شکل گرفت باعث شد لایحه‌ای مطرح شود، هر چند که تصویب نشد. البته به آن لایحه هم انتقاداتی وارد بود که چرا فقط زنان نخبه باید چنین امکانی را داشته باشند، ولی به هر حال این مطالبه‌ی عمومی بود که باعث شد چنین طرحی نوشته شود.

و سخن پایانی؟

شاید بد نباشد به نکته‌ای اشاره کنم که وقتی در مورد مسائل و مشکلات زنان صحبت می‌کنیم بهتر است همه‌ی زنان، از همه‌ی طبقات اجتماعی و اقتصادی را در نظر بگیریم. هم زن عشایر، هم زن روستایی، هم زن کارگر و هم زن طبقه‌ی متوسط یا مرفه. مطالبات این طبقات متفاوت است و ما اگر بخواهیم یک نسخه برای همه‌ی مطالبات

گزارش

” نرگس هاشمی

زنان در افغانستان: مبارزه در چند جبهه

از هشتم مارس روز جهانی زن به‌مثابه‌ی تجلیل از مبارزات زنان برای رسیدن به حقوق برابرشان با مردان و تجلیل از قربانی‌های آنان در راه عدالت و برابری در اکثر کشورهای جهان تجلیل به‌عمل می‌آید. این روز به‌گونه‌ی تصادفی انتخاب نشده است، بلکه طی یک فرآیند طولانی در اثر مبارزات زنان برای دستیابی به حقوق‌شان به‌رسمیت شناخته شده است. ماهیت روز بین‌المللی زنان با آن چه که عمدتاً در افغانستان درک می‌شود، کاملاً متفاوت است ولی با این همه، زنان افغانستان همیشه برای رسیدن به اهداف‌شان در سخت‌ترین شرایط مبارزه کرده و به موفقیت‌های زیادی نایل شده‌اند. در این آستانه، با کارکردها، موفقیت‌ها و فراز و نشیب‌های زنده‌گی چند زن در افغانستان آشنا شوید.

تهدیدات امنیتی که در این اواخر ژورنالستان افغانستان را به‌خطر مواجه ساخته است با سر و وضع پوشیده تا هویتم شناخته نشود از خانه به سوی کار می‌روم. یک مدت از خانه کار کرده و اطلاع‌رسانی می‌کردم و صدای زنان خبرنگار را بلند می‌نمودم و اکنون هم با تحمل نمودن همین مشکلات به فعالیت‌هایم ادامه می‌دهم.»

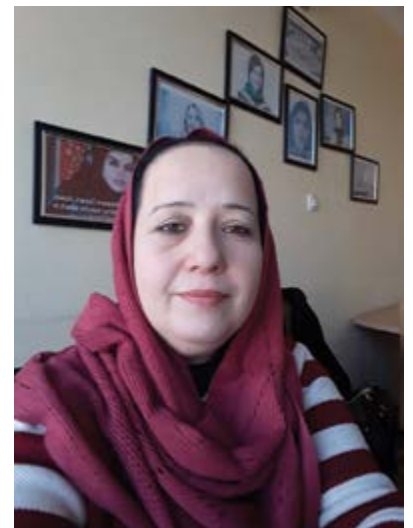
محبوبه کریمی فرید می‌افزاید: «این که مادر و همسر استم و همچنان دختر یک زن کهن‌سال می‌باشم؛ در پهلوی وظیفه‌ی خبرنگاری باید به آنها هم رسیده‌گی کنم.»

تهدیدها و ناامنی‌ها

او راز موفقیت‌اش را در احساس مسوولیت، تحمل نمودن مشقات و برده‌باری‌اش می‌داند و این که چه چالش‌های در برابر خبرنگاران زن و آینده‌ی کاری‌شان وجود دارد به مجله‌ی هفته چنین می‌گوید: «افغانستان بزرگ‌ترین مکان برای تهدید خبرنگاران زن است. مساله‌ی صلح افغانستان مشکلاتی را برای خبرنگاران زن در افغانستان ایجاد کرده است، چون نه‌تنها در مورد موقف زنان در مذاکرات صلح دوحه بحث نشده بلکه در باره سهم و نقش خبرنگاران

ساعات کار بالا

«محبوبه کریمی» خامنی که از پوهنتون تعلیم و تربیه لیسانس دارد و در شهر کابل با مادر و یک دختر و شوهرش زنده‌گی می‌کند و سابقه‌ی کاری خبرنگاری دارد؛ ضمن این که روز هشت مارچ را به تمام زنان جهان مبارک می‌گوید؛ درباره‌ی زحمات شب‌روزی‌اش و این که چه چیزی راز موفقیت‌اش در فعالیت‌های مدنی او بوده به هفته چنین ابراز نظر کرد: «بیشتر از یک دهه در مجله‌ی مرسل و رادیوی کلید به‌صفت خبرنگار کار کردم. با متحمل شدن مشکلات مالی دفتر رسانه‌ای کلید که بر علاوه روزهای رسمی، روزهای رخصتی را هم از ساعت ۶ صبح تا ۸ شب نوکری‌والی می‌کردم. در برابر ۸ هزار افغانی به‌طور ماهانه معاش داشتیم. وظیفه‌ی ما بی‌حد زیاد بود هم مسوولیت رفتن به ساحه را داشتیم و هم در داخل دفتر، گزارش‌ها را تهیه می‌کردم؛ یعنی به‌اصطلاح وظیفه‌ی پنج خبرنگار را در روز رخصتی و در روزهای رسمی کار سه نفر را نظر به مشکلات مالی نهاد اجرا می‌کردم. بعد از متوقف شدن مجله‌ی مرسل، در دفتر جدید رسانه‌ای با کار و زحمات شب‌روزی و سپری نمودن دوران قرنطین و همچنان



▲ محبوبه کریمی

مشکلات خانوادگی و حرفه‌ای

او درباره‌ی مشکلات خبرنگاری می‌گوید: «با آن که فقط یکی، دو بار با مشکل سانسور در یکی از دفترهای کاری روبه‌رو شدم ولی در سال‌های اخیر، یگانه مشکل عدم دسترسی به اطلاعات از جانب دولت بوده است. مشکل دومی هم نبود کاریابی برای منی که حداقل بیش از شانزده سال در رسانه‌های متعدد کار کرده‌ام، می‌باشد. علت این که از کار رسانه‌ای به دور مانده‌ام اینها هستند: بد شدن وضعیت مالی برخی از رسانه‌ها، پرداخت معاش به تاخیر پنج الی شش ماه، عدم حمایت از خبرنگاران از سوی کارفرماها، عدم دسترسی آسان به اطلاعات از سوی نهادهای دولتی، ازدواج کردنم و برخی از محدودیت‌ها به‌خاطر رفتن به ولایات و ولسوالی‌های کابل از سوی خانواده‌ی شوهر. که این ناشی از همان وضعیت بد خبرنگاران و عدم مصونیت جانی خبرنگاران زن در کشور می‌شود.» سهیلا وداع خموش راز موفقیت خود را پشتکار، تلاش، ابتکار در پیدا کردن سوژه‌های نو، رفتن به ولایات بدون هیچ محدودیتی به شکل داوطلب، کار پی‌گیر در بخش زنان و کودکان در سال‌های متمادی می‌داند.



صنّف درسی که عادلّه رسا تاسیس کرده است



تحصیل و آموزش حقوق مدنی

«عادلّه رسا» فعال جامعه‌ی مدنی، موسس و بنیادگذار مدرسه‌ی اصلاح البنات در ولایت سمنگان در شمال افغانستان است. او که شوهرش برای کار به عربستان سعودی رفته و طفل چهارماهه دارد، درباره‌ی کارکردهایش در یک جامعه‌ی مردسالار چنین می‌گوید: «ازبخش شرعیات نیمه‌عالی فارغ شدم و نسبت مشکلات خانواده‌گی و محیطی نتوانستم تا درجه‌ی لیسانس درس بخوانم و این که بعد از فراغت وظیفه نیافتیم؛ چون در دوایر دولتی، واسطه و شناخت کار است که من ندارم. از روی مجبوریت و احساس مسوولیت در مقابل اطفال و جامعه و مردم‌ام از کمترین امکاناتی که در دست داشتیم، مدرسه‌ای را به نام «اصلاح البنات» ایجاد کردم. این مدرسه را به همکاری خواهرم عزیزه رسا در ولایت سمنگان در میان یک جامعه‌ی مردسالار برای زنان، دختران و اطفال تاسیس کردم.» او درباره‌ی مدرسه این‌طور معلومات داد: «بیشتر شاگردان ما را اطفال، زنان و دختران بی‌بضاعت تشکیل می‌دهند. در این مدرسه حروف الفبا، تفسیر، قاعده و حفظ قرآن کریم بر علاوه اطفال به خانم‌های کهن‌سال و جوان تدریس می‌شود. همچنان زنان را از حق و حقوق‌شان نیز آگاه می‌سازیم تا چگونه در یک جامعه‌ی مردسالار زنده‌گی کنند. خواهرم

زن هم هیچ ملاحظه‌ای از سوی طالبان صورت نگرفته است که این هم می‌تواند یک نگرانی و چالش برای زنان افغان به خصوص فعالان مدنی در افغانستان ایجاد کند. ناامنی، تهدیدات و حملات هدفمند در برابر خبرنگاران، گسترش ویروس کرونا و نادیده گرفتن حقوق خبرنگاران به خصوص خبرنگاران زن و آزادی بیان در روند گفتگوهای صلح؛ نگرانی و چالش جدی خبرنگاران زن در افغانستان می‌باشد. تشدید تهدیدات و قتل‌های هدفمند؛ عده‌ی زیادی از فعالان رسانه‌ای و خبرنگاران را مجبور به ترک وطن و یا هم ترک محل کارشان کرده است. به اساس گزارش‌ها طی دو ماه اخیر به تعداد ۱۲ تن از خبرنگاران به شمول ۵ زن، کشور را ترک کرده‌اند و فعلاً در کشورهای اروپایی و یا آمریکایی به سر می‌برند.



سهیلا وداع خموش

عدم مصونیت جانی

«سهیلا وداع خموش» خانمی که یک طفل دارد؛ از دانشکده ادبیات فارسی دری در سال ۱۳۹۵ خورشیدی از دانشگاه کابل فارغ شده. شغلی نیافته و بیکار است؛ در مورد کارکردهایش چنین می‌گوید: «کار خبرنگاری را در سال ۲۰۰۲ میلادی از روزنامه‌ای به نام چراغ آغاز کردم و به همین شکل در رسانه‌هایی چون دویچه‌ویله (در چوکات تلویزیون ملی)، روزنامه پیمان، تلویزیون یک، رادیو کلید، مجله مرسل، روزنامه هشت صبح در بخش‌های متصدی صفحات، گزارشگر تحقیقی و نویسنده‌گی ادامه دادم. نوشته‌هایم شامل داستان‌های واقعی از حوادث افغانستان و در برگیر طنزهای انتقادی و غیره می‌شود. سه کتاب، یکی مجموعه داستان‌های کوتاه به نام «آخرین امید» و کتاب دومی نیز مجموعه داستان‌های کوتاه به نام «تیمگری هیلی» که آن را جمع‌آوری کرده و به زبان پشتو ترجمه و به نشر رساندم. کتاب سومی دست‌نامه‌ی آموزشی عدالت انتقالی از کتاب‌هایی‌اند که تاکنون نوشته و به نشر رسیده است. کتاب دست‌نامه آموزشی عدالت انتقالی کتابی است که برعلاوه‌ی خودم، سه نویسنده‌ی دیگر در نوشتن آن سهم داشته‌اند. این کتاب تمام زوایای چگونگی رسیدن به عدالت انتقالی در افغانستان را شامل می‌شود.»

سهیلا وداع خموش می‌افزاید: «کار خبرنگاری‌ام همراه با فرازونشیب‌های فراوان بوده است. گاهی رفتن به حوادثی چون انفجار و انتحار و زمانی هم رفتن به ولایت‌های جنگ‌زده دنیال حقیقت‌یابی و نشر اطلاعات و آشکار کردن حقیقت‌های پنهان از یک رویداد و گاهی تهدید و زمانی به خطر افتادن جانم. هرچند خانواده‌ام با کارم مشکل نداشتند ولی هر باری که با مشکل جدی در عرصه‌ی کار خبرنگاری مواجه می‌شدم، نگران وضعیتم می‌شدند و بارها پیشنهاد می‌کردند که از کار خبرنگاری دست بکشم. ولی من ادامه داده‌ام.»

هیچ کس ما را همکاری نکرده است. اگر کسی و یا مرجعی ما را حمایت می‌کرد؛ اصلاً از شاگردان فیس نمی‌گرفتیم. اگر کسی برای مدرسه‌ی ما زمین و یا یک باب خانه کمک کند، در نظر دارم این مدرسه را وسعت ببخشم. برای تهیه‌ی کتب درسی شاگردان به ولایت مزار شریف رفته و کتاب‌ها را خریداری می‌کنم.

گاهی اوقات از بس شاگردان ما در زیر فشار اقتصادی قرار می‌گیرند، از ما کمک می‌خواهند برای خانواده‌هایشان هم مقداری مواد خوراکی تهیه می‌کنیم.»

عادلہ رسا درباره‌ی زنده‌گی‌اش می‌گوید: «همراه با خواهرم در یک حویلی کرایه‌ی زنده‌گی می‌کنیم. شوهرم که در عربستان سعودی مزدورکاری می‌کند، مصارف زنده‌گی من و پسرم را می‌فرستد که آن هم پول ناچیز است. تا امروز از همت و بازو و توانم کارگرفته‌ام و همواره در تلاش خدمت به کودکان و زنان مظلوم افغانستان استم و یگانه آرزویم وسعت بخشیدن مدرسه‌ام و خوشبختی مردم‌ام می‌باشد.

در ضمن هشت مارچ را به تمام زنان جهان مبارکباد می‌گوییم و می‌خواهم به مقوله‌ی هشت مارچ که همانا آزادی از استبداد و مردسالاری است زنان افغانستان هم برسند؛ خصوصاً زنان ولایات و قصبات دورافتاده‌ی افغانستان.»

عزیزه رسا در بخش تدریس کتاب‌های عربی همکاری می‌کند و دیگر معلمان هم در این مدرسه مشغول‌اند.»

عادلہ در مورد مسایل مادی این مدرسه گفت: «هیچ نهاد و یا مرجعی ما را کمک مالی نمی‌کند. ما به اساس فیس شاگردان که از هر شاگرد فقط صد افغانی (معادل دو دالر کانادایی) اخذ می‌کنیم. آن هم از کسانی که اقتصاد نسبتاً خوب دارند و متباقی بیشتر از صد شاگرد کسانی‌اند که اقتصادشان تحت صفر است و همچنان شاگردان معیوب، یتیم و بی‌بضاعت به صورت مجانی درس می‌خوانند. تعمیری را که به این مدرسه به کرایه گرفتیم ۴۰۰۰ افغانی می‌باشد و بر علاوه به معلمان هم یک مقدار ناچیز می‌دهیم چون ضرورت دارند. یک مقدار هم به فامیل‌های شاگردانی که مشکل اقتصادی دارند مواد خوراکی می‌خریم. البته از پول فیس شاگردان و اما خودم و خواهرم اصلاً معاش نداریم و پولی باقی نمی‌ماند تا ما از آن استفاده کنیم.»

تلاش برای بهبود وضعیت زنان

عادلہ رسا با خواهرش که از ده سال بدین‌سو مصروف تعلیم دادن شاگردان و اطفال و زنان در ولایت سمنگان استند، می‌گویند: «دولت به این ولسوالی و به مدرسه‌ی اصلاح‌البنات هیچ‌گونه توجهی ندارد و

گروه ترجمه هفته

زنان در کانادا؛ موفق در تحصیل، ناکام در اشتغال

تنزل درجه‌ی ارزش کار زنان می‌شود، به انضمام محیط کاری نامهربان و خشک و خصمانه به‌ویژه برای تازه‌واردین.

بر اساس این گزارش، طی ۱۰ سال گذشته، زنان ۶۴ درصد مدارک دکترای باستان‌شناسی را در کانادا کسب کرده‌اند اما تنها ۴۶ درصد از ترکیب استادیاران دانشگاه‌ها زنان هستند.

شکاف جنسیتی در روند استخدام

کاهش قابل توجه میزان استخدام همراه با پایان‌بازنشستگی اجباری، موجب کاهش فرصت‌های شغلی، دقیقاً در برهه‌ای شده است که زنان بیش از هر زمان دیگر موفق به کسب مدرک دکترای شده‌اند. این وضعیت در پی ردیابی مسیر اشتغال دارندگان مدرک دکترای کانادا در مقایسه با کسانی که از خارج مدرک دکترای گرفته‌اند، حتی تلخ‌تر به نظر می‌رسد. پروفیسور اورهولتزر در این‌باره می‌گوید: در حالی که بیشتر مردانی که در کانادا استخدام می‌شوند مدرک دکترای کانادایی دارند، اما بیشتر زنان استخدام شده در کانادا از خارج فارغ‌التحصیل شده‌اند و داری مدرک آموزش بین‌المللی هستند.

در حال حاضر تنها ۴ کرسی استادیاری از ۲۸ کرسی استادیاری (۱۴ درصد) توسط زنانی پُر شده است که در کانادا آموزش دیده‌اند. از بین مردانی که بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۷ مدرک دکترای خود را در رشته باستان‌شناسی گرفته‌اند، ۳۶ درصد عضو هیئت علمی کانادا هستند؛ در حالی که این رقم برای زنانی که در کنار آنها آموزش دیده‌اند و تحصیل کرده‌اند، تنها ۱۲ درصد است.

پایگاه اینترنتی دانشگاه مک‌گیل در گزارشی جدید به قلم «نیلا مک دیویت»، موضوع شکاف جنسیتی در استخدام زنان، به ویژه زنان با مدرک دکترای باستان‌شناسی در کانادا را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است که به بهانه روز جهانی زن در هفته به آن می‌پردازیم.

بر اساس این گزارش، امروزه دو سوم کل دارندگان مدرک دکترای در رشته باستان‌شناسی در کانادا را زنان تشکیل می‌دهند، اما فقط یک سوم کرسی‌های هیئت علمی دانشکده‌های باستان‌شناسی کانادا به زنان اختصاص دارد. در حالی که مردان دارای مدرک دکترای در کانادا طی ۱۵ سال گذشته در زمینه کسب مشاغل در کانادا خوب عمل کرده‌اند، زنان در این زمینه موفقیتی نداشته‌اند و شیوع کرونا احتمالاً نابرابری‌های موجود را تشدید کرده است.

در این تحقیق که نتایج آن در American Antiquity منتشر شده است، برای اولین بار سوابق تحصیلی باستان‌شناسان از سطح تحصیلات تکمیلی تا کسب کرسی در هیئت علمی دنبال شده تا تعیین شود چه زمانی زنان از مسیر آکادمیک خارج می‌شوند.

فضای شغلی متفاوت

لیزا اورهولتزر، استادیار دانشگاه و از مولفان این گزارش و ویلیام داسون پڑوهشگر بخش انسان‌شناسی دانشگاه مک‌گیل در این‌باره می‌گویند: «جوی سرد و بی‌روح» بر فضای کاری زنان در مشاغل دانشگاهی حاکم است. برخی از عواملی که ممکن است در ایجاد این شرایط نقش داشته باشند عبارتند از اقدامات نامحسوسی که موجب کلیشه‌ای شدن، انزوا و

را در حرفه‌هایی مانند باستان‌شناسی یا دیگر مشاغل مشابه حفظ کنند.

راه‌حل‌های بالقوه

افزایش استخدام در مهار نابرابری جنسیتی نقشی مهم ایفا می‌کند و ضروری خواهد بود، اما این امر در دوران پسا کرونا به یک چالش بزرگ تبدیل خواهد شد زیرا بسیاری از دانشگاه‌ها با محدودیت بودجه و توقف استخدام‌ها روبه‌رو هستند. محققان می‌گویند با این وجود، یک روش بالقوه‌ی دیگر می‌تواند تقویت برنامه‌ی کرسی‌های تحقیقاتی کانادا با در نظر گرفتن اهداف بالا برای زنان دانشمند باشد. آور هولتزر تأکید می‌کند: وظیفه‌ی ما این است که نحوه‌ی آموزش و آماده‌سازی زنان را در این زمینه به دقت مورد بررسی قرار دهیم. ما همچنین باید شیوه‌های استخدام را به دقت بررسی کنیم تا دریابیم چرا زنان به‌خصوص در کانادا کمتر استخدام می‌شوند. نویسندگان مقاله در انتها خاطرنشان می‌کنند که تحلیل آنها صرفاً به بررسی موضوع جنسیت محدود بود، اما نابرابری‌های دیگری نیز به همراه عوامل متقاطع هویتی، از جمله نژاد، طبقه و وضعیت تاهل و داشتن فرزند وجود دارد.

آنها به عنوان گام‌های بعدی در نظر دارند به بررسی این موارد بپردازند و تأثیر همه‌گیری کرونا را بر پیشرفت شغلی، بهره‌وری تحقیق و سطح رفاه در میان باستان‌شناسان کانادایی ارزیابی کنند.

گروه ترجمه هفته

زنان در جهان؛ پاندمی و تشدید نابرابری جنسیتی

دیوید مالپاس رئیس بانک جهانی اعلام کرد: برای دستیابی به نتایج توسعه‌ی بهتر، زنان باید کاملاً در اقتصاد گنجانده شوند. زنان باید به اندازه‌ی مردان به منابع مالی و حقوق یکسان در ارت دسترسی و باید در کانون تلاش‌های ما برای بهبودی فراگیر و مقاوم در برابر بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ قرار داشته باشند.

میانگین نمره‌ی شاخص جهانی بانک جهانی در این گزارش برای دوره بیش از یک سال تا سپتامبر سال گذشته، ۷۶.۱ برآورد شده است؛ در حالی که این شاخص در سال قبل از آن ۷۵.۵ بود. این شاخص بر اساس معیارهای پرداخت، ازدواج، پویایی و تحرک آزادانه و سایر عوامل تعیین می‌شود و نمره ۱۰۰ به این معنی است که زنان و مردان از حقوق برابر برخوردار هستند؛ عددی که فقط در بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، ایسلند، ایرلند، لتونی، لوکزامبورگ، پرتغال و سوئد به دست آمده است.

از ۳۹ اقتصاد دارای امتیاز بالاتر از ۹۰، ۲۸ اقتصاد از جمله کشورهای هستند که بر اساس گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) در گروه با درآمد بالا قرار گرفته‌اند و هفت کشور در اروپا و آسیای میانه هستند. بقیه در آمریکای لاتین و کارائیب، آسیای شرقی و اقیانوس آرام و جنوب صحرای آفریقا قرار دارند. اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا با ۵۱.۵، کمترین میانگین امتیاز را دارند.

نرخ استخدام زنان با مدرک دکترای کانادا در آمریکا بالاتر (حتی بالاتر از مردان) است. با این حال محققان متذکر می‌شوند که این رقم، شکاف جنسیتی در استخدام کانادایی‌ها را جبران نمی‌کند.

مشکل کمک هزینه‌های دانشگاهی

محققان دریافته‌اند زنان ممکن است در هر سطحی به یک اندازه تقاضای دریافت کمک‌هزینه تحقیقات فدرال داشته باشند. با این وجود در نرخ موفقیت کسب کمک‌هزینه در همه‌ی سطوح، از دانشجوی دکتری گرفته تا عضو هیئت علمی، شکاف‌های جنسیتی کوچک اما دائمی به چشم می‌خورد که می‌تواند به دلیل نابرابری در کسب راهنمایی و مشاوره از اساتید یا کاهش ارزش روش‌ها و پرسش‌های عناوین تحقیقاتی باشد که معمولاً توسط زنان بررسی می‌شود.

آور هولتزر در این زمینه می‌گوید: یافته‌های ما برای سیاست فدرال، مانند واجد شرایط بودن دریافت کمک هزینه مراقبت از افراد وابسته در حین کارهای میدانی که توسط شورای تحقیقات علوم اجتماعی و علوم انسانی تأمین مالی می‌شود، پیامدهای مستقیمی به دنبال دارد. در حال حاضر هزینه‌های مراقبت از کودک فقط در صورتی که کودک شیرخوار یا مادر مجرد باشد، قابل قبول است.

او می‌افزاید: ما فکر می‌کنیم اگر آنها بتوانند هزینه‌های مراقبت از کودکان را در حین انجام کارهای میدانی، فارغ از سن فرزندان یا وضعیت تاهل تأمین کنند، زنان بهتر می‌توانند جایگاه شغلی خود

بانک جهانی در گزارش سالانه خود تحت عنوان «زنان، تجارت و قانون» هشدار داد که همه‌گیری کووید ۱۹ موجب تشدید نابرابری جنسیتی در بسیاری از کشورها شده است؛ به گونه‌ای که به طور میانگین زنان از تقریباً سه‌چهارم حقوق قانونی مردان برخوردارند. وضعیتی که خطر تضعیف توسعه‌ی جهانی را به دنبال خواهد داشت. این گزارش می‌افزاید در حالی که قانون در برخی کشورها بهبود یافته است، زنان در سایر کشورها هنوز در خصوص بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی، با محدودیت‌های قانونی روبه‌رو هستند که از جمله آنها می‌توان به محدودیت در سفر بدون سرپرست مرد و همچنین شرایط نابرابر در فرزندپروری و بازنشستگی اشاره کرد.

بر اساس این گزارش، همه‌گیری همچنین به تشدید شرایط دشوار زنان و فراوانی خشونت‌های مبتنی بر جنسیت کمک کرده است. بانک جهانی تأکید کرده است کشورها از جمله اقدامات خود در این زمینه، باید در جهت بهبود وضعیت مرخصی استحقاقی والدین، مزایای دولتی و ممنوعیت اخراج زنان باردار گام بردارند. در ۱۰۰ اقتصاد دنیا، هیچ قانونی برای پرداخت حقوق یکسان به زنان و مردان شاغل در یک شغل یکسان وجود ندارد.

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا



Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525

 L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency



MATIN TIREHDAST
Financial Advisor at Industrial Alliance

مشاور امور مالی فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی شریف و ETS

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- برنامه‌های باز نشستی
- حساب سرمایه‌گذاری کودکان
- حساب‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری



متین تیره‌دست

514-690-6181

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



کازم پرتو تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker



پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال
تجه و ام مسکن با بهترین نرخ بانکی
مشاوره برای املاک در آمدزا
ارزیابی رایگان منزل شما
پرداخت هزینه محضر به عنوان کادو به خریداران ملک
با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

به همراه یک تیم حرفه ای
514 - 971-7407



مقاله

مهاجرین تازه‌وارد در کدام استان‌های کانادا مستقر می‌شوند؟

گفت‌وگو

حیات بخشیدن به صفحه‌های بی‌جان فلز
مجسمه‌ساز در گفت‌وگو با هفته

روایت

روایت‌های تلخ و شیرین مهاجرت
کودکان افغان
پدرم با یک دختر هم‌سن خواهرم
ازدواج کرد

مهاجرت

Montreal Office:
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)
Toll free from Iran: 021-85312878
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,
Montreal, Quebec, H3B 1H0
Email: info@icpimmigration.com
Tehran Office:
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

📍 @ICPimmigrationToCanada

📞 @icpimmigrationc 🌐 icpimmigrationtocanada



معصومه علی‌محمدی

با گروه مجرب خود ارائه‌کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه‌گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.
جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی یا دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



 ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com

مهاجرین تازه وارد در کدام استان های کانادا مستقر می شوند؟



فازالتحصیلی است. روندی که یک در سال های گذشته اعمال و منجر به جذب بی سابقه دانشجویان خارجی به این استان شد اما متأسفانه با تغییر قوانین اخذ اقامت کبک پس از تحصیل این دانشجویان باعث شد بسیاری از این فارغ التحصیلان خارجی از کبک به استان های انتاریو و بریتیش کلمبیا و یا آلبرتا نقل مکان کنند.

در سال ۲۰۲۱ کبک نیاز دارد تا تعداد ۴۴۵۰۰ مهاجر جدید را بپذیرد. تقسیم بندی های پذیرش متقاضیان مهاجرت بر اساس برنامه های مختلف این استان و اضافه نمودن برنامه جدید پرستاران خانگی و مراکز نگهداری از سالمندان می تواند کبک را به هدف پذیرش سال ۲۰۲۱ برساند.

با وجود اینکه در سال ۲۰۲۱ دولت فدرال و دولت های استانی تمرکز زیادی را به روی پذیرش متقاضیان حاضر در کانادا گذاشته اند اما برای تامین سهمیه پذیرش سال

۲۰۲۱، تامین روند افزایش

جمعیت و همچنین تامین

نیروی کار مورد نیاز در سراسر

کانادا افرادی که در داخل کانادا

حضور دارند قطعاً کافی نیستند

و طبعاً نیاز مبرمی به افزایش

در پذیرش متقاضیان خارجی

وجود دارد. نتیجتاً به متقاضیانی

که در خارج از کانادا هستند،

توصیه می شود هر چه سریعتر

نسبت به تشکیل پروفایل

اکسپرس انتری اقدام نمایند. با

جداسازی قرعه کشی متقاضیان داخلی و برگزیده شدگان

استانی از حوزه رقابتی اکسپرس انتری شانس بیشتری

برای پایین آمدن حداقل امتیاز قرعه کشی ها برای این

متقاضیان وجود دارد.

منبع: IRCC, CIC NEWS

این صفحه توسط موسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.
تماس با نویسنده:
معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت، با اومی توانید
از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت
www.icpimmigration.com در تماس باشید.

مستقر می شوند.

این در حالیست که در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۶۲ درصد متقاضیانی که در حوزه رقابتی اکسپرس انتری حضور داشتند، استان محل اقامت خود را انتاریو اعلام کرده بودند. بدین دلیل به نظر می رسد که انتاریو می بایست قادر به تامین کمبود نیروی کار مورد نیاز و سهمیه خود بیش از دیگر استانها باشد. از طرفی دیگر تعداد متقاضیانی که دارای اقامت موقت در انتاریو هستند و واجد شرایط درخواست اقامت از طریق برنامه تجربه داران کانادا و یا برنامه CEC هستند، نیز نسبت به دیگر استانها بیشتر است. به نظر می رسد استان انتاریو با تعداد زیادی مهاجر تازه وارد در سال ۲۰۲۱ روبرو خواهد شد. به ترتیب استان های بریتیش کلمبیا و آلبرتا نیز بر اساس داشتن شرایط مشابه به انتاریو از ورود نیروی کار جدید در سال ۲۰۲۱ بهره مند خواهند شد.

New Immigrants by Province/Territory in 2020		% of Total
Canada Total	184,370	-
Ontario	82,850	44.9
British Columbia	28,470	15.4
Quebec	25,195	13.7
Alberta	22,935	12.4
Manitoba	8,620	4.7
Saskatchewan	7,390	4
Nova Scotia	3,505	1.9
New Brunswick	2,890	1.6
Prince Edward Island	1,290	0.7
Newfoundland and	905	0.5
Yukon	175	0.1
Northwest Territories	125	0.1
Nunavut	20	0

Sources: IRCC, CIC News.

مشخص نیست که آیا استان های ساسکچوان و مانیتوبا و استان های آتلانتیک از این سهمیه پذیرش بالا در سال ۲۰۲۱ بهره مند خواهند شد تا بتوانند نیروی کار مورد نیاز خود را تامین کنند و یا اینکه مجبور به بازنگری برنامه های استانی خود برای دادن امتیازات بیشتر و ایجاد جذابیت برای متقاضیان مهاجرت برای زندگی در این استانها هستند. بدیهی است در صورتی که بخواهند از این افزایش سهمیه پذیرش فاحش دولت فدرال بهره مند گردند، می بایست سریعاً نسبت به بازبینی برنامه های مهاجرتی خود اقدام کنند.

یکی از گزینه های معتبر برای این استانها برای افزایش جمعیت و تامین نیروی کار مورد نیاز جذب دانشجویان خارجی و ساده سازی روند اخذ اقامت دایم پس از

میزان کاهش قابل توجه ورود مهاجران تازه وارد در سال ۲۰۲۰ در تمامی استان های کانادا به چشم می خورد ولی استان های بزرگتر بیش از دیگر استانها تحت تاثیر این کاهش قرار گرفتند. جدولی که در این صفحه می بینید، گزارش تنظیم شده اداره مهاجرت برای میزان ورود مهاجرین تازه وارد در استان های مختلف است که معتبرترین گواه این ادعاست.

کبک در میان استان های کانادا رتبه سوم را با پذیرش ۲۵۰۰۰ مهاجر جدید به خود اختصاص داد و از آلبرتا در سال ۲۰۲۰ پیشی گرفت. این پیشی گیری را کبک مدیون پذیرش مهاجرین تحت برنامه های کفالت افراد خانواده و پناهندگان است. دلیل این افزایش تعلق سهمیه بالاتر برای پذیرش از طریق برنامه های کفالت و پناهندگی این استان نسبت به دیگر استان های کانادا است. در سال ۲۰۲۰، کبک کاهش قابل توجهی در زمینه پذیرش متخصصین همانند دیگر استانها داشته است. با وجود اینکه از آلبرتا پیشی گرفته است ولی درصد کاهش پذیرش بالاتری نسبت به استان آلبرتا دارد.

چهار استان آتلانتیک (نوا اسکوشیا، نیوبرانزویک، جزیره پرنس ادوارد و نیوفونلند و لابرادور) کاهش قابل توجهی نسبت به سال گذشته در پذیرش نداشته اند.

بر اساس گزارش صادره توسط بلومبرگ، کانادا از آغاز سال ۲۰۲۱ با سرعت و جدیت کامل بسیار راسخ در جهت جذب مهاجرین برای رسیدن به هدف تامین سهمیه تعیین شده پذیرش بالغ بر ۴۰۰ هزار مهاجر در ۲۰۲۱ تلاش می کند. به طوری که تنها در ماه ژانویه بالغ بر ۲۶۵۰۰ مهاجر جدید را برگزیده است. تنها پذیرش ماه نخست ۲۰۲۱ در مقایسه با دوره مشابه در سال قبل دارای ۱۰ درصد افزایش است. در صورت ادامه این سرعت پذیرش کانادا حداقل ۴۰ درصد سرعت خود را نسبت به سال قبل افزایش داده است و در صورت ادامه این روند و افزایش در پذیرش ماهانه خود، به راحتی توانایی تامین سهمیه پذیرش ۴۰۱۰۰۰ را خواهد داشت.

سوال بزرگی که مطرح است این است که آیا تمامی استانها از این روند پذیرش بهره مند خواهند شد و نیروی کار مورد نیاز تمامی استانها به یک میزان تامین خواهد شد؟ بر اساس آخرین گزارشات اداره مهاجرت و شهروندی کانادا تقریباً ۹۲ درصد متخصصین برگزیده شده از طریق حوزه رقابتی اکسپرس انتری پس از ورود به کانادا در استان های انتاریو و بریتیش کلمبیا و آلبرتا

حیات بخشیدن به صفحه‌های بی‌جان فلز

علیرضا رضایی مجسمه‌ساز در گفت‌وگو با هفته



آثری از علیرضا رضایی

علیرضا رضایی جوان هنرمند مهاجر است. او از نوجوانی وارد رشته مجسمه‌سازی شد. این جوان مهاجر با تلاش خود موفق شد در رشته مجسمه‌سازی مهارت فراوانی را کسب کند. او در سبک‌های کلاسیک و مدرن آثار مختلفی را خلق می‌کند. رضایی شرایط هنرمندان مهاجر را دشوار می‌داند و امیدی به آینده خود در ایران ندارد. این جوان مهاجر می‌خواهد هنر خویش را به دیگر کشورها معرفی کند.

مدتی که حرفه‌ای یاد بگیرند زمینه برای پیشرفتشان فراهم می‌شود اگر پشتکار داشته باشند. شاید ابتدا در مسیرشان فقط سراسیمگی باشد اما زندگی پر فراز و نشیب است و در کنار هر دو، انسان کامل می‌شود. هر چیزی که با سختی و با تلاش خودت به دست بیاید ارزشمندتر و گران‌بهار است و بعد از به دست آوردنش برای نگهداری آن سخت‌تر تلاش خواهی کرد.

رشته مجسمه‌سازی را بر ایمان معرفی کنید.
نمی‌توان فقط در چند جمله کار را معرفی کرد باید حضوری و عملی این کار را معرفی کرد ولی به طور خلاصه بگویم ابتدا طرح را روی کاغذ می‌کشیم و آن را روی ورق‌های فلزی که از فولاد مبارک اصفهان تهیه می‌شود، پیاده می‌کنیم و برش می‌دهیم و با چکش‌زدن و جوش‌دادن بی‌درپی آن را به شکل مورد نظر تبدیل می‌کنیم و بقیه مراحل که به سلیقه و خلاقیت ذهن سازنده بستگی دارد حتی اگر دو نفر با یک ماده اولیه و یک الگو کار کنند محصول نهایی قطعاً متفاوت خواهد بود چون از دو ذهن متفاوت نشأت گرفته‌اند.

شکل مجسمه‌ها بیان بیشتر چه شکلی است؟
بیشتر اشکال حیوانات مثل اسب، عقاب، طاووس، خروس و... یا نمادهای مذهبی هستند.

در مورد تاریخچه این حرفه بگویید.
این حرفه در بین عثمانی‌ها و هندوها مرسوم بوده ولی در دوران شاه‌عباس صفوی وارد ایران می‌شود و شاه‌عباس ابتدا در ساخت علائم مذهبی از آن استفاده می‌کند و به مرور ساخت اشکال دیگر مرسوم می‌شود و در دوران شاه‌های بعدی رونق می‌گیرد.

هنر مجسمه‌سازی در شهر اصفهان چه جایگاهی دارد؟
جزء صنایع دستی اصفهان است ولی در بین مردم به اندازه سایر هنرها مثل قلم‌زنی زیاد شناخته شده نیست و حتی تعداد افرادی که در این حرفه هستند در کل ایران اندک هستند.



و پرداخت کاری. بعد از اتمام مقطع دیپلم دیگر به تحصیل ادامه ندادم و الان حدود چهار سال است که به صورت حرفه‌ای و تمام‌وقت در کارگاه برادرم کار می‌کنم.

از سختی‌های مسیرتان بر ایمان بگویید.
ابتدا که وارد این حرفه شدم هیچ تجربه یا علاقه‌ای نداشتم و یادگیری چندین حرفه آن هم در سن کم برایم واقعاً دشوار بود و این باعث خستگی و دلزدگی من از این کار شده بود. از طرفی ابتدای کار بودیم و هنوز خیلی وارد بازار فروش نشده بودیم، به لحاظ اقتصادی بسیار تحت فشار بودیم و از جانب اطرافیان مورد طعنه و تمسخر قرار می‌گرفتیم، اما تمام اینها را تحمل کردیم تا به اینجا رسیدیم که می‌توانیم به دیگران آموزش دهیم و به لحاظ اقتصادی هم پیشرفت خوبی داشتیم و این برای ما مایه خرسندی است.

چرا امروزه مهاجرین ما وارد کارهای موقت می‌شوند و سعی نمی‌کنند حرفه‌ای را تخصصی یاد بگیرند؟
متأسفانه جوانان ما تحمل سختی را ندارند، در ابتدای هر کاری باید مدتی بدون هیچ دستمزدی کار کنند و هدف خود را فقط یادگیری قرار بدهند اما پس از

آقای علیرضا رضایی گرامی چه شد که مجسمه‌ساز شدید؟

من ابتدا بدون هیچ علاقه‌ای، صرفاً جهت اشتغال وارد این کار شدم اما بعد از مدتی دیدم چقدر زیبا می‌توانم تصورات ذهنی خود را روی صفحه‌های بی‌جان فلزی پیاده کنم و از آنها یک اثر زیبایی سه بعدی بسازم. به مرور نقاط قوت کار خود را یافتیم و علاقه و انگیزه‌ام زیاد شد و الان می‌توانم، بگویم به کارم بسیار علاقه دارم و نگاهم هم به این کار فقط اشتغال نیست بلکه هنری است.

تحصیلاتتان را تا چه مقطعی ادامه دادید؟

درس خواندن را دوست داشتم اما فقط تا مقطع دیپلم درس خواندم. خواهرم فوق‌لیسانس روانشناسی دارد و برادرم لیسانس معماری اما در رشته تحصیلی خودشان نتوانستند در ایران کار کنند و دیدن وضعیت آنها یا حتی خود ایرانی‌ها که پس از سال‌ها تحصیل یا بیکار هستند یا در رشته غیر مرتبط با رشته‌شان کار می‌کنند، انگیزه‌ام را برای ادامه تحصیل از دست دادم و وارد بازار کار شدم در واقع ترجیح دادم حرفه‌ای را یاد بگیرم تا بتوانم آینده‌ای روشن‌تر برای خودم بسازم.

در اطرافیان کسی را می‌شناسید که در رشته‌ای که تحصیل کرده کار کند؟

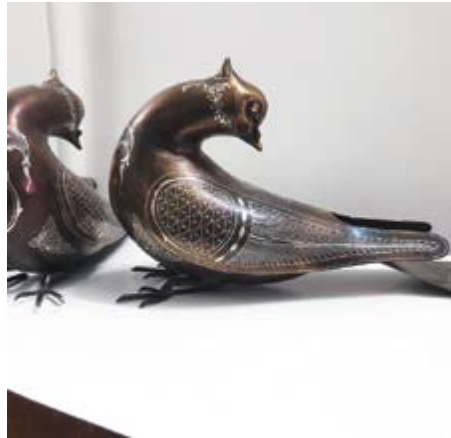
محل ما که حدود صد نفر را می‌شناسم که تحصیلات دانشگاهی دارند اما فقط دو نفر که در رشته کامپیوتر و حسابداری بودند که در تخصص خودشان مشغول به کار شدند.

از چه زمانی مشغول به فعالیت شدید؟

تقریباً از ده سال پیش که مشغول تحصیل بودم سعی کردم تا از طریق موسسات فنی حرفه‌ای رشته‌های مختلفی مثل تراشکاری، جوشکاری را یاد بگیرم اما آن زمان به محصلین اتباع مدرک پایان دوره آموزشی نمی‌دادند بنابراین به صورت تجربی شروع به یادگیری کردم و در کارگاه برادرم به صورت نیمه‌وقت کار می‌کردم، کارگاه برادرم چندین بخش دارد شامل: تراشکاری، چکش‌کاری



▲ اثری از علیرضا رضایی



▲ اثری از علیرضا رضایی



▲ اثری از علیرضا رضایی

نتوانستم مجوز مستقل برای کار خودم بگیرم و این باعث شده است خیلی از کارهای من به اسم دیگری ثبت شود و مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.

به فکر مهاجرت از ایران هستید؟

بله، در حال یادگیری زبان انگلیسی و به دنبال راهی برای مهاجرت قانونی از ایران هستم چون ایران با این همه محدودیت برای من مثل قفسی است که در آن اسیر شدم و مانعی برای شکوفاشدن استعدادهاست.

انگیزه و تلاش جوانان هم نسل تان را چگونه ارز یابی می‌کنید؟

انگیزه‌ها که کم شده است و حس می‌کنم روز به روز از آرزوهایمان بیشتر فاصله می‌گیریم، بخشی به دلیل تورم، اقتصاد ضعیف و کاهش دستمزد مهاجرین است و بخشی به دلیل محدودیت‌های قوانین برای مهاجرین. یکی از دوستانم در سال ۹۵ می‌خواست ماشینی را بخرد که آن زمان شصت میلیون قیمت داشت، برای خرید ماشینی که آرزویش را داشت تلاش کرد و آن پول را تهیه کرد اما نخرید. الان که سال ۹۹ هستیم همان ماشین ۲۷۰ میلیون شده است. در واقع بهتر است بگویم چند سال بعد او هنوز همان ۶۰ میلیون تومان را دارد اما آرزویش الان ۲۷۰ میلیون شده است و او به اندازه سال‌ها زحمت و عمرش از آرزوهایش فاصله گرفته است.

برای آینده تان چه برنامه‌ای دارید؟

می‌خواهم از ایران بروم و از فشار این محدودیت‌های مهاجرت رها شوم تا بتوانم حرفه خودم را در سایر کشورها معرفی کنم و گسترش دهم.



آقای علیرضا رضایی از شما سپاسگزاریم.

می‌شود که طبق قوانینی که قبلاً بود و ما پیگیری کردیم امکان خروج آن از کشور نبود و از طرفی این کارها بدون طلاکوبی جلا ندارد، همچنین با گران شدن طلا (هر مثقال طلای نخ شده حدود ۹ میلیون تومان است) این اواخر مجبور شدیم جای طلا از نقره استفاده کنیم. شنیدم قانون صادرات اجناس طلاکوبی شده عوض شده که مطمئن نیستم و از قوانین جدید هنوز اطلاعی ندارم.

از تأثیر مهاجرت روی فعالیت و زندگی تان بگویید.

متأسفانه مهاجرت برای من محدودیت‌هایی داشت، خیلی از علائق خود مثل گذراندن دوره جوشکاری و کسب مدرک پایان دوره را نتوانستم دنبال کنم. مجوز برای داشتن کارگاه یا حق کارفرمایی نداریم حتی در کارت‌های کاری شغل ما را کارگر ثبت کردند در صورتی که ما خودمان کارفرما و مستقل هستیم. وقتی به نهادهای میراث فرهنگی یا صنایع دستی رفته خیلی با تحقیر می‌پرسیدند: «افغانی» هستی؟ و بیرونم می‌کردند. هنوز

درباره علی رضایی

علیرضا رضایی متولد ۱۳۷۹ در اصفهان است.

پدر و مادرش از افغانستان هستند که از جنگ افغانستان به ایران پناه



آوردند. به گفته خودش، علیرضای نوجوان در ابتدا علاقه‌ی زیادی به کارهای هنری نداشت اما وقتی که وارد کار مجسمه‌سازی شد به این هنر علاقه پیدا کرد. او در کنار تحصیل، به صورت جدی رشته‌ی مجسمه‌سازی را دنبال کرد. وقتی نتوانست از طریق تحصیل این رشته را ادامه دهد، تلاش کرد که به صورت تجربی آن را یاد بگیرد. او کارش را از کارگاه برادرش شروع کرد و بعد از چند سال در این رشته متبحر شد.

در مورد بازار کار تان برایمان بگویید.

جزء صنایع دستی است و قیمت کارها تعرفه مشخص و ثابتی زیر نظر صنف ندارد و شناخته شده هم نیست، متأسفانه بنابر زحمتی که برای ساخت آن اثر کشیده می‌شود قیمت مناسبی ندارد.

نمایشگاهی برای معرفی این حرفه به سایر هموطنان برگزار کردید؟

نمایشگاه شخصی برگزار نکردیم اما در نمایشگاه‌های صنایع دستی و آشنایی با هنرمندان در اصفهان و تهران شرکت کردیم که متأسفانه به دلیل کرونا این روند ادامه نیافت.

جایگاه این حرفه در افغانستان چگونه است؟

در افغانستان خیلی مرسوم نیست و بیشتر به عنوان آهنگری شناخته شده است و به شکل یک فعالیت هنری مجزا از آهنگری نیست. من خودم فقط یک نفر را می‌شناسم که در این حرفه در افغانستان فعالیت دارد و مشغول ساخت شمشیر، سپر، کلاه خود... است.

در چه سبک‌هایی ساخته می‌شوند؟

در سبک‌های مدرن، کلاسیک، سنتی، نوین هستند و برای ساخت وسایل تزئینی، نمادهای مذهبی، اشکال حیوانات، کارهای نمایشگاهی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در کارهایی که براساس واقعیت ساخته می‌شوند جزئیات بسیار مهم است و در مراحل نهایی با طلاکوبی اضافه می‌شوند ولی در نمادهای مذهبی این جزئیات زیاد نشان داده نمی‌شوند.

بیشتر مشتری‌های شما از قشر مهاجرین هستند یا دوستان ایرانی؟

بیشتر دوستان ایرانی هستند، وضع اقتصادی هموطنان ما ضعیف است و زیاد شناختی هم ندارند که به دنبال تهیه مجسمه‌های تزئینی باشند.

کارها تان را به خارج کشور صادر کردید؟

کارهای ما طلاکوبی هستند و طلا هم جزء ارز محسوب

روایت: نقیب‌الله سلطانی
«تنظیم: نویده احمدی»



پدرم با یک دختر هم‌سن خواهرم ازدواج کرد

فکر می‌کنم تا وقتی زندگی در جریان است، جنگ در افغانستان ادامه دارد و هرگز صلح و آرامش در افغانستان برقرار نمی‌شود. جنگ در افغانستان آرامش را از کودکان افغان می‌گیرد و آینده آن‌ها را به تباهی می‌کشاند.

از وقتی به ایران آمدم، مجبور هستم کار کنم و برای خانواده‌ام پول بفرستم. در ایران بسیار گرانی شده است و مهاجران نمی‌توانند برای خانواده خود پول بفرستند. من نگرهبان هستم. محل کارم در مهرشهر کرج است. نگرهبانی را دوست دارم، چون کارش نسبت به کارهایی همچون خیاطی، بنایی و کارگری راحت و بی‌دردتر است. به نظرم مردم ایران خیلی مهربان هستند. دوستانم از رفتار مردم ایران ناراضی هستند و اعتقاد دارند که آن‌ها نژادپرست هستند. من از زمانی که به ایران آمدم، رفتار بدی از دوستان ایرانی ندیدم. در محل کارم با من به خوبی رفتار می‌کنند. سه سال است خانواده‌ام را ندیدم. مادرم هفت سال پیش بر اثر سرطان فوت کرد. از آن زمان خیلی احساس تنهایی می‌کنم. مادرم بهترین زن دنیا بود. خواهر و برادرانم ازدواج کردند و هرکدام به دنبال سرنوشت خود رفتند. وقتی دیدم پدرم غمخوار ندارد، از او خواستم مجدد ازدواج کند. در افغانستان اگر مردی زن خود را از دست دهد، به خواستگاری زن بیوه یا مطلقه نمی‌رود بلکه تنها دختر مجرد را برای ازدواج خود می‌پسندد.

در خانواده‌های افغان تعداد دختران نسبت به پسران زیاد است و برای همین خانواده‌ها حاضر هستند، با ازدواج دختران خود موافقت کنند. پدرم با دختری که هم‌سن خواهرم بود، ازدواج کرد. آرزو دارم، روزی برسد که هیچ کودکی مجبور به ترک خانواده خود نشود.

کودکان باید درس بخوانند و دوران کودکی خود را با آرامش طی کنند. این موضوع برای کودک افغان متفاوت است.

اقوام ما کودکان خود را برای کار به ایران می‌فرستند تا کار کنند. برای خانواده‌ها اولویت پول است و بس. فرزندان برایشان اهمیت چندانی ندارند. بعضی از خانواده‌ها وقتی با فرزند خود تماس می‌گیرند، تنها در مورد حقوق آن‌ها صحبت می‌کنند. خانواده‌ها حتی فکر نمی‌کنند که فرزندانشان چگونه به حمام می‌روند و لباس‌های خود را می‌شویند. من بارها دیدم که خانواده‌ها برایشان مهم نیست فرزندان کجا و با چه کسی زندگی می‌کند. همه این موضوعات به خاطر فقر و ناداری است.

مردم افغانستان سال‌های زیادی است که در فقر به سر می‌برند و این فقر باعث شده است، والدین مسئولیت خویش را نسبت به فرزندان فراموش کنند. از زمانی که جنگ در افغانستان شروع شده است تا به امروز، کودکان زیادی به ایران مهاجرت کرده‌اند. آن‌ها بزرگ شدند و هرکدام برای خود فرزند دارند اما داستان مهاجرت کودکان هنوز ادامه دارد. عمویم وقتی پانزده سال داشت، به ایران مهاجرت کرد. بسیاری از اقوام ما عمر خود را در مهاجرت سپری کردند. اگر جنگ نبود، کودکان افغان مجبور نمی‌شدند که ساعت‌های زیادی را در کارگاه‌های زیرزمینی سپری کنند.

دنیای کودکان مهاجر کار و دوری از خانواده است. سیاستمداران افغانستان فقط به فکر پر کردن جیب خود هستند. اگر آن‌ها به مردم فکر می‌کردند، افغانستان آباد می‌شد.

وطن مادر هر انسانی است و من وطنم را سه سال پیش، وقتی چهارده سال سن داشتم، ترک کردم. ما مهاجران افغان در ایران بی‌مادر هستیم. به نظرم هیچ جای دنیا وطن کسی نمی‌شود. من ایران را بسیار دوست دارم اما آرامشی را که در افغانستان داشتم را در این کشور ندارم. اگر یک روز به افغانستان بازگردم، خاکش را می‌بوسم. احترام به وطن وظیفه هر انسانی است. سالهای سال جنگ در افغانستان مردم را به کشورهای مختلف آواره کرده است. مردم بسیاری با خانواده یا بی‌بدون خانواده‌هایشان مجبور شدند که به ایران مهاجرت کنند.

دوری از خانواده سخت است و مهاجرت رنج و غم فراوانی دارد. وقتی یک کودک به تنهایی مهاجرت می‌کند، اتفاقات مختلفی را از نزدیک می‌بیند. این اتفاقات گوناگون و ترسناک تا ابد در ذهن او باقی می‌ماند. یکی از این اتفاقات راه قاچاق است. مسیر قاچاق روحیه کودکان مهاجر را ضعیف می‌کند. وقتی یک کودک در راه تشنگی و گرسنگی می‌کشد و ساعت‌های زیادی را پیاده‌روی می‌کند، تحت فشار زیادی قرار می‌گیرد.

سه سال است خانواده‌ام را ندیدم. مادرم هفت سال پیش بر اثر سرطان فوت کرد. از آن زمان خیلی احساس تنهایی می‌کنم. مادرم بهترین زن دنیا بود.



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743



آموزشگاه آنلاین آریا آکادمی

کلاس‌های آمادگی امتحانات پزشکی کانادا MCCQE
آموزش زبان انگلیسی

www.aryaed.com

514-839-4444

MON TO FRI 4 PM TO 9 PM



Sajad Zand Photography
(514)553-3534
www.sajadz.com
sajad.zand@gmail.com
instagram @sajad_zand

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک درآمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ایران
با بیش از ۱۵ سال سابقه



514 290 2210

ShahrianRealtor@gmail.com

مقاله

در جستجوی آب و خرد و سنت
بررسی کوتاه شعر پروین اعتصامی

چهره

امیلی پالین جانسون کیست؟
نویسنده‌ای از بومیان برای همه کانادایی‌ها

تازه‌های کتاب

شوخی می‌کنید موسیو تانر و
Le complexe du trampoline

شعر دوزبانه

سروده‌هایی از فرناز جعفرزادگان با ترجمه گردی

سینما

امین نصیری «خروج» ابراهیم
حاتمی‌کیا، ضعیف و بی‌رمق

ویژه‌نامه روز جهانی زنان

ادبیات فرهنگ و هنر



در جستجوی آب و خرد و سنت

بررسی کوتاه شعر پروین اعتصامی

... میوه‌های دکه دانش فراوان بود، لیک
بهر زن هرگز نصیبی زین فراوانی نبود
... آب و رنگ از علم می‌بایست، شرط برتری
با زمرد یاره و لعل بدخشانی نبود
... سادگی و پاکی و پرهیز یک‌یک گوهرند
گوهر تابنده تنها گوهر کانی نبود
... چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود
خسروا، دست توانای تو، آسان کرد کار
ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود

و دیگری «نهال آرزو» که مقارن با فارغ‌التحصیلی او از «مدرسه انائیه امریکایی تهران» (در جوزای ۱۳۰۳) سروده شده و شاعر بازهم به‌جای پرداختن به سروری شخصی (یا دست‌کم بر جای نهادن نشانی کوچک از آن)، به کلی‌ترین شکل سخن گفته و به مسائل کلی پرداخته است:
ای نهال آرزو، خوش زی که بار آورده‌ای
غنچه بی باد صبا، گل بی بهار آورده‌ای
... همتی، ای خواهران، تا فرصت کوشیدن است

پستی نسوان ایران، جمله از بی‌دانشی است
مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست
شاهراه سعی و اقلیم سعادت، روشن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن

کلاسیک، کمتر مجالی برای محاکات من و ویژه و متفرد خویش در زیست‌جهان شاعرانه‌اش یافته است (حتی آن دسته از ویژگی‌های «شخصی» که در دیگر بانوان است). به‌عنوان نمونه، دو رنج کاملاً مرتبط با تجربه‌های زیسته او و دیگر زنان هم‌عصرش (محدودشدن به بهانه حفظ عفاف جامعه و عقب‌نگاهداشته شدن با قرائتی خاص و نادرست از احکام دین مانند بحث جواز آموزش به بانوان) نیز با لحنی کاملاً کل‌گویانه انتخاب می‌شود و «زن» های مطرح شده در این دو شعر نیز، به‌دوراز هرگونه فردیت (و «شخصی» بودگی) به کلی‌ترین و تیپ‌وارترین شکل مطرح می‌شوند؛ نخست «زن در ایران» که به مناسبت فرمان کشف حجاب سروده شده. در ابیاتی از این شعر مهم چنین می‌خوانیم:

زن در ایران، پیش‌ازاین گویی که ایرانی نبود
پیشه‌اش، جز تیره‌روزی و پریشانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
زن چه بود آن روزها، گر زان که زندانی نبود
در عدالت‌خانه انصاف زن شاهد نداشت
در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود
دادخواهی‌های زن می‌ماند عمری بی‌جواب
آشکارا بود این بیداد؛ پنهانی نبود
... نور دانش را ز چشم زن نهان می‌داشتند
این ندانستن، ز پستی و گران‌جانی نبود

دریچه اول: مقدمه

مسئله اصلی در این نوشتار، طرز رویارو شدن سه شاعر معاصر با سنت فرهنگی مردانه است. در قسمت اول بر شعر مهجور و کمتر تحسین‌شده اما مهم پروین تمرکز می‌کنیم و سپس در قسمت دوم موضوع را در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد به‌عنوان نمایندگان سه طرز متفاوت رویارو شدن شاعران معاصر با سنت مردانه بررسی خواهیم کرد.

دریچه دوم: محاکات رنج زنان در شعر پروین اعتصامی

این سخنی درست و دقیقی است که در نظام زیباشناسی برآمده از هستی‌شناسی «کلاسیک» من فردی شاعر کمتر مجالی برای بروز و ظهور دارد و اگر هم خویش را بنمایاند در هم‌نشینی/پیوند و یا حتی در خدمت جمع و جمع‌گرایی است و از همین رو عکس شدن معادله و محوریت یافتن فرد و فردیت پدیده‌ای اساساً مدرن (در معنای پسانسازنی آن)، انسان‌مدار و رمانتیک قلمداد می‌شود. از همین منظر، پروین نزدیک به مطلقاً

ویژه روز جهانی زنان

تا نگوید کس، پسر هشیار و دختر کودن است
 زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری
 برنکرد از ما کسی زین خواب بی‌دردی سری
 از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند
 نام این قوم از چه، دورافتاده از هر دفتری
 ...دامن مادر، نخست آموزگار کودک است
 طفل دانشور، کجا پرورده نادان مادری
 با چنین درماندگی، از ماه و پروین بگذریم
 گر که ما را باشد از فضل و ادب، بال و پری
 و به تعبیر درست و دقیق یحیی آری‌پور: پروین
 در جریانات اجتماعی مربوط به بانوان و در جنبش
 آزادی و حقوق زن عملاً مداخله نکرد و این
 کناره‌گیری در اشعارش نیز منعکس است.
 و از روی همین مطلب و چنین نمونه‌هایی است که
 پروین منتقدانی جدی پیدا می‌کند. مانند دکتر
 زرقانی که گزارش می‌کند: تعدادی از خوانندگان
 شعر پروین بر آن‌اند که او رسالت خود را
 به‌عنوان یک زن در دوره‌ای که نیاز به روشنگری
 احساس می‌شد، درست به انجام نرسانده است.
 اما در روی دیگر سکه، سه نمونه در دیوان پروین
 می‌توان یافت که در آن‌ها شاعر به رنج‌های
 شخصی (و البته همه‌فهم) پرداخته که جمع این
 صفات، با رقت و زلالی عاطفی، هم‌عصرانش را
 شدیداً متأثر می‌نموده است چنانکه ملک‌الشعرا
 بهار در مقدمه‌اش بر دیوان او سفر اشک (از این
 نمونه‌ها) را چنین می‌ستاید: «هرگاه تنها غزل
 «سفر اشک» از این شاعره شیرین‌زبان باقی مانده
 بود، کافی بود که وی را در بارگاه شعر و ادبیات
 حقیقی جایگاهی عالی و ارجمند بخشند...»

دریچه سوم: نگرش به جهان در شعر پروین اعتصامی

چنانکه از تحلیل‌های فردیت در شعر پروین
 برمی‌آید، اساس بینش پروین کاملاً سنتی و
 حتی دارای تأثرات پرنرنگ و ویژه عرفانی است.
 به دیگر سخن، در این بینش، عقل‌گرایی، راه پی
 بردن به معرفت (کنه اشیا و غایت جهان) است.
 این نوع از غایت‌اندیشی و معرفت‌شناسی سبب
 می‌شود که معرفت، نه ابزار تغییر هستی بلکه
 زمینه این تشخیص باشد که انسان در هستی چه
 جایگاهی دارد. و در پرتو همین غایت «جایگاهی»
 و «حدشناسی» است که «برازندگی» (و نتیجه
 اخروی آن: «رستگاری») نیز در ادب و فکر سنتی
 در مرکز توجه قرار می‌گیرد و من پیامبرگونه
 شاعران کلاسیک مأمور ترویج آن می‌شود و

پروین نیز به سبب پیشینه غنی عرفانی در راه
 این ترویج غالباً از عناصر و اصطلاحات عرفانی
 بهره می‌جوید و از برجسته‌ترین نموده‌های آن،
 شعر جامه عرفان است.

به درویشی، بزرگی جامه‌ای داد

که این خلقان بنه، کز دوش افتاد

... بگفت ای دوست، از صاحب دلان باش

به جان پرداز و با تن سرگران باش

تن خاکی به پیراهن نبرزد

و گر ارزد، بچشم من نبرزد

ره تن را بز، تا جان بماند

ببند این دیو، تا ایمان بماند

... از آن معنی نشستم بر سر راه

که تا از ره شناسان باشم آگاه

... در تاریک حرص و آز بستیم

گشودند از چه صد ره، باز بستیم

همه پستی ز دیو نفس زاید

همه تاریکی از ملک تن آید

... اگر هر لحظه سر جوید کلاهی

زند طبع زبون هر لحظه راهی

دریچه چهارم: اصلی‌ترین نموده‌های بینش اعتراضی در شعر پروین اعتصامی

با عنایت به نکات پیش‌گفته، قبل از ورود به
 واری‌های نموده‌های بینش اعتراضی در شعر پروین
 اعتصامی تأکید بر دو نکته ضروری است؛
 نخست آنکه نگرش سنتی پروین ژرف‌ساختی
 دینی دارد و مستقیم یا غیرمستقیم راه به
 اندیشه نظام احسن می‌بزد که در آن ایرادی
 در خالق و آفرینش او نیست و خللی هم اگر
 هست از جانب ما انسان‌هاست این دیدگاه
 (ازجمله در قرآن) می‌گوید که تمام مفاسد
 از ما مردم است و در نتیجه، ناقد باید اول ناقد
 مردم باشد. باید بگوید که مردم! همه چیز
 از خودتان است. و همین است رمز مرکزیت
 یافتن وعظ و نصیحت و دغدغه «برازندگی» در
 فکر پروین که مستقیماً در شعرش نیز بدان
 اشاره کرده است:

حقیقت گوی شو، پروین، چه ترسی

نشاید بهر باطل، حق نهفتن

دوم آنکه: هویت و بینش کلاسیک پروین
 اقتضا می‌کند که او در راه رسیدن به غایت
 «برازندگی»، جویای فضیلت‌هاست و در نتیجه
 صبر بر ناخوشی دنیا را این‌گونه ارزیابی و
 تبیین می‌کند:

درین دو روزه هستی همین فضیلت ماست

که جور می‌کند ایام و ما شکیباییم

با در نظر گرفتن به این نکات، به جز مواردی

از ارشاد و بیان پیامبرگونه که ذاتاً نوعی

اعتراض به کم‌دانشی و نابرازندگی طرف
 مقابل است، اعتراضات شعر پروین را می‌توان
 ذیل دسته‌های زیر جای داد و بررسید:

الف. انتقاد از اوضاع (روزگار نامساعد)

جالب‌ترین نقطه و نکته شعر پروین نوعی
 جبراندیشی است که هم با فلسفه و
 ژرف‌ساخت و عظم شعر او متضاد است و هم
 نشانی واضح از تأثرات پرنرنگ و چشم‌گیر او از
 سنت ادبی و جهان‌بینی شعر کهن. به دیگر
 بیان، وقتی کسی از موضع دانای پیامبرگون
 مجموعه‌ای از بکن/مکن‌ها را برای فرد مقابل
 ردیف می‌کند و در فرآیندی ارشادی به
 تکمیل دانش اخلاقی، سیاسی و «فلکی» او
 همت می‌گمارد، این‌همه، ملازم و مساوی
 پذیرش این پیش‌فرض و پیش‌شرط است
 که فرد مقابل می‌تواند به مدد دانستن
 این گزاره‌ها و خواستن بهتر شدن، بهتر
 و برانده‌تر شود و این در حالی است که
 درست در همین زیست‌جهان شاعرانه، فلک
 (روزگار/ آسمان/ قضا و قدر/ زمانه و مانند آن)
 مقتدرترین موجود بدکنش و ستمکار هستی
 است.

اویی که هم بی‌ثبات و متضادکار و
 پیش‌بینی‌ناپذیر است:

بدین گونه است آیین زمانه

زمانی دوستدار و گاه دشمن

پدید آرد گهی صبح و گهی شام

گهی اردیبهشت و گاه بهمن

و کار انسان برانده نیز علاوه‌بر به‌شدن و
 سعی در بهتر ساختن دیگران، تنها و تنها
 صبرست:

پروین، به روز حادثه و سختی

در کار بند صبر و مدارا را

البته این نگرش را می‌توان به‌شکلی و با
 بهره‌گیری از همان بینش قرآنی توجیه نمود؛
 با این تقریر: بدی‌هایی که به ما می‌رسد،
 ناشی از ذات ناپایدار و دنی آسمان است و البته
 نابرازندگی اخلاقی ما سبب می‌شود در برابر
 این بدآینده‌های فلکی آسیب‌پذیرتر باشیم و
 از همین روست که شاعر در بسیاری ابیات
 بلافاصله پس از ترسیم نامساعدی روزگار ردیفی
 از توصیه‌های اخلاقی را ردیف می‌کند؛ گویی
 که داراشدن این صفات محافظی است که ما را
 از این بدی‌ها در امان می‌دارد یا دست‌کم
 آسیب‌پذیری‌مان را کاهش می‌دهد.

و از یاد نباید برد که بازهم واضح و بدیهی
 پنداشتن این ویژگی‌های روزگار در کنار

نگاه ضعیف و ابزاری به ایجاد لحن و شخصیت پردازی (که پیش‌تر، از آن سخن گفتیم)، سبب شده که کودک نیز مانند بزرگسالان (با همان محتوا و لحن) از جفای روزگار بگوید و بنالد که این پدیده از نقاط جدی و انکارناپذیر ضعف در نظام زیباشناسی پروین تلقی می‌شود.

ب. انتقاد سیاسی

ظهور این نوع انتقاد در زیست‌جهان سنت‌گرا و سنت‌باور شعر پروین، از نوآوری‌هایی است که در سایه تغییر در هستی و چیستی «نهاد اجتماعی سیاست» (و در نتیجه تولد مفاهیم و ادب سیاسی در معنایی تازه) به شعر دوره مشروطه‌خواهی و پس‌از آن (از جمله شعر پروین) وارد می‌شود و از نوگرایی‌های او نیز محسوب می‌شود. علاوه بر انتقاد از وضع گذشته ایران (در قصیده مرتبط با کشف حجاب، انتقادات سیاسی زیر در شعر پروین مطرح است:

- اعتراض رنج‌دیدگان به حق‌کشی و حرام‌خواری حاکمان؛ مانند این شعر بسیار مشهور:

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
کین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
پیداست آن قدر که متاعی گران بهاست
نزدیک رفت پیرزنی کوزبشت و گفت
این اشک دیده من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است
این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک، رهزن است
آن پادشا که مال رعیت خورد گداست
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن
تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
پروین، به کج‌روان سخن از راستی چه سود
کو آن چنان کسی که نرنجد ز حرف راست

پیوند خوردن نامساعدی هستی با ناگزیری مرگ:

این پدیده که حکم آخرین نمود برجسته مرگانندی در شعر پروین را دارد، جبرگرایی برخاسته از بینش سنتی او را با اصلی‌ترین

اعتراضش (اعتراض به هستی نامساعد) پیوند می‌زند، تا در این بعد هم او از نگاه‌ها و احساسات مدرن به دور ماند (و اثری از مثلاً تنهایی وجودی در برابر مرگ در شعر او نتوان دید)؛ بینشی که شعرهای دو هم‌راز و فریاد حسرت از نمونه‌های آن‌اند.

در بچه پابانی: جمع‌بندی

با در نظر گرفتن مطالب پیش‌گفته، می‌توان یافته‌های بررسی شعر پروین (که در قسمت اول این مقاله بیشتر از آن سخن گفتیم) را این‌گونه جمع‌بندی کرد:

بررسی فردیت انسانی شعر پروین اعتصامی، به ما نشان می‌دهد که اولاً «من» ناصح پیامبرگون، مهم‌ترین فرد در شعر پروین است؛ ثانیاً هم‌نشین قهری این «من»، دیگران (تو، او و «جمع») «نیازمند ارشاد» است که من شاعر از موضع فرادست بدان‌ها می‌نگرد و ارشاد و حتی سرزنش و توبیخشان می‌کند؛ ثالثاً رابطه این افراد اکثراً در قالبی منظره‌گون تصویر شده است که در آن شخص یا شیئی که نیازمند ارشاد است، سخن را یا گفتاری می‌آغازد و پاسخ‌گوینده و مفصل طرف مقابل (نماینده شاعر پیامبرگون) او را برجایش می‌نشانند و ازین جهت که فرد مغلوب تقریباً هیچ‌گاه پاسخی به این گزاره دندان‌شکن نمی‌دهد (و با رفت‌و برگشت سخن میان طرفین مواجه نیستیم).

به همین دلیل نمی‌توان این اشعار را نمود کاملی از قالب مناظره دانست؛ رابعاً در این مناظرات و ارشادات، مرشد پیروز، طرف مقابل را کمتر با مهر می‌نگرد، خشم و حتی نفرت در این شعرها غالب است و نهایتاً (با در نظر گرفتن این همه) گزاره و بی‌راه نیست اگر گفته شود: شعر پروین، عرصه فردیت‌سوزی و فردیت‌ستیزی است؛ همه‌چیز و کس نمونه/تیپ‌اند؛ فردیت/تفرد/ تفاوت‌هاشان اصلاً مطرح نیست.

همه از دور دیده می‌شوند و اول و آخر با تفاوت‌هایشان و در آن میانه گاه، ویژگی فردی هم اگر هست، زودا که محو می‌شود؛

جستجوی تنهایی در شعر پروین اعم از فیزیکی (جدامانگی) و روحی (با انواع گونه‌گونش) به ما نشان می‌دهد که در شعر پروین تنهایی وجودی اثر و نمودی ندارد و یگانه نوع تنهایی در شعر او همان جدامانگی (تنهایی فیزیکی) است (آن‌هم تنها در این چند نمونه معدود و محدود) زیرا ادراک و سخن گفتن از «تنهایی وجودی»، با ادراک و پذیرش مختار و مسئول بودن هر انسان و نیز میرایی او رابطه‌ای مستقیم دارد که نگاه جبری و نوعی پروین

مانعی بر سر راه این امر به شمار می‌رود؛ جهان‌بینی و تربیت ذهنی و فکری پروین جهان را برای او به مثابه «نظام احسن» تصویر می‌کند: جهانی که خوبی‌هایش یکسره به خدایی حق، «برتر» و «خیر الحافظین» (از جنس حافظ موسی در نیل خروشان) بازمی‌گردد و به همین سبب اعتراضی هم اگر هست، نخست به انسان ناب‌ازنده و ناشایسته و نادانست و بعد به «فلک» ی که مانند سنت شعر فارسی قهاری است غدار و کج‌رفتار و برهم‌زننده اراده ما؛

و سرانجام، مرگ و مرگانندی نیز در شعرهای پروین به‌هیچ‌وجه صغیه «وجودی» (تنهایی انسان‌میرا در برابر میرایی خویش) ندارد و به‌علاوه، فضای بحث از مرگ در شعر پروین، همواره در ساحت «عدم اصالت مرگ» است چون سخن از مرگ، بهانه و بستری یا معلول و نتیجه سخن گفتن از سه امر است: وعظ اخلاقی (دعوت مخاطب به اخلاقی بودن برای رستگاری اخروی)، نگرش دنیا و امور دنیوی و نیز تلقی شدن ناگزیری مرگ نادلخواه به‌عنوان از اضلاع و ارکان و عناصر نامساعدی هستی.

تمام این نکات به ما نشان می‌دهد که چرا و چگونه زیست‌جهان اشعار پروین اعتصامی (درست همانند و موازی با زندگی او) در تمام اشعارش، عناصری از نگرش بینش و کنش‌های سنتی در دوران معاصر را از جهان‌نگری گذشتگان به میراث می‌برد و بازتاب می‌دهد.

به دیگر بیان، تمام این موارد پروین را به یکی از مثال‌های نمونه‌وار (تیپیک) شعر و زیست انسان سنتی ایرانی تا پیش از انقلاب (در جامعه‌ای «در حال گذار») بدل می‌کند و البته نگارنده رأی‌های افراطی و تفریطی در مورد پروین را نمی‌پسندد و با تحلیل متفاوت و منصفانه از اسلامی ندوشن موافق‌تر است: «او نه شاعر نابغه بود که نبوغش را به هدر دهد، و نه مصلح اجتماعی... پروین بیان‌کننده روح زن متوسط ایرانی بود، بردبار و نجیب، وفادار به خانه، و بیش از این نباید از او توقع داشت...»

پی‌نوشت‌ها

* برگرفته از رساله دکتری نویسنده که با خلاصه‌سازی و بازنویسی اختصاصاً تقدیم خوانندگان هفته می‌شود.

** پژوهشگر ادبیات کاربردی درزمینه فرهنگ و ادب ایران و کانادا.

*** منابع این نوشته در وب‌گاه «هفته» درج می‌شود.

نویسندگانی از بومیان برای همه کانادایی‌ها

گروه ادبیات هفته: هشتم مارس، روزی که به افتخار کوشش‌های زنان، روز جهانی زنان نام گرفته است، فرصت مغتنمی است تا با زیست و میراث ادبی یکی از پیشروان کم‌شناخته‌ی ادب و فرهنگ کانادا آشنا شویم که در عرصه‌های مختلفی از زنان پیشگام کانادا محسوب می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای از مدخل خواندنی و غنی ویکی‌پدیای انگلیسی است.



امیلی پالین جانسون (۱۰ مارس ۱۸۶۱ - ۷ مارس ۱۹۱۳)، که با نام هنری Mohawk Tekahionwake به معنای «زندگی دوگانه» نیز شناخته می‌شود، شاعر و نویسنده و مجری کانادایی بود که در دوران کاری‌اش بسیار محبوب بود. پدرش از بزرگان قبیله‌ی موهاک (از بومیان شرق آمریکای شمالی) و مادرش مهاجری انگلیسی بود. جانسون، که اشعارش در کانادا، ایالات متحده و انگلیس منتشر و پرطرفدار شد، جزو نسلی از نویسندگان پرخواننده بود که ادبیات کانادا را به دنیا شناساندند. او شخصیتی کلیدی در این زمینه بود و به‌ویژه در پیشرفت ادبیات زنان بومی اثری عمیق برجای گذاشت.

جانسون به‌خاطر شعرها، داستان‌های کوتاه و اجراهایی که میراث نژاد مختلط او را گرامی می‌داشتند، چهره‌ای برجسته شد. وی بیشتر به خاطر کتاب‌های شعرش از جمله متولد کانادا (۱۹۰۳) و سنگ چخماق و پر (۱۹۱۲) و با مجموعه داستان‌هایش: افسانه‌های ونکوور (۱۹۱۱)، شگانه‌ی (۱۹۱۳) و ساز مغناطیسی (۱۹۱۳) شناخته شده‌است. در حالی که شهرت ادبی وی پس از مرگش روبه‌زوال بود، از اواخر قرن بیستم، علاقه دوباره‌ای به زندگی و آثارش پدیدار شد تا آنجا که در سال ۲۰۰۲، مجموعه‌ای کاملی از شعر و برگزیده‌ای از نثرهای او در قالب یک کتاب منتشر شد.

جانسون به‌دلیل آمیختن دو فرهنگ بومی و غیربومی در کارهایش و انتقاداتی که از دولت کانادا داشت، عضوی از جنبش فمینیستی «زن جدید» (New Woman) نیز بود.

زندگی خانوادگی

اجداد موهاک پدر امیلی یکی از روسای «شش‌ملت» (Six Nations) بودند که اینک در براتفورد انتاریو زندگی می‌کنند. خانواده‌ی جانسون قدیم‌تر در ایالت نیویورک ایالات متحده زندگی می‌کردند. با آغاز جنگ استقلال آمریکا، موهاک‌ها تحت فشار شدیدی قرار گرفتند چون آنان و سه قبیله‌ی

«تورنتو گلوب» شد که علاقه و توجه به شعر و میراث ادبی جانسون را افزایش داد. از اواخر دهه‌ی ۱۸۸۰، او تقریباً هر ماه مطلبی خواندنی و پرطرفدار منتشر می‌کرد. این کوشش منظم و پر دستاورد باعث شده که جانسون در میان گروهی از نویسندگان کانادایی در نظر گرفته شود که به ادبیات متمایز ملی کمک شایانی کرده‌اند.

برخی اظهار نظرها درباره‌ی اهمیت او

مارگارت اتوود، نویسنده‌ی شهیر کانادایی، معترف است که در هنگام گردآوری و تدوین «راهنمای موضوعی ادبیات کانادا» (۱۹۷۲)، ادبیات نویسندگان بومی را به‌خوبی مطالعه نکرده بوده است. او از خود می‌پرسد: «چرا من از پالین جانسون غافل شدم؟ شاید به این دلیل که نیمه‌سفید بود، اما حتی در بین بومی‌ها، کمتر از حقش به او بها داده شده است. روندی که اینک در حال قوت گرفتن و احیا است.» همان‌طور که اتوود متذکر شد، از اواخر قرن بیستم، کارنامه‌ی عملکرد جانسون توسط منتقدان ادبی، فمینیست و پس‌استعماری مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. آن‌ها از اهمیت وی به‌عنوان یک زن نوآندیش و چهره‌ای مبارز در برابر ایده‌های غالب در مورد نژاد، جنسیت و حقوق بومیان قدردانی کرده‌اند.

از دید محققان، بررسی استقبال از نوشته‌های جانسون در طول این یک قرن، فرصتی را برای مطالعه‌ی مفاهیم متغیر ارزش ادبی و مرزبندی تغییر یافته بین فرهنگ بالادست و فرهنگ عامه فراهم می‌کند. در طول زندگی او، این خط به‌سختی در کانادا وجود داشت، جایی که ملی‌گرایی به‌عنوان معیار اصلی ارزیابی قرار گرفت.

امیلی جانسون قادر به تجزیه و تحلیل عادات نژادپرستانه آن زمان است، شفافیتی که ناشی از دیدگاه وی به‌عنوان یک موهاک ممتاز تحصیل کرده در جامعه و فرهنگ سفید انگلیس و کاناداست. استفاده‌ی ماهرانه‌اش از تشابهات بین سنت‌های حکومتی و مذهبی بومی و فرهنگ غالب، نشان می‌دهد که «شش‌ملت» (Six Nations) مسئولیت سیاسی مشابه‌ولی بسیار کمتر از تبعیض استعماری انگلیس دارند. با این حال، اشتیاق وطن‌پرستانه‌ی او به کانادا و نهاد سلطنت، به نظر برخی با طرفداری‌اش از بومیان مغایرت داشته است.

دیگر با انگلیس علیه استقلال طلبان متحد شده بودند. جیکوب جانسون و خانواده‌اش به کانادا نقل مکان کردند. پس از جنگ، آن‌ها در انتاریو (در ناحیه‌ای که پادشاه به‌عنوان بخشی از غرامت در نیویورک داده بود)، مستقر شدند. مادر جانسون در پرورش و تهذیب فرزندان خود، بر پرورش «عزت متروکی» که احساس می‌کرد باعث احترام آن‌ها در بزرگسالی می‌شود، تأکید می‌کرد. پدر جانسون هر چهار فرزندش را تشویق می‌کرد که به هر دو میراث موهاک و انگلیسی خود احترام بگذارند و از آن‌ها بیاموزند.

کارنامه‌ی ادبی

در سال ۱۸۸۳، جانسون اولین شعر خود را با عنوان «ژان کوچک من» در نیویورک منتشر کرد. پس از آن شروع موفق، او سرعت نوشتن و انتشار کارهایش را بیشتر کرد. در سال ۱۸۸۵، چارلز جی رابرتز شاعر شناخته‌شده، اثری از جانسون را در مجله‌ی «تورنتو گلدوین اسمیت» منتشر کرد که نقش مهمی در تثبیت جایگاه ادبی او داشت. پس از این تثبیت، جانسون عمده‌ی وقتش را صرف این کرد که هویت خود را به‌عنوان یک موهاک ترویج دهد. در سال ۱۸۸۵، او به شهر بوفالو سفر کرد تا در مراسم بزرگداشت رهبر قبیله‌ی بومیان هودانشونه (Haudenosaunee Sagoyewath)، معروف به کت‌قرمز، شرکت کند. او در همین زمان شعر مهمی نوشت که ابراز تحسین در مقابل آن رهبر و تأکیدی برای آشتی بین مردم انگلیسی‌زبان و بومیان بود.

در سال ۱۸۸۶، جانسون مأمور شد تا به مناسبت رونمایی از مجسمه‌ی بزرگداشت جوزف برانت، رهبر مهم موهاک که در طی جنگ استقلال آمریکا و پس‌از آن با انگلیس متحد بود، شعری بنویسد: «چکامه‌ای برای برانت». شعر در حضور «بیشترین جمعیتی که دیده بود» در مراسم ۱۳ اکتبر خوانده شد. این شعر خواستار برقراری مودت بین کانادایی‌های بومی و سفیدپوستان تحت اقتدار شاهنشاهی انگلیس بود. البته تاجر معروف براتفورد، ویلیام فاستر کاکشات، این شعر را در این مراسم خواند، زیرا جانسون کمی خجالتی بود.

این شعر، انگیزه‌ی نشر یک مقاله‌ی مفصل در روزنامه‌ی

تازه‌های کتاب ایران:

خانهای از پافتاده نونوار شود، اما سروکله زدن با این‌وآن صاحب‌خانه را زودتر از خانه می‌سازد. دو بوآ با طنز و زهرخند نشان می‌دهد که یک‌خانه‌چطور تشخیص پیدا می‌کند و اگر بخواهد نفستان را بند می‌آورد. بخشی از متن این رمان را با هم می‌خوانیم: «این آدم‌ها انگار باهم دست‌به‌یکی کرده بودند. از چهارگوشه‌ی دنیا می‌آمدند، همدیگر را نمی‌شناختند، اما همگی وپروس واحدی داشتند، یک مرض واحد. سفرشان هدفی نداشت جز تضعیف مقاومت من و فرسودن صبر من. در صنفشان انگار یک آیین پاگشایی داشتند، یک‌جور زیارت باید می‌رفتند به خانه‌ی تانر، انگار به کعبه یا کمپستل می‌روند. و فقط شایسته‌ترین‌ها، همین‌طور مبتلاترین‌ها و به‌ویژه، خل‌وچل‌ترین‌ها حق انجام این زیارت را داشتند.»

بخشی از یادداشت اصغر نوری درباره این کتاب را روی صفحه اینستاگرامش می‌خوانیم: «چالش اصلی من در ترجمه این رمان، زبان و لحن آن بود. زبان راوی، به‌رغم نزدیکی آشکار به زبان گفتار، لحنی فاضل‌مآبانه و کنایه‌آمیز دارد. مدام در حال طعنه زدن است و هیچ‌کس از نیش زبانش در امان نیست، حتی خودش. برای ساختن لحن این راوی، گوشه‌ی چشمی به زبان منشیانه‌ی آثار قدیم نثر فارسی داشته‌ام اگرچه همه‌ی تلاش‌م را کرده‌ام که از زبان گفتار دور نشوم. اما مسئله‌ی اصلی، زبان شخصیت‌های دیگر بود که به‌جز دو یا سه نفرشان هیچ‌کدام فرانسوی نیستند و طبیعتاً زبان فرانسه را به‌درستی به کار نمی‌برند. همین امر بخش بزرگی از طنز رمان را تشکیل می‌دهد.»

رمان «شوخی می‌کنید موسیو تانر» نوشته‌ی ژان پل دو بوآ با ترجمه‌ی روان و خواندنی اصغر نوری با مبلغ ۳۶۰۰۰ تومان توسط نشر افق روانه بازار کتاب شد.



نشر افق رمان «شوخی می‌کنید موسیو تانر» را منتشر کرد. این رمان یکی از آثار نویسنده‌ی پرکار و روزنامه‌نگار فرانسوی ژان پل دو بوآ است. او که در سال ۲۰۱۹ موفق به دریافت جایزه‌ی Prix Goncourt شد، حالا با ترجمه‌ی آثارش به زبان فارسی کم‌کم جای خود را در میان مخاطبان ایرانی باز می‌کند. اصغر نوری، مترجم این رمان، زاده‌ی تبریز است و مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فرانسه و کارشناسی ارشد کارگردانی تئاتر دارد. او علاوه بر مترجم، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر نیز هست و در حوزه ادبیات داستانی و نمایشی کتاب‌هایی را ترجمه کرده است. رمان «شوخی می‌کنید موسیو تانر» در سال ۲۰۰۷ نوشته شد. ناشر درباره این رمان می‌گوید: خانه‌ی تانر جست‌وجوی آرمان‌شهری است که واقعیت ندارد، اما مایه‌ی تسلی می‌شود.

«شوخی می‌کنید موسیو تانر» روایت انهدام و استحاله است. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند و قرار است

تازه‌های کتاب کانادا:

همچنین او تمرین‌هایی هم برای خواننده طرح کرده و از آن‌ها به‌عنوان تجربیاتی نام می‌برد که به خودش در مسیر درمان بسیار کمک کرده. این کتاب پر است از جملاتی از بزرگان ادب و فلسفه که هرکدام به‌نوعی الهام‌بخش او بودند. همچنین واژگان تخصصی روانشناسی در نگارش این کتاب به چشم می‌خورد. کتاب «آلاکلنگ‌بازی بغرنجی‌ها» چهارده فصل دارد و عناوین هر فصل به‌خودی‌خود جذاب هستند و کنجکاوی مخاطب را تحریک می‌کنند. این نویسنده نمایش تک نفره‌ای را هم به همراه نویسنده‌ی دیگری با عنوان «خفاش: بیماری سرطان من شما را از خنده روده‌بر می‌کند» نوشت و اجرای خلاقانه و پرانرژی او در پاریس موردتوجه بسیاری از مخاطبان قرار گرفت.

کتاب «آلاکلنگ‌بازی بغرنجی‌ها» در ۴۰۰ صفحه با مبلغ ۱۳۰۹۹ دلار به فرمت ePUB و pdf و نیز به فرمت کاغذی در کتاب‌فروشی‌ها در دسترس علاقه‌مندان است.



انتشارات فلاماریون Flammarion کتاب Le complexe du trampoline نوشته‌ی کارولین لوفلور Caroline Le Flour را در هفته‌ی دوم فوریه ۲۰۲۱ منتشر کرد. گرچه این کتاب به فارسی ترجمه نشده اما برای تسهیل خوانش متن آن را «آلاکلنگ‌بازی بغرنجی‌ها» می‌نامیم. نوشته‌ی کارولین لوفلور بالا و پایین‌های زیادی در زندگی‌اش داشته اما تلاش کرده از هرکدام از مصائبش درسی بگیرد و از آن‌ها نکته‌ی مثبتی پیدا کند. او که در ۳۲ سالگی سرطان را تجربه کرد، در پی عوارض درمانش متوجه شد برای بارداری نیاز به IVF و تجربه‌ی لقاح آزمایشگاهی دارد که البته آن هم نافرجام ماند و در ۳۶ سالگی پزشکان به او اعلام کردند که دیگر امکان باروری ندارد. اما کارولین کوتاه نیامد و همه‌ی این تجربیات را در قالب داستان و نمایشنامه با زبانی طنزآلود برای مخاطبان‌ش روایت کرد. کتاب «آلاکلنگ‌بازی بغرنجی‌ها» سرگذشت زندگی و به‌نوعی راهنمای عملی نویسنده در مواجهه‌اش با بیماری و شرایط دشوارش در زندگی اوست. خودش در مقدمه کتاب توضیح می‌دهد که نوشتن از بیماری خصوصاً با زبان طنز برایش به‌نوعی درمان و تریابی است. در هر فصل از کتاب با اندیشه و راهکارهای او آشنا می‌شویم و شیوه‌ی نزدیک شدن به خود واقعی نویسنده را می‌خوانیم.





ویژه روز جهانی زنان

سروده‌هایی از فرناز جعفرزادگان با ترجمه کردی

فرناز جعفرزادگان به گمانم یکی از بهترین شاعران جوان ایران است که بسیار زیبا و ژرف می‌نویس. و عمده‌ی کارهایش کوتاه است و از این نگاه شاعری کوتاه‌سراست. شعرهایش در سادگی به پیچیدگی می‌رسند که این از خصوصیات شعر کوتاه است. او شاعری مضمون‌گراست و تاکنون در میان زنان شاعر، شخصا بیشترین ارتباط شعری را با کارهایش برقرار کرده‌ام. هر بار می‌خوانم اش نکته تازه‌ای پیدا می‌کنم و دوباره و دوباره سراغ شعرهایش می‌روم. به نظرم شعر فرناز را می‌توان صدها بار خواند و خسته نشد. اینک پنج شعر زیبای فرناز جعفرزادگان را با ترجمه‌ی کردی تقدیم خوانندگان فرهیخته هفته می‌نمایم.



فارسی و کردی

<p>(۶)</p> <p>من هیچ چیز ندارم جز تو که ندارم</p> <p>من هیچ شتیکم نییه غه بیری تو که نیمه</p>	<p>ئه بین کاتی وایه واژو په تی سیداره یه که که چاره نوس ده خنکینی</p> <p>(۴)</p> <p>به سایه فکرمی کنم که رو به خاک به من فکرمی کند</p> <p>۵</p> <p>بیرله سیبه ره که مه وه که به ره وروی خاک بیرله من ئه کانه وه</p>	<p>ئه وه نده تیونیمه که باران له ناخمدا کرونوشی ده برد ئاسمان وتی: بی تنوکیش ئه توانین ده ریابین</p> <p>(۳)</p> <p>ما امضائیم خط می خوریم در خود گاهی امضا طناب داری ست که سرنوشت را خفه می کند نیمه واژوین له خومان دا خه ت خه ت</p>	<p>پیری له کوترانیک که چه ند بفرن دیسانیش ئاسمان به باله کانیا ننه گات</p> <p>(۲)</p> <p>ناگاه دیدم: آن قدر تشنه‌ام که باران در من سجده می کرد و آسمان می گفت: بدون قطره هم می توان دریا بود له ناکاودیتم:</p>	<p>(۱)</p> <p>کاش می‌شد دل تنگی را چال کرد تا دنیا پر از کبوترهایی شود که هر چه می‌پرند بازهم آسمان به بال‌هایشان نرسد خوزگایه! بکرایه... دلته نگیه کانم له چال نایه تا کوودنیا</p>
---	---	---	--	---

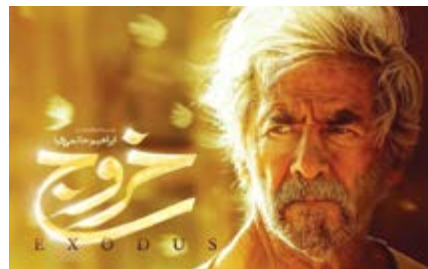
«خروج» ابراهیم حاتمی کیا ضعیف و بی رمق

این یک خروج از استانداردهاست



انتقال پیدا کند و به طرز عجیبی چقدر در آن لحظات با سینمای نازلی روبه‌رو هستیم. حاتمی کیا برای قهرمان سازی و کاریزماتیک کردن شخصیت رحمت علاوه بر فلش‌بک‌های بی‌مورد و چهره چروکیده و موی سپید و داشتن هم‌سفران پر حرف و لوده‌اش که اجازه جولان دهی بیشتری را برای او فراهم می‌کند چه کاری انجام می‌دهد و فیلم‌نامه چه ترفندهای دارد تا ما را هر چه دقیق‌تر به ذهنیات و افکار رحمت نزدیک نماید؟! ناکامی فیلم‌ساز در شخصیت پردازی رحمت بخشی، پرسوناژ او را برای تماشاگر فاقد عمق می‌کند.

در یک اثر سینمایی حرکت دوربین و اندازه‌ی درست نماها و گرفتن لانگ‌شات‌ها و اکستریم لانگ‌شات‌های جذاب به‌تنهایی نمی‌تواند اثر را نجات دهند بلکه این حرکات پرطمطراق دوربین باید در هماهنگی با میزانش‌ها و فیلم‌نامه‌ی دقیق و با جزئیات عمل کنند تا در ادامه با رعایت این فاکتورها بتوان به ساختاری یکدست و هموزن نائل آمد. گویا حاتمی کیا نکته فوق را مدتی است فراموش کرده و در خروج هم شاهد حرکات دوربینی هستیم که می‌توان آن را حاصل تماشای آثار جان فورد دانست. فیلم در آغاز نوید یک اثر امیدوارکننده و خوب را می‌دهد اما در ادامه کارکرد این حرکات حماسی دوربین به‌ویژه در بخش اوپنینگ فیلم اثرگذاری خود را از دست می‌دهد و خنثی می‌شود چراکه دیگر عناصر همگی خام‌دستانه هستند و حتی لحظه‌ای به انسجام فرمیک نمی‌رسند.



باشیم متوجه خواهیم شد که فیلم چنین قابلیت‌هایی ندارد. بی‌توجهی که معمولاً منجر به سقوط فیلم‌های حاتمی کیا از جمله «خروج» می‌شود در وهله اول تعدد غیرقابل کنترل و نامعین مضامین است و سپس اینکه فیلم‌ساز مفاهیم موردنظرش را به سطحی‌ترین شکل ممکن بیان می‌کند؛ درست مانند روستایی که نامش به عیان‌ترین شکل ممکن عدالت‌خواهی و دادگری را جار می‌زند یا چنان اسم فیلم که مستقیماً مسئله خروج از روستا و اعتراض و حق‌طلبی را به ذهن متبادر می‌کند یا تأسیسات سد دولتی به اسم تلخ‌آباد! سینما مادیوم حساسی است، لذا برای بیان مفاهیم در آن باید دقت فراوانی به خرج داد و حرفه‌ای عمل کرد و به قول معروف حرف اصلی فیلم را تا جایی که طناب ارتباطی مخاطب با فیلم پاره نشود به زیر متن‌ها هدایت و با قصه و روایت آمیخته کرد زیرا در غیر این صورت اثر سینمایی به یک تیزر تبلیغاتی تقلیل پیدا می‌کند.

حاتمی کیا برای شخصیت «رحمت بخشی» نامی تعجب‌برانگیز که مهربانی و پروتاگونیست بودنش را فریاد می‌زند و حاتمی کیا را در سطح کارگردانی نا مجرب پایین می‌کشد. برای او به‌عنوان یک کشاورز پشتوانه قرص و محکمی قرار نمی‌دهد و این آناتومی با وجود صورت چروکیده، نگاه و اعمال کاریزماتیک و کم‌حرف بودنش، پوک است؛ خاموشی ظاهر و سکوتش معنا حمل نمی‌کند و به‌طور کلی سبک زندگی رحمت به‌زعم بنده ایرانی‌زده نشده و بیشتر به آثار سینمای آمریکا شباهت دارد.

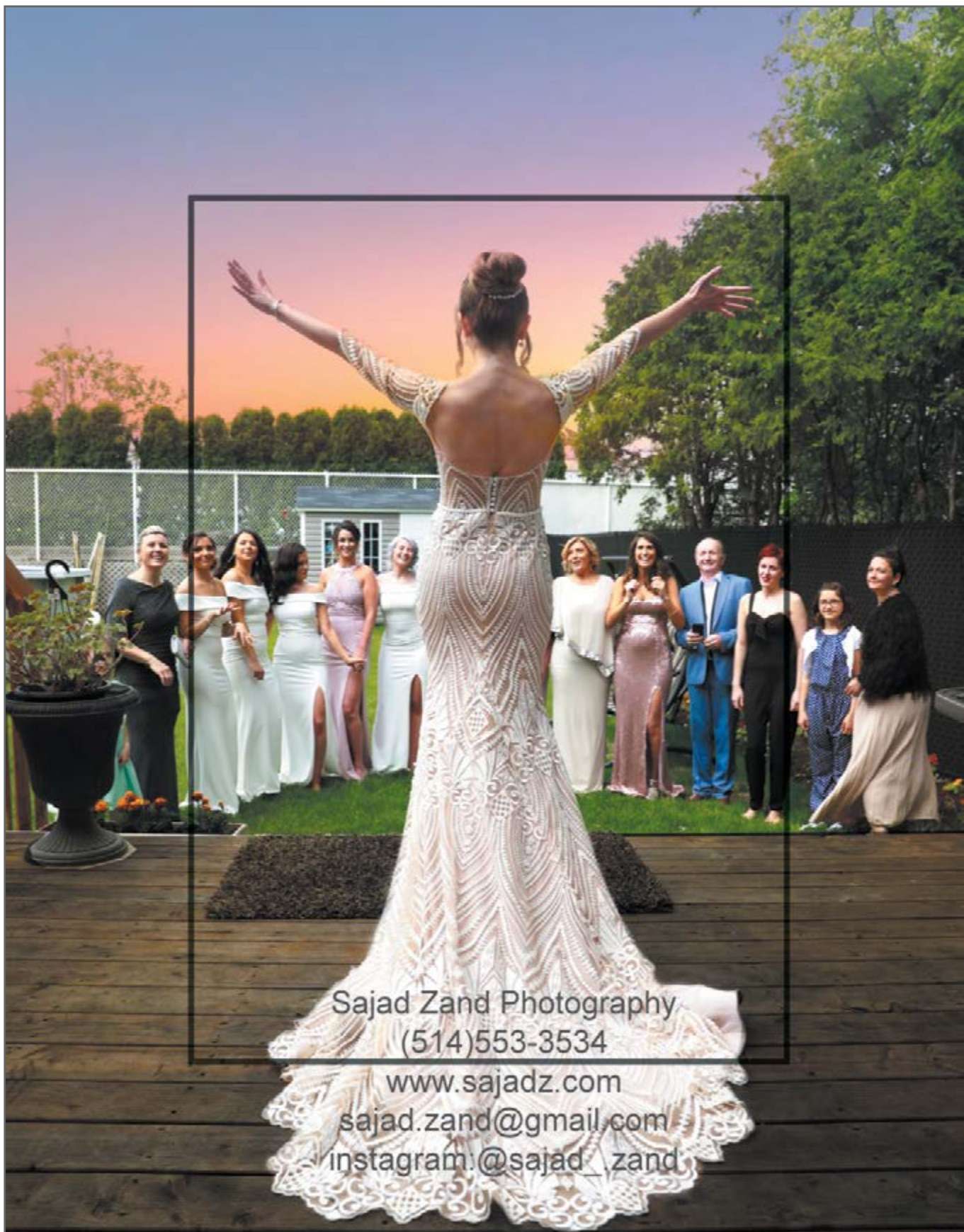
بعضی از دیالوگ‌ها که بیشتر به خطابه می‌مانند تا دیالوگ به طرز مبتدیانه‌ای ادا می‌شوند و گل‌درشت و شعاری‌اند و واضح است حاتمی کیا آن‌ها را به شخصیت پیوست داده و در دهانش گذاشته و ناشی از اتمسفر میان آدم‌ها و فضای موجود نیست. به یادآورید سکنس‌هایی را که قرار است اطلاعاتی از کاراکترها و نسبت میانشان به مخاطب

ابراهیم حاتمی کیا در سینمای بعد از انقلاب ایران نامی آشنا و کنج‌کاو برانگیز به شمار می‌رود که می‌تواند طیف وسیعی از مخاطبان و خبرنگاران را به سینما بکشاند. نامی که سال‌هاست با جریانی موسوم به سینمای دفاع مقدس عجین شده و از سردمداران آن محسوب می‌شود و کماکان نماینده تفکری است که موافق و مخالفانی دارد.

بنده نیز به آثار حاتمی کیا نقدهایی دارم اما متأسفانه در سال‌های اخیر صحبت راجع به آثار حاتمی کیا بیش از اینکه به‌طور منصفانه‌ای معطوف بر تحلیل و آنالیز سینمای او باشد، بیشتر شبیه به نوعی عقده‌گشایی و نقد شخص او و اندیشه و جریانی بوده که نزدیک به ۳۰ سال است از آن پشتیبانی می‌کند و این‌گونه برخوردهای غیرمحترمانه با سینماگری باسابقه به دور از انصاف است.

ای کاش حاتمی کیا آن قدر که به کمیت کارنامه‌اش توجه دارد از کیفیت آثارش هم غافل نباشد. به جد معتقدم که حاتمی کیا در چند سال اخیر فیلم می‌سازد تا بیکار ننشسته باشد حال آنکه کارگردانی حرفه‌ای است که علاوه بر کسب دانش و درست فهمیدن مسئله، با قلب و جان آدمی سروکار دارد و تا موضوعی به‌طور صادقانه دغدغه فیلم‌ساز نباشد و فهم نشود، اثر نهایی هرچقدر هم خوش‌رنگ و لعاب باشد و زحمت و هزینه فراوانی صرف جلوه‌های ویژه میدانی آن شده باشد، نتیجه مطلوبی نخواهد داشت و در مادیوم سینما محکوم به شکست خواهد بود.

«خروج» بیستمین ساخته سینمایی ابراهیم حاتمی کیا که بر اساس یک داستان واقعی ساخته شده یکی از ضعیف‌ترین و بی‌رمق‌ترین آثار کارنامه اوست که به‌سختی می‌توان امتیاز مثبتی برای آن در نظر گرفت و به لحاظ سینمایی کاملاً مردود است. شخصیت‌های حاتمی کیا در اینجا شخصیت رحمت بخشی با بازی فرامرز قریبیان معمولاً حرف‌های زیادی برای گفتن دارند، حرف‌هایی سیاسی و معترضانه. شخصیت‌هایی که دردمند کشور بوده و در روزگار جوانی‌شان برای حفظ مملکت به جنگ رفته و وظیفه خویش را انجام داده و موجب بقای این سرزمین شده‌اند اما اکنون به ساده‌ترین مطالبات آن‌ها رسیدگی نمی‌شود و مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. حال چرا عنوان کردم «خروج» به لحاظ سینمایی کاملاً مردود است؛ به این دلیل که اگر بخواهیم مضامین را با فرانس دادن به خود فیلم مطرح کنیم و جلو ببریم و به دنبال مابه‌ازای سینمایی



Sajad Zand Photography
(514)553-3534

www.sajadz.com

sajad.zand@gmail.com

[instagram: @sajad_zand](https://www.instagram.com/sajad_zand)

عبداله صفوی

Abdollah Safavi

Financial Security Advisor
Investment Representative

مشاور امنیت مالی
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه

بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

فقط تا آخر فوریه ۲۰۲۱

Mobile: (514) 467 - 8491
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567
✉ abdollah.safavi@fl55.com
🌐 mqsf.ca
📞 mqsf.ca

f mqsf.ca
📷 mqsf.ca

همین امروز نوبت خود را رزرو کنید
www.MQSF.ca



canada life

Freedom 55
Financial

QUADRUS
Quadrus Investment Services Ltd.



Shahin Sajadi
Courtier immobilier résidentiel
514-464-8220

شاهین سجادی
کارشناس و مشاور رسمی املاک مسکونی

Agence immobilière
RE/MAX Haute Performance
@shahin.sajadi@remax-quebec.com
📷 shahinsajadirealtor 📞 shahinsajadi



Sutton

YASAMIN ALI-AKBAR

Courtier Immobilier Résidentiel

ELHAM JAMI

Courtier Immobilier Résidentiel

514-677-9681

yasamina@sutton.com

514-966-9681

enijami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال
همکاری با تیم با تجربه
در تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

تسهیلات ویژه
برای تازه واردین به کانادا

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا
کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



(514) 942-9969
www.amajco.ca


**طراحی، بازدید و
برآورد رایگان**



**CONSTRUCTION
AMAJ inc**

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل به همراه کلیه لوازم
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای یونیت شیشه‌ای حمام
- اجرای عایق بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعمیر، تعویض و اجرای پلی استر
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش با سیستم مدرن و کم مصرف



نیوشا ریاحی
Niousha Riahi

وکیل رسمی دادگستری کبک

Riahi Legal

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاههای کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل
2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700
Montréal (Québec) H3A 2A6

☎ 514-953-3570

00982122019631 دفتر تهران
00989912535922 riahi@riahilegal.com riahilegal.com

امیر ندیمی
مشاور بیمه
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial insurance
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc

514 - 600 - 2338
www.AmirNadimi.com
@AssurancesNadimi
1955 Ch. de la Cote-de-Liesse, suite 201
Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

**Bureau de Change
Currency Exchange**



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

CIBC

با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کش یک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محض هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پناستی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com
Toll-free: +1-866-262-1037
Cell: 514-834-8053
mehرداد.cibc

Top 100 in Canada 2020

فرشید سادات شریفی

از دشواری‌های مهاجرت تا «خلق جهان به میل خویشتن»

با بهروز مایل زاده، نویسنده‌ی مونترالی

مهاجرت باعث شد من به نوشتن به صورت جدی روی بیاورم. مهاجرت و امکاناتی که بواسطه‌ی آن در دسترسم قرار گرفت که یکی‌اش همان حذف سانسورچی بود باعث شد من به فکر نوشتن و انتشار کتاب بیفتم.

گفت‌وگو

از دشواری‌های مهاجرت تا «خلق جهان به میل خویشان»

با بهروز مایل‌زاده، نویسنده‌ی مونترالی



گروه ادبیات هفته: بهروز مایل‌زاده، چهره‌ای است که مکرراً با مطالب زیبا و پرخواننده‌اش (به‌ویژه در قالب طنز) هفته را مهمان فکر و قلمش کرده است. اواخر سال گذشته و به مناسبت تهیه‌ی مطلبی برای روز جهانی مهاجران از او پرسیدم آیا نمی‌ترسیده با مهاجرت از ریشه دور شود و نوشتنش به خطر بیفتد؟ او جواب جالبی داد: «پس ذهنم همیشه این بود که آخرش مانند ماهی آزاد برای مردن برمی‌گردم به همان رودی که زاده شدم، حالا وقت دیدن اقیانوس است. از قضا کار فرهنگی من از زمان مهاجرت شروع شد، هر چند می‌دانم که بخش عظیمی از سرچشمه‌ی الهامات من در سرزمین مبدأ بوده و هست، اما خوب از آنجاکه آن زمان پیش از اینکه خودم را یک نویسنده بینم یک مهندس فرض می‌کردم... تقریباً» اکثر کارهای مهم زندگی‌ام را در همین دوران مهاجرت انجام دادم، ادامه‌تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس، چاپ اولین کتاب شعر، همکاری با نشریات فارسی‌زبان و آموختن دو زبان فرانسه و انگلیسی و شناخت بهتر از خودم و توانایی‌هایم و شناخت و دیدن چیزهایی که اگر نبود این مهاجرت در ایران امکان انجام و دیدنش نبود، من از بابت انجام و جسارت کارهایی که کردم از مهاجرتم راضی‌ام.»

و در ادامه، گفته بود که: «چیزی که الآن فکر مرا به خود مشغول کرده و در حال انجامش هستم انتشار اولین مجموعه داستان‌های کوتاه‌ام است.» اینک اندک زمانی است که آن مجموعه داستان با نام جذب‌کننده‌ی «یک قوطی کنسرو لوبیا روی میز شام اشرافی» منتشر شده و بهترین فرصت به مناسبت این کار تازه از با او به گفت‌وگو بنشینیم که حاصلش در ادامه تقدیم شده است.

با تمام این مشکلاتی که گفتید تاکنون استقبال از اثر چطور بوده؟

استقبال از کتاب‌ها خارج از حد تصور بود اگر از رؤیایپردازی دست بردارم و بقول فرانسوی‌ها پاهایم را روی زمین سفت بگذارم و واقع‌بین باشم باید عرض کنم که تشویق‌ها و درخواست‌ها خیلی خوب بود بخصوص برای کتاب دوم؛ آن‌هم با توجه به مشکلاتی که وجود دارد یعنی همین همه‌گیری ویروس کرونا و عدم وجود جلسات رونمایی کتاب به‌صورت حضوری. باین‌وجود دوستان خیلی خوب و دلگرم‌کننده استقبال کردند.

چه شد که از طنز نوشتن به سمت کارهای جدی‌تر رفتی و آیا برنامه‌ای برای کتاب‌کردن طنزها داری؟

به‌عنوان کسی که به‌تازگی وارد کار نشر شده و اولین کتابش را سال دو هزار و نوزده منتشر کرده خودم را ملزم میدانم که تمام راه‌های ارتباط با مخاطبم را امتحان کنم. شعر، داستان کوتاه و طنز این‌ها هر سه فرم‌هایی از بیان هستند که هر سه را دوست دارم و تاکنون دوتای آن‌ها را به طبع رساندم و سومی که یک داستان طنز بلند است

خیلی زیاد آن‌ها را هیچ‌وقت هم منتشر نمی‌کنم چون حالا از خواندنشان هم خجالت‌زده می‌شوم و هم دیگر آن چنان جهان‌بینی که خروجی‌اش آن مجموعه شده بود را ندارم. اساساً هم من خودم را شاعر نمی‌دانم و شعرهای من بیشتر خود سروده‌هایی هستند که به‌سختی در قالب‌های شعری جا می‌شوند.

هر دو کتاب در خارج از ایران چاپ شده. درست می‌گوییم؟ این کار چه مزایا و مشکلاتی داشته؟

درست است! از بزرگ‌ترین مزیت‌های آن حرف زدن بدون ترس از سانسور بود اینکه شما دغدغه قیچی ممیز و سانسورچی پس ذهن‌تان نباشد خیلی لذت‌بخش و جذاب است. اما از مشکلاتش این است که از مخاطبان اصلی کتاب‌هایمان دوریم به‌رحال ما به فارسی یا هر زبان دیگری در ایران غیر از انگلیسی و فرانسه که بنویسیم یک قشری را مخاطب خود قرار داده‌ایم که در ایران زندگی می‌کنند و دسترسی‌شان به مطالب ما ندارند یک‌جور گسیختگی بین مخاطب و گوینده این میان وجود دارد که آزاردهنده است.

بهروز مایل‌زاده عزیز با سلام و تبریک بابت چاپ کتاب تازه‌ات. لطفاً پیش از هر چیز چطور خودت را معرفی می‌کنی؟

سلام! من دوست دارم خودم را یک شهروند/نویسنده معرفی کنم. کسی که بین مردم زندگی می‌کند و برای مردم از چیزهایی که می‌بیند، می‌نویسد.

پیش‌تر مجموعه شعری هم منتشر کرده بهروز جان؛ قصه‌ی آن چه بوده است؟

از بعد از سال دو هزار و ده به خاطر اتفاق غیرمترقبه‌ای که در زندگی‌ام افتاد به چیزی پناه بردم که قبل‌ترش با دنیای سحرآمیزش توسط کتاب‌هایی که می‌خواندم آشنا شده بودم: آن چیز ادبیات بود و آن اتفاق فوت پدر.

کتاب شعری که پارسال منتشر شد مشخصاً حاصل چهار سال شعرگونه‌سرای‌های من بود. البته من یک مجموعه رباعی و چارپاره و اشعار به سبک کلاسیک هم دارم که اسمش را گذاشته‌ام «یادداشت‌هایی برای فراموشی» که آن‌ها را حدود یازده دوازده سال پیش وقتی ایران بودم سرودم و چون بافت و نگاهش با این سروده‌های اخیر بسیار متفاوت بود این دو را باهم منتشر نکردم به‌احتمال

در نوبت بعدی قرار دارد. بعد از کتاب سوم شمایی کلی‌تر و واقعی‌تر از خودم خواهم داشت که چطور و چگونه حرفم را بزنم.

در یک نگاه کلان‌تر نقش مهاجرت را در نوشتن و نشر کارهایت چه می‌بینی بهروز جان؟

مهاجرت باعث شد من به نوشتن به‌صورت جدی روی بیاورم. دغدغه نوشتن همیشه با من بوده حتی از دوران دانشجویی و حتی قبل‌ترش دوران دانش‌آموزی، اما مهاجرت و امکاناتی که در دسترسم قرار گرفت که یکی‌اش همان حذف سانسورچی بود که در بالا اشاره کردم باعث شد من به فکر نوشتن و انتشار کتاب بیفتم.

آیا با توجه به صدای گرم‌تر به رسانه‌ی پرمخاطب پادکست هم فکر کردی؟

از کم‌کاری‌های من یکی همین نداشتن پادکست است که امیدوارم با کمک گرفتن از تجربه دوستانی مانند خودت فرشید عزیز به این وادی هم سرکی بکشم.

لطفاً از راه‌های مختلف دسترسی و تهیه‌ی آثارت نیز برای ما بگو:

فعلاً اصلی‌ترین راه تهیه کتاب‌ها همان آدرس سایت لولو است که این بار ممه‌ای که نمی‌برد هیچ، کتاب هم چاپ می‌کند و می‌فرستد در خانه (خنده)!

این سایت کتاب را بر اساس تقاضا و سفارش درجا چاپ می‌کند و ارسال می‌کند. برای همین مانند ناشرین سنتی نیست که مثلاً هزار نسخه چاپ کند و در سطح کتاب‌فروشی‌هایش توزیع نماید و مشتری با رفتن به کتاب‌فروشی آن را تهیه کند. حالا همین روش به نظرم در دوران کروناپی بدل به یک مزیت شد.

راه دیگر صبرکردن تا برداشته شدن محدودیت‌های کرون است تا اینکه روزی که نمی‌دانیم کی خواهد بود یک یا مجموعه‌ای از برنامه‌های رونمایی کتاب بگذاریم و آنجا حضوری کتاب‌ها را تقدیم کنیم.

دیگر برنامه‌های آینده‌ات چیست؟

همین حالا درگیر یک داستان بلند طنزگونه

هستم که قرار بود اولین کتاب من باشد که نشد و آن دوی دیگر از این‌یکی سبقت گرفتند. هنوز اسم مشخصی ندارد ولی مربوط است به ماجراهای میکائیل و اتفاقاتی که پیرامونش افتاده از گذشته تاکنون. حدس می‌زنم برای اوایل تابستان سال آینده‌ی شمسی بشود منتشرش کرد.

حرف پایانی ناگفته:

این فرصت معمولاً متعلق است به تشکر از کسانی که مرا تشویق، راهنمایی و کمک کردند یکی از آن‌ها خودت هستی فرشید عزیز. همین‌طور از مجله‌ی خوب «هفته» به‌خاطر این مصاحبه صمیمانه تشکر می‌کنم و آخرین حرفم هم گفتن این آرزوست که امیدوارم روزی سایه شوم سانسور از سر مردم و جامعه ایرانی کم شود.

بهروز مایل‌زاده عزیز، ممنون از فرصتی که برای این گفت‌وگو به ما دادید.

آثاری از بهروز مایل‌زاده

(الف) سه داستانک از کتاب

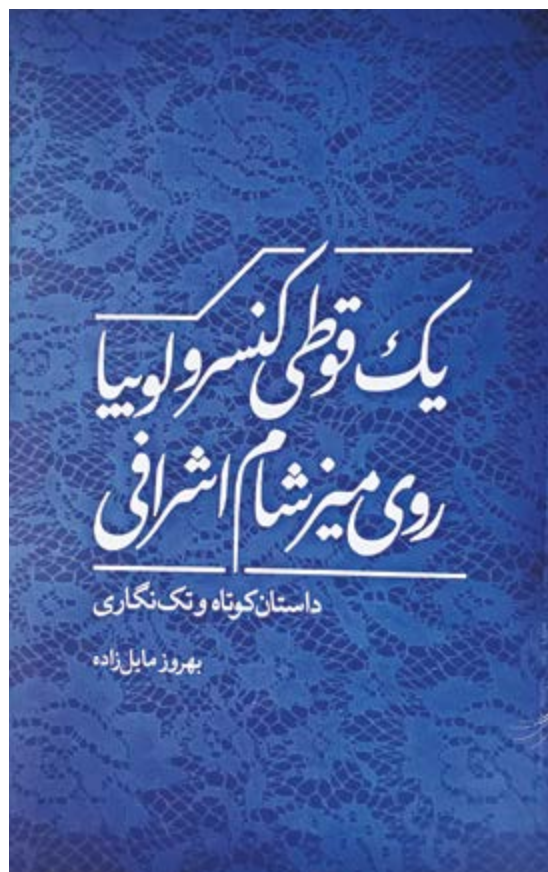
«یک قوطی کنسرو لوبیا روی میز شام اشرافی»

ده رو خاک می‌داد، شیرممد لابه‌لای مرده‌های ده از بقیه پر شر و شورتر بود، عبدو معلم ده که از جنوب اومده بود اسمشو گذاشته بود ممد تنگ‌تنگو از بس بالا پایین می‌تنگید و آروم و قرار نداشت، باهار که می‌شد هرکی آب دستش بود می‌داشت زمین و عاشق می‌شد، ننه‌بلقیس اما هنوز هواش زمستونی بود، هنوز پای کرسی می‌نشست و شال و کلاه می‌بافت، خسته که می‌شد، می‌رفت از روی طاقچه‌ی اتاق، شاهنامه‌ی قدیمی مرحوم پدرش رو برمی‌داشت و برای

داستانک اول: ننه بلقیس (۱)

ننه‌بلقیس بافتنی‌اش رو که تموم کرد دیگه زمستون هم رفته بود و باهار شده بود، بوی سنبل توی هوا می‌پیچید و شامه‌ها رو نوازش می‌کرد، توران نوه‌ی ننه‌بلقیس هم این زمستون رو که تموم کرد عین درختای بهار نارنج شکوفه کرد، شکوفه‌هایی به این هوا! ... ننه! ... این هوی!

هوای بهار مرده‌ها رو هم عاشق می‌کرد، چه برسه به شیرممد که تازه تصدیق گرفته بود و یه‌تنه تمام



پوتین سربازی‌ام یک تکه چدن سنگین و داغ بود، راه پنجم خودش به تنهایی به قاعده‌ی چهل راه صعب، فرساینده بود، آنهم در چله‌ی تابستان!

بعد از آن خم محقر، یک ردیف کپر بود با چندتایی درخت کنار پراکنده و یک کارخانه‌ی یخ! کنار کارخانه‌ی یخ یک بقالی مشمژ کننده هم بود که با خطی درشت روی یک پلاکارد نوشته بود: آب جوش موجود است! بعد از آن دیگر برهوت بود، انگار آخر دنیا، پایان هستی. با خودم گفتم تا همان بقالی می‌روم یک نوشابه می‌خرم و برمی‌گردم.

کنار کارخانه‌ی یخ، پای یک کنار پیر چندتا شمش بزرگ یخ توی سایه چیده بودند با یک گونی خیس رویشان، یک پنجره‌ی کوچک مربعی شکل هم از وسط یک دیوار بلوکی داده بودند به بدسلیقه‌ترین معمار آن حوالی کنده بود و بدخط‌ترین آدم منطقه هم روی دیوار با اسپری نوشته بود یخ اینجا!

هنوز چشمم به یخ‌های پای درخت بود که همچون آدم‌برفی بدموقعی در حال ذوب بودند که نگاهم با نگاه دخترک پابره‌نهای که از آنسوترک در حال دویدن بود تلاقی کرد، دخترک رقص کنان نزدیک حفره‌ی مربع شکل شد و با بیقراری به فردی که آنسوی حفره بود پولکی داد و یک نیم قالب یخ گرفت.

پاهای برهنه‌اش از شدت گرمای زمین می‌سوخت. همان نیم قالب هم برای جثه‌ی کوچک دخترک بزرگ بود و سنگین، قدم‌هایم را تندتر کردم و به دخترک گفتم عمو کمک نمی‌خواهی؟

چشمان از شرم بر زمین دوخته‌اش را برگرداند و گفت نه! یخ را گرفت و دوید، قدم‌هایم را انگار لی‌لی کودکانه‌ی از سر سرمستی بود، همچون اسپندی بروی آتش، دستانش از سرمای یخ بی‌خون و منجمد، پاهایش از داغی زمین پرتاول.

آنسوتر، پسرک زردنوی چلاق‌ی با شوق به دستان دخترک خیره مانده بود، اینسو سربازی با یک بطری نوشابه ایستاده بود به تماشای رقص دخترکی عاشق، روی داغی راه پنجم.

و یکنواخت از انتهای خیابان بگوش می‌رسید. سحر با گام‌های متزلزل تمام خیابان را پیمود بدون آنکه اثری از صبح‌صادق باشد! آن روز و روزهای بعد سحر دیگر هرگز صبح‌صادق را ندید!

سال‌ها بعد حدود ساعت یازده صبح، یک روز پاییزی وقتی سحر برای یک کار اداری رفته بود به مرکز شهر، در یکی از اتاق‌های اداره صداهای مشکوکی شنید، از روی کنج‌کاوای رفت بسمت صدا، ساعت حدود دوازده بود و کارمندا همگی رفته بودند برای ناهار و نماز! سحر گوشش را چسباند به اتاقی که از آن صداهای مشکوک می‌آمد، ناگهان در کمال تعجب صدای صبح‌صادق را شنید که آه می‌کشید و خطاب به شخصی می‌گفت آه که چرا زودتر تو را پیدا نکردم ماه من؟! سحر که از کنج‌کاوای ضعف کرده بود طاقت نیاورد و در آرام باز کرد و سرش را تا نیم‌تنه بدرون اتاق کشید.

در کمال تعجب صبح‌صادق را دید که زولیده و خمار، لنگ ظهر را در دستانش گرفته بود و داشت لب‌های سرخ ظهر را می‌مکید! ظهر آرام آه می‌کشید و می‌گفت، چقدر خوب که تو شب‌ها تا دیروقت بیداری و روزها تا رسیدن به لنگ‌های من می‌خوابی!

داستانک سوم: راه پنجم (۲)

انجا یک پنج‌راه بود که همه صدایش می‌کردند چهارراه! هیچ‌وقت هم نفهمیدم چرا! چرا کسی آن یک راه را نمی‌شمرد، که از کنج چهارراه می‌پیچید و چشم‌ها را می‌کشید با خودش به سمت یک ردیف درخت کنار رو به موت و در خم محقری گم می‌شد. چه؟ بحساب نمی‌آمد؟ قبول نبود؟ یک روز به آلبوغبیش راننده‌ی لندکروز یادگان گفتم: این راه کجا می‌ره؟ او هم همانطور که پایش را بروی پدال گاز فشار می‌داد، یک نگاه از روی شکم‌سیری انداخت به راه پنجم و گفت: هیچ‌جا!

چند هفته بعد به بهانه‌ای سر چهارراه آن‌ها و پنج‌راه خودم پیاده شدم! آلبوغبیش گفت: گرم‌زده نشی! و بدون اینکه منتظر جواب شود رفت!

هوا داغ بود همچون تنور مادر بزرگی که انگار تمام خرجی روزش را فقط هیزم خریده باشد! با نوه‌هایی قد و نیم‌قد که در حسرت بوی نان، شب را تا صبح نخوابیده‌اند.

جوانی اسفندپار اشک می‌ریخت! چشم‌اش که می‌شد گولته‌ی آتیش می‌رفت به آب می‌زد به صورتش و دوباره می‌نشست پای بافتن!

شیرممد همون سال عاشق توران شد، یک دل نه هزار دل، اما توران دلش جای دیگه‌ای گیر بود، توران عاشق گرگعلی پسر مش بایرام بود، همون که وقتی باهار می‌شد بافتنی‌های ننه‌بلیس رو می‌خرید و می‌برد شهر می‌فروخت، یه چندرغاز هم می‌داد به ننه‌بلیس.

اون سال گیلان‌ها زودتر شکوفه داده بودن، شکوفه‌ها که ریخت، ننه‌بلیس هم افتاد به تدارک عروسی توران و گرگعلی، همون موقع‌ها بود که شیرممد بی‌خبر از همه‌جا اومده بود با توران حرف بزنه، ننه‌بلیس از پشت پنجره‌ی اتاق، شیرممد رو می‌دید که عین شکوفه‌های گیلان ذره ذره فرو می‌ریزه، شیرممد با چشم‌های پر خون که از خونه رفت، ننه‌بلیس هم رفت به آب زد به صورتش و نشست پای بافتنیش!

داستانک دوم: صبح صادق

صبح‌صادق مرد هرزه‌ی چشم‌چرانی بود که هر روز اول وقت کنار خیابان می‌ایستاد و به سحر که هر خروس‌خوان از آنجا رد می‌شد متلک‌های زننده می‌انداخت و حرف‌های رکیک می‌زد! یک روز سحر که از این وضعیت به جان آمده بود با خورشیدخانم زن جافتاده‌ی محل حرف زد و گفت که صبح‌صادق هرروز مزاحم او می‌شود! خورشید خانم چارقند مشکیش رو روی سرش جابجا کرد و غرولند کنان دست کرد از توی قفسه‌ی ادویه‌ها یک دمنوش برداشت و ریخت توی قوری گل‌مرغی یادگار مادرش و آب کتری جوشان رو سرازیر کرد روش و رو کرد به سحر و گفت: فردا دیگه کسی مزاحمتون نمی‌شه مادر! و رفت توی اتاقش! سحر ناباورانه بلند شد و تنگ غروبی برگشت سمت خانه‌اش که پشت تپه‌های شرق بود.

فردا صبح، سپیده که سرزد، سحر با بی‌میلی بلند شد و با ترس و ناامیدی لباس پوشید که برود سرکار و زندگیش! سحر ترسالتو و لرزون از کوچه گذشت و پا گذاشت به خیابانی که پاتوق صبح‌صادق بود، صدای جاروی رفتگر محله تنها صدای آن وقت روز بود که منظم

(ب) یک شعر بلند از کتاب «مرثیه‌ای برای شاخ‌های گوزن نر شمالی»:

و با اولین قطار ساعت چهار و چهل دقیقه رفتند!
آن شهر آن قدر پرکار بود
که تمام کودکان،
بازوهایشان را پیچیدند توی بقچه‌های زیر بغلشان
و با اولین قطار ساعت چهار و چهل دقیقه رفتند!



پی‌نوشت‌ها:

(۱) برای آن چند قدم/ که
شانه‌به‌شانه‌ات/ رقص باد را زمزمه
کردم

(۲) برای بچه‌های ایران

(۳) برای تهران

در روز یکشنبه ۲۱ فوریه‌ی ۲۰۲۱، اولین جلسه از سلسله‌نشست‌های ادبیات مهاجران با نام «برکه‌های آینه» به میزبانی گروه سماک برگزار شد و پنجاه تن از علاقه‌مندان از نقاط مختلف کانادا و جهان در آن شرکت کردند تا به خوانش‌های به‌روز گوش فرادهند و با او گفت‌وگو کنند.

در صورت تمایل، می‌توانید صوت این نشست را در نشانی زیر بشنوید:

<https://t.me/shortstoryclub>

آن شهر (۳)

آن شهر آن قدر پرصدا بود
که تمام چکاوک‌ها،
چکامه‌هایشان را پیچیدند توی بقچه‌های
زیر گلویشان،
و با اولین قطار ساعت چهار و چهل دقیقه رفتند!
آن شهر آن قدر پر نور بود
که تمام شب‌تاب‌ها،
پرتوهای نورشان را پیچیدند توی بقچه‌های
زیر بال‌هایشان
و با اولین قطار ساعت چهار و چهل دقیقه رفتند!
آن شهر آن قدر پر جواهر بود
که تمام ستاره‌ها،
چشمک‌هایشان را پیچیدند توی بقچه‌های
زیر پلک‌هایشان
و با اولین قطار ساعت چهار و چهل دقیقه رفتند!
آن شهر آن قدر پریها بود
که تمام جوانان
خنده‌هایشان را پیچیدند توی بقچه‌های زیر
لب‌هایشان



متخصص و مشاور در امور املاک *Ramier Realty*
مسکونی، تجاری و مسکونی درآمدها در حوزه مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان در امر خرید و فروش ملک
 همراه با تیمی مجرب در امور بازرسی فنی، امور حقوقی و تهیه وام

امیر نعیمی

Cell: (514) 944-1348
Tel: (514) 683-8686
amir.naimi@ramier.ca

هایک هارتونیان
RE/MAX
 Hayk Hartounian MBA
 Residential Real Estate Broker
 بهر عنصر به فرد Tranquillity

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان
 تهیه وام مسکن با بهترین امکانات
 هدیه ما به شما: هزینه محضر

فروش خرید اجاره

(514) 574 6162
Haykhartounian@yahoo.com
9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

دفتر ترجمه رسمی
فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ) و انکارپو (ATIO)
 کارشناس ارشد ترجمی زبان و دانشجوی دکتری زبانشناسی

ATIO

ترجمه و تایید اسناد و مدارک
 ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دادگاهی
 تایید امضا اشخاص و گواهی برابر اصل
 تهره و تلفظ دعوت نامه و انگیز نامه
 ترجمه مهرهای گذرنامه جهت تمدید کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا
 تهره و تلفظ مدارک جهت ارائه برای مدارک سازی (مهر گواهی برابر اصل از دفترخانه رسمی)
 انجام کلیه امور مربوطه به درایت و کفایت از واشنگتن

دفتر تهران: شمع جنوب شرقی سپید فلدان
دارالترجمه رسمی مسیحا
 +98 912 723 2544

+98 912 322 0524
 438-920-9305
 firoozehmasiha@yahoo.com

دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

شعبه کانادا
 2000, MCGILL COLLEGE 6TH FLOOR, MONTRÉAL QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3
 +98 514 691 4383
 R.DAVOUDI@FARHANG.CA

شعبه ایران
 تهران، کاکر شمالی، تاطبع بلوار کشاورز نبش کوچه گیتی پلاک ۱۱۷۳، طبقه ۴، واحد ۷
 +98 21 6642 1511
 6694 8154
 H.DAVOUDI@FARHANG.CA

سیاست

دیدار مجازی دو ساعته ترودو و بایدن
لحن صمیمی، بارزترین ویژگی اولین دیدار سران کانادا و آمریکا

سیاست

آرش محبی ورشکستگی کارخانه تولید مشارکت و
مشروعیت اصلاح طلبان

اقتصاد

وامهای بانکی، بلای جان بیزنسهای
کوچک

جامعه

بازیهای ویدئویی در دوران
تحریمها

سیاست اقتصاد و جامعه

انتخاب جو بایدن برای دیدار با اولین رهبر یک کشور خارجی، جاستین تروود بود



دیدار مجازی دو ساعته تروود و بایدن

لحن صمیمی، بارزترین ویژگی اولین دیدار سران کانادا و آمریکا

بیشتر سلاح‌های گرم مهمترین مسایلی بود که در نشست مجازی سران کانادا و آمریکا مورد بررسی قرار گرفت.

کریستیا فریلند معاون نخست وزیر کانادا، کاملا هریس معاون رئیس‌جمهور آمریکا، مارک گارنو و آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه کانادا و آمریکا و همچنین جیک سولیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید در نشست مجازی سران دو کشور حضور داشتند.

کریستیا فریلند نیز کاملا هریس را یک منبع الهام برای زنان و دختران و به ویژه زنان و دختران سیاه پوست و هندی توصیف کرد و با اشاره به سال‌هایی که کاملا هریس در زمان تحصیلات متوسط خود در مونترال گذرانده است، خطاب به وی به زبان فرانسوی گفت: «همه کانادایی‌ها به شما افتخار می‌کنند، بی‌صبرانه منتظریم تا پاندمی کرونا تمام شود و یک بار دیگر در مونترال پذیرای شما باشیم.» کاملا هریس اولین زن، اولین زن سیاه پوست و اولین فرد هندی‌تبار است که به مقام معاونت ریاست جمهوری آمریکا دست یافته است. مادرش که یک محقق سرطان بود، ریشه‌های هندی داشت و پدرش جامائیکایی تبار بود. گرچه تغییر مستاجر کاخ سفید با تغییر رویکرد آمریکا در قبال کانادا همراه خواهد بود اما نمی‌توان گفت که روابط و مناسبات دو کشور همسایه در دوره ریاست جمهوری جو بایدن خالی از چالش و اصطکاک خواهد بود. تاکید جو بایدن بر قانون «آمریکایی بخیرید» از همین حالا نگرانی‌هایی را در محافل سیاسی و اقتصادی کانادا برانگیخته است.

منبع: سایت شبکه خبری رادیو کانادا

جاستین تروود و علاو بر جو بایدن با آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا نیز گفت‌وگو کرد



سران کانادا و آمریکا، لحن صمیمانه دو طرف بود. جو بایدن پیش از آغاز رسمی گفت‌وگوی خود با جاستین تروود، تاکید کرد: «آمریکا هیچ دوستی نزدیک‌تر از کانادا ندارد. به همین علت من به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا برای اولین دیدار دو جانبه خارجی شما را انتخاب کردم. امیدوارم بحران کرونا هر چه زودتر پایان یابد تا بتوانیم از نزدیک با یکدیگر ملاقات کنیم.»

جاستین تروود که در چهار سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ با چالش‌های فراوانی روبرو شد و همواره با حفظ جانب احتیاط تلاش می‌کرد کاری نکند که موجب تحریک رئیس‌جمهور دمدمی و تندمراج آمریکا شود، تاکید کرد در چهار سال گذشته از رهبری آمریکا در عرصه جهانی اثری نبود. تروود از بازگشت آمریکا به عرصه بین‌المللی ابراز خرسندی کرد و از این که آمریکا به دستور بایدن بار دیگر به مبارزه جهانی با تغییرات آب و هوایی ملحق شده است، استقبال کرد.

بایدن در دیدار با تروود بار دیگر بر تعهد واشنگتن برای تلاش به منظور فراهم کردن شرایط آزادی مایکل کاوریک و مایکل اسپاور که از دو سال پیش در چین زندانی شده‌اند، تاکید کرد. حمایت آمریکا از کانادا در این پرونده یکی از مهم‌ترین خواسته‌های جاستین تروود از رئیس‌جمهور جدید آمریکا است.

بایدن تاکید کرد: «عزت و کرامت انسان‌ها باید حفظ شود. ما برای آزادی و بازگشت صحیح و سالم دو مایکل تلاش خواهیم کرد. آمریکا و کانادا برای مقابله با نقض حقوق بین‌المللی و آزادی‌های دموکراتیک جبهه متحد تشکیل خواهند داد.»

جو بایدن خاطر نشان ساخت آمریکا و کانادا توافق کرده‌اند برای دفاع از منافع و ارزش‌های مشترک خود در برابر چین یک رویکردهم‌هانگ در پیش گیرند.

طبق گزارش‌های رسمی، مقابله با نژادپرستی سیستماتیک، مأموریت‌های ناتو، ضرورت مدرنیزه کردن فرماندهی دفاعی هوافضای آمریکای شمالی NORAD، تهدیدهای سایبری، اهمیت جلوگیری از تکثیر و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ضرورت کنترل هر چه

در اولین دیدار سران کانادا و آمریکا که روز سه‌شنبه ۲۳ فوریه به صورت مجازی برگزار شد، موضوعات مورد علاقه دو کشور مورد بررسی قرار گرفت.

پاندمی و محدودیت‌های آن موجب شد دیدار سنتی رئیس‌جمهور جدید آمریکا با رهبر همسایه شمالی از دور و در قالب ویدئوکنفرانس برگزار شود. چهل و ششمین رئیس‌جمهور آمریکا برای اولین دیدار خود با رهبر یک کشور خارجی جاستین تروود را انتخاب کرد تا نشان دهد که برای روابط آمریکا با همسایه شمالی که در دوره ریاست جمهوری ترامپ رو به سردی گذاشته بود، اهمیت زیادی قائل است.

جاستین تروود در پایان دیدار دو ساعته خود با جو بایدن تاکید کرد: «ما درباره نقشه راه بلندپروازانه مشارکت جدید میان دو کشور تبادل نظر کردیم که بر پایه ارزش‌ها و اولویت‌های مشترک دو همسایه تهیه شده و مسیر حرکت دو کشور را طی سال‌های آینده ترسیم خواهد کرد.»

تروود با اشاره به چالش‌های بزرگ فرآوری دو کشور مثل همه‌گیری کرونا، تهدید تغییرات آب و هوایی و تشدید نابرابری‌ها تاکید کرد: «زمان عمل فرا رسیده است بنابراین نباید وقت را از دست بدهیم. اولین و مهمترین مأموریت این است که سلامت شهروندان دو کشور را تضمین کنیم و به پاندمی کرونا پایان دهیم.»

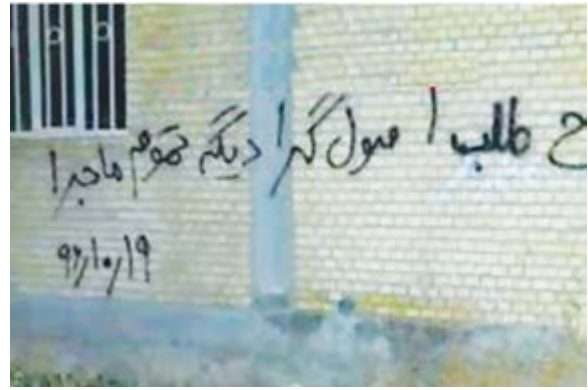
بایدن در دیدار با تروود بر ضرورت تقویت همکاری‌ها با کانادا و ترغیب دیگر کشورها برای متحد شدن در برابر چالش‌های جهانی تاکید و یادآوری کرد که آمریکا بار دیگر به توافق نامه آب و هوایی پاریس ملحق شده است.

بایدن ضمن تاکید بر ضرورت به صفر رساندن انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۵۰، خاطر نشان ساخت: «آمریکا و کانادا باید با همکاری‌های نزدیک خود اراده

جدی و تعهد محکم خود را به دیگر کشورها نشان دهند.» یک مسئول بلندپایه دولت جو بایدن که نخواست نامش فاش شود در گفت‌وگو با رادیو کانادا اعلام کرد همکاری‌های دو کشور در بخش انرژی برق از پرونده‌های مهمی بود که سران دو کشور در دیدار مجازی خود بررسی کردند.

این منبع ادامه داد انتظار می‌رود اولین دیدار سران آمریکا و کانادا به تهیه نقشه راه مشارکت دو کشور و همچنین تهیه فهرستی ملموس از اقداماتی که باید به منظور تقویت مشارکت دو کشور صورت گیرد، منجر شود.

شاید بارزترین و مهم‌ترین مسئله مشهود در اولین نشست



ورشکستگی کارخانه تولید مشارکت و مشروعیت اصلاح طلبان

می‌کرد و چرا همان زمان این حرف‌ها را در گوش شیخ اصلاحات نمی‌خواند و به‌زعم خودش او را از امور فرعی و نشانه‌گیری‌های غلط مانند تقابل با نظریه امثال مصباح یزدی درباره رأی مردم یا نظرات استصوابی شورای نگهبان یا دچار شدن به سرنوشت امیرکبیر بر حذر نمی‌داشت. قوچانی در حالی این نظرات را مطرح می‌کند که پرسش‌ها و نقدهای جدی در افشار مختلف جامعه به عملکرد اصلاح‌طلبان در دولت، مجلس و شورای شهر وجود دارد. بیشتر آن‌ها خودشان را مال‌بخته سیاسی می‌دانند که فریب متاع تقلبی را خورده‌اند و از رأی دادن به اصلاح‌طلبان احساس پشیمانی می‌کنند. بیشتر آن‌ها می‌دانند «ارز جهانگیری» که ایده و نامش از هم‌حزبی قوچانی و معاون اول روحانی آمده است چطور به شاهراهی برای توزیع میلیاردها دلار پول به دست آمده از برجام میان خواص اقتصادی تبدیل شد. رای‌دهندگان به اصلاح‌طلبان درباره جنگ قدرت اعضای شورای شهر تهران برای انتخاب شهردار و سرنوشت حیرت‌انگیز محمدعلی نجفی و آن‌طور که مصطفی معین، وزیر علوم دولت اصلاحات اعتراف کرده از باندبازی‌ها یا گماشتن نزدیکان و نورچشمی‌ها بر مناصب و مسائلی شبیه آن‌ها داستان‌های زیادی شنیده‌اند.

در این شرایط وصله و پینه کردن‌های نظری از جنس کاری که آقای قوچانی بلد است جای پاسخ‌گویی به جامعه را نمی‌گیرد. یک حزب یا جریان سیاسی که زمانی را در قدرت به سر کرده برای بازسازی برند و ارتباطات خودش با جامعه چاره‌ای ندارد جز مواجهه شجاعانه با تندترین پرسش‌ها و نقدها و خود انتقادی‌ها درباره عملکردش و آمادگی برای پذیرش دگرگونی‌های گسترده و باورپذیر در رهبری، چهره‌ها، ایده‌ها، تئوریسین‌ها و سازمان سیاسی برای انطباق با خواسته‌های جامعه. اصلاح‌طلبان اما به طرز آشکاری از این مواجهه طفره می‌روند یا شجاعت لازم را برای این رویارویی ندارند.

این بی‌میلی اصلاح‌طلبان به جلب نظر دوباره پایگاه اجتماعی پس از داشتن چند رابطه هیجان‌انگیز انتخاباتی با آن‌ها معانی دیگری هم دارد از جمله اینکه جریان اصلاح‌طلب بیشتر یک مجموعه سیاسی فروش محور است و نه اجتماع محور مبتنی بر ارتباط دائم و ارگانیک با پایگاه اجتماعی و پیگیری مطالبات آن‌ها. از این منظر اصلاح‌طلبان در بزنگاه انتخاباتی کالاهای سیاسی خودشان

محمد قوچانی، عضو حزب کارگزاران تنها اصلاح‌طلبی نیست که به جای پاسخ‌گویی شفاف درباره عملکرد اصلاح‌طلبان و حضور نزدیک به ۸ ساله‌اش در قدرت، آسمان و ریسمان نظری و تاریخی بهم می‌بافد. گفت‌گویی او با خبرگزاری تسنیم اما نوآوری‌های غیرمنتظره‌ای دارد، به ویژه در جایی که با زیرپا گذاشتن مدعای اصلی اصلاح‌طلبان می‌گوید بحران دموکراسی در ایران فرعی است و مساله اصلی کشور را بحران اقتدارگرایی مشروع معرفی می‌کند. او همچنین با کنایه‌ای به سرنوشت هاشمی رفسنجانی، اصلاح‌طلبان را از تکرار اشتباه امیرکبیر در مناسبتش با ناصرالدین شاه درباره رهبر جمهوری اسلامی بر حذر می‌دارد و به نوعی درباره پیامدهای پیگیری مطالبات دموکراتیک از سوی اصلاح‌طلبان به آنها هشدار می‌دهد. فارغ از اینکه حرف‌های جدید قوچانی از کجا می‌آید یا چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان مسائل امروز و عصری ناصری ایران یا عملکرد اصلاح‌طلبان و ماموریت امیرکبیر یا ناصرالدین شاه با رهبری وجود دارد، نظریه و تاریخ برای تبیین رخدادها و ارزیابی عملکردهای سیاسی همیشه مهم بوده‌اند اما وقتی افراد حاضر قدرت در جایی که باید پاسخگو باشند مثل تاریخ‌دانان و نظریه‌پردازان حرف می‌زنند به این می‌ماند که یک جراح در توجیه مرگ بیمار در اتاق عمل از تاریخ و نظریه‌های پزشکی بگوید بی‌آنکه اشاره کند حواسش موقع جراحی پرت کجا بوده و چاقویش کجا را اشتباهی بریده...

شاید بهت‌آورترین نکته گفت‌وگویی قوچانی این است که از وعده اصلی اصلاح‌طلبان در ایران یعنی پیگیری تحقق دموکراسی و به طریق اولی توسعه سیاسی ولو در چارچوب موجود عقب‌نشینی می‌کند و فقدان آن‌ها را فرع بر نبودن اقتدارگرایی می‌داند. او البته در هنگام خالی کردن سنگر قدیمی توضیح نمی‌دهد که اگر بحران دموکراسی در ایران فرعی است چرا اصلاح‌طلبان در تمام این سال‌ها با وعده‌هایی مانند اصلاحات سیاسی، گسترش آزادی بیان و شکستن حصر و امثالهم رأی طبقه متوسط در انتخابات را صید کرده‌اند. قوچانی همچنین توضیح نمی‌دهد اگر بحران دموکراسی را فرعی می‌داند چرا در انتخابات ۱۳۸۸ در کمپین مهدی کروبی در جهت تغییر و دفاع از آزادی‌ها و حقوق سیاسی مشروع مردم قلم می‌زد و رأی جمع

محمد قوچانی، عضو حزب کارگزاران از احزاب اصلاح‌طلب به تازگی گفت‌وگویی با خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران داشته که بازتاب گسترده‌ای در فضای سیاسی و رسانه‌ای داخل و خارج از ایران پیدا کرده است.

کلیدی‌ترین نکته گفت‌وگویی قوچانی شاید این باشد که وی برخلاف همه ادعای اصلاح‌طلبان از انتخابات سال ۱۳۷۶ به بعد؛ آزادی را به عنوان مرکز گفتمان اصلاح‌طلبان داخل ایران کنار می‌گذارد و مشکل اصلی ایران را بحران اقتدارگرایی مشروع عنوان می‌کند و از همین زاویه اصلاح‌طلبان را از تضاد با نظام و رهبری جمهوری اسلامی بر حذر می‌دارد.

آرش محبی، روزنامه‌نگار سیاسی و نویسنده چند کتاب درباره برند رسانه و برنامه‌ریزی انتخاباتی در یادداشت پیش رو به نقد گفت‌وگویی قوچانی پرداخته است.

تحریریه هفته

درباره حضور ۸ ساله‌شان در قدرت هستند و اصلاح‌طلبی مانند قوچانی در این مسیر به‌زعم خود برای جلوگیری از تکرار اشتباه امیرکبیر در قبال ناصرالدین‌شاه تا آنجا پیش می‌رود که با فرعی دانستن بحران دموکراسی از همه وعده‌های اصلاح‌طلبی عبور می‌کند و درست به نقطه مقابل آن می‌رود و بحران اصلی کشوری را که در آن خرید واکسن‌های تأیید شده کرونا با تشر و دستور سیاسی از بالا لغو می‌شود، نبودن اقتدارگرایی عنوان می‌کند. این بخش از حرف‌های قوچانی می‌تواند کنایه پنهانی هم به سرنوشت هاشمی رفسنجانی باشد که خودش را امیرکبیر زمانه می‌دانست، درباره‌اش کتاب نوشت، بر سرنوشتش گریست اما احتمالاً از نظر قوچانی مانند امیرکبیر درباره شخص اول مملکت دچار اشتباه سیاسی شد و در نهایت سرنوشتی بهتر از او پیدا نکرده است.

به هر حال از نقطه نظر بردسازی سیاسی، حرف قوچانی درباره فرعی بودن بحران دموکراسی، شلیک مستقیم به جوهره برند جریان اصلاح‌طلب است و از آن شخصیتی نامتعادل، دروغ‌گو و غیرقابل اعتماد به تصویر می‌کشد که هیچ هدف بزرگی را دنبال نمی‌کند، اصالت و صلاحیت رهبری سیاسی ندارد و وفاداری به آن بی‌معناست. در واقع قوچانی به‌جای آنکه برای بازسازی برند اصلاح‌طلبی در نزد جامعه جوهره را حفظ کند و بر مبنای آن از ضرورت تغییر در ایده‌ها، احزاب و چهره‌ها بگوید، برعکس عمل می‌کند و جوهره اصلاح‌طلبی را به نفع بقای در قدرت آتش می‌زند. این یعنی اصلاح‌طلبانی مانند او احتمالاً به بقای فرهنگی و اجتماعی هم باور و التزامی ندارند که از پیوند خوردن بازیگران سیاسی با قبیله/جامعه حول یک جوهره و پایبندی به ارزش‌ها، هنجارها و رسوم و رسم و مشخص به دست می‌آید.

نکات دیگری هم در گفت‌وگوی قوچانی وجود دارد که باید آن‌ها را از جهت تلاش برای بقاء در قدرت فهمید. او با چشم‌پوشی از عبور جامعه ایران از دوقطبی اصلاح‌طلب- اصولگرا می‌گوید هنوز می‌توان مناسبات سیاسی در ایران را بر مبنای آن جلو برد، البته دفاع قوچانی از این دوقطبی قابل فهم است چراکه او و شرکای سیاسی‌اش تاکنون بر مبنای همین چارچوب، مشارکت و مشروعیت تولید کرده‌اند و فروش و درآمد سیاسی قابل توجهی داشته‌اند، به آن نشان که امروز معاون اول رئیس‌جمهوری و بسیاری از پست‌های کلیدی سیاسی و اقتصادی مهم در اختیار آن‌هاست؛ بنابراین از نظر قوچانی اهمیت ندارد جامعه این دوقطبی را می‌پذیرد یا نه؛ روی صحبت او با نظام است که به دنبال فروشنده‌گان جدیدی نگردد و اجازه دهد دادوستد سیاسی بر همان آرایش قبلی بازار ادامه پیدا کند.

در نهایت همان‌طور که انتخاب خبرگزاری تسنیم برای انجام این گفت‌وگو نشان می‌دهد جهت همه پیام‌ها و پیشنهادهای قوچانی به سمت نظام است اما مشکل اصلی در طرف دیگر قرار دارد یعنی بی‌اعتمادی فزاینده جامعه باعث شده کارخانه تولید مشارکت و مشروعیت اصلاح‌طلبان به مرز ورشکستگی برسد و دست آن‌ها برای داد و ستد دوباره با نظام هم خالی شود.

اصلاح‌طلبان و اعتدالیون حسن روحانی را به‌عنوان یک گزینه مناسب و قابل قبول برای نظام به انتخابات عرضه کرد.

روحانی در مقایسه با گزینه‌های زمخت و غیرقابل انعطافی مثل سعید جلیلی بهترین گزینه ممکن برای نرمش قهرمانانه در برابر غرب بود و این فرصت را به‌نظام می‌داد تا آرایش و ابزارهای خودش در عرصه خارجی را برای تقویت زمینه مذاکرات و نیل به اهداف جدید به‌روز کند. البته چند ماه پیش از برگزاری انتخابات ۱۳۹۲ مذاکرات مخفیانه با آمریکا به میزبانی سلطان عمان آغاز شده بود و شاید از همان‌جا می‌شد پیش‌بینی کرد که نتیجه انتخابات بیشتر معلول و تسهیل‌کننده مذاکرات است تا علتی برای آن باشد و در واقع نظام برای نیازهای جدید خودش از بازار انتخابات و حجره مشترک اصلاح‌طلبان و اعتدالیون خرید خواهد کرد.

نیاز به تداوم سیاست رفع تهدید باعث شد تا نظام در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ هم با گزینه حسن روحانی کنار بیاید اما نتایج انتخابات خیرگان در مجلس در سال ۱۳۹۴ و شورای شهر در سال ۱۳۹۶ به هیچ‌عنوان آن چیزی نبود که نظام می‌خواست و البته بهای سنگینی برای آن‌ها پرداخت کرد از جمله ناکامی چهره‌هایی مانند محمد یزدی و محمدتقی مصباح یزدی در انتخابات خیرگان یا غلامعلی حداد عادل در انتخابات مجلس یا شکست ۳۰ صفر در انتخابات شورای شهر از لیست امید که همه این‌ها به شکست مستقیم رهبری در انتخابات تفسیر می‌شد. با این وجود نظام هم‌درس خودش از تجربه دولت اصلاحات را به‌خوبی آموخته بود و می‌دانست چگونه با استفاده از اهرم‌های قدرتی که در دست دارد اصلاح‌طلبان و اعتدالیون را سر خط بیاورد و به آن‌ها بفهماند عرضه انجام شده مورد تقاضا نبوده و باید هزینه آن را بپردازند.

از سال ۱۳۹۷ به بعد اوضاع برای اصلاح‌طلبان و اعتدالیون بدتر هم شد. خروج دونالد ترامپ از برجام همراه با اعمال تحریم‌های سنگین و گسترده اقتصادی و نفتی سیاست دفع تهدید از نظام توسط آن‌ها را با چالش جدی مواجه کرد. از طرف دیگر خشم و سرخوردگی روزافزون جامعه که مواردی همچون انفعال و مقابله دولت و مجلس در ارتباط با اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸، بیکاری و گرانی‌های فزاینده و پنهان‌کاری سه‌روزه درباره ساقط شدن هواپیما اوکراینی را دیده بود، مزید بر علت شد تا جای پای اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌گرایان لرزان‌تر هم شود. بر همین پایه آن‌ها پس از ۱۳۹۷ از یکسو با بحران اعتماد و همراهی دوباره جامعه روبرو هستند که مواد اولیه کارخانه تولید مشارکت و مشروعیت را تأمین می‌کند و از سوی دیگر خریدار اصلی هم با پیگیری ایده‌هایی مانند دولت انقلابی تمایلی به خرید مجدد از خود نشان نمی‌دهد.

اصلاح‌طلبان حتی با وجود این بحران‌های کشنده به نظر نمی‌رسد قصد داشته باشند به عملکرد خودشان در آینه انتقادات و واژدگی و یأس عمیق حاکم بر جامعه نگاه کنند و بیشتر به دنبال نوعی توجیه تاریخی و نظری

از وعده‌ها و کاندیداها گرفته تا لیست‌ها را به شکل خواسته‌های مردم بسته‌بندی و رنگ‌آمیزی می‌کنند تا آن‌ها را به میدان بیاورند و مشارکت و مشروعیت سیاسی و امکان مذاکره با غرب در جهت نرمش قهرمانانه تولید کنند و در ازای سهیم شدن در قدرت به‌نظام بفروشند؛ بی‌آنکه تعهد و مسئولیتی در قبال اجتماعی بپذیرند که آن را به حرکت درآورده‌اند و به مشارکت در انتخابات فراخوانده‌اند. در واقع جریان اصلاح‌طلب مشتری اصلی خودش را نظام می‌داند و نه جامعه. اصلاح‌طلبی مانند محمدرضا عارف از همین جهت تصور می‌کند بقای نظام با اصلاح‌طلبان پیوند خورده زیرا احتمالاً از نظر او جریان سیاسی دیگری وجود ندارد که توانایی تولید کالاهای از قبیل مشارکت و مشروعیت برای نظام را داشته باشد. هرچند محمود احمدی‌نژاد هم این ادعا را درباره بخش‌هایی به‌جز طبقه متوسط جامعه دارد و اتفاقاً او و یارانش هم می‌گویند که نظام از این جهت به آن‌ها نیاز دارد.

به هر حال بسیاری از رفتارهای سیاسی و انتخاباتی اصلاح‌طلبان در چارچوب «فروش محور بودن» قابل فهم‌تر می‌شود. برای مثال وقتی می‌گویند هیزم انتخابات نمی‌شویم به آن معناست که متاع خودشان یعنی مشارکت و مشروعیت را رایگان یا ارزان در اختیار نظام قرار نمی‌دهند یا وقتی خط و نشان تحریم انتخابات می‌کشند همچنان مشغول چانه‌زنی درباره قیمت هستند. به‌طور طبیعی گاهی هم کار فروشنده و مشتری مثل انتخابات ۱۳۸۸ به نزاع و درگیری می‌کشد به این معنا که مشتری حاضر به پرداخت هزینه تولید مشارکت و مشروعیت نمی‌شود و فروشنده هم سعی می‌کند جنس فروخته شده را پس بگیرد.

البته وقتی فروشنده تنها یک مشتری به نام نظام دارد باید به فکر راضی نگه داشتن آن باشد و کدورت‌های احتمالی را به امید خریدهای آینده برطرف کند. این همان کاری است که قوچانی در گفت‌وگوی اخیرش درباره نظام انجام داده است. برای درک بهتر این موضوع باید کمی به عقب و داستان انتخابات سال ۱۳۹۲ بازگردیم.

آن‌طور که امروز بهتر درک می‌کنیم در انتخابات سال ۱۳۹۲ نظام از سر ناچاری تصمیم گرفت بار دیگر از «فرصت» حضور اصلاح‌طلبان و اعتدالیون و به‌طور کلی ظرفیت‌های انتقادی و حتی براندازانه موجود در داخل به نفع رفع «تهدید» خارجی بهره‌برداری کند تا آنجا که رهبر جمهوری اسلامی از کسانی که او و نظام را هم قبول ندارند به‌طور صریح دعوت کرد به خاطر ایران در انتخابات شرکت کنند. در واقع بحران و بن‌بست اقتصادی ناشی از انزوای بی‌سابقه جهانی و تحریم‌های بین‌المللی و به‌تبع آن بسته شدن دست ایران برای پیشبرد اهدافش در منطقه و شکست پروژه‌های جانشین مذاکره با غرب به‌ویژه آمریکا، زنجیره‌ای از علل و معلول‌ها بود که کشتی‌بان جمهوری اسلامی را وادار کرد سیاست دیگری در پیش بگیرد و به انتخاباتی با مشارکت بالا و پیروزی یک چهره مناسب برای پیشبرد مذاکرات و در عین حال قابل مدیریت در عرصه داخلی رضایت دهد. بر همین اساس حجره مشترک

وام‌های بانکی، بلای جان بیزنس‌های کوچک

شرکت‌های کوچک و متوسطی که در صناعی همچون گردشگری، هنر و سرگرمی و بخش خدمات اجتماعی فعال بودند به احتمال قوی بیش از سایر شرکت‌ها مغروض هستند. چنین کسب و کارهای معمولاً با مشتریان تماس مستقیم دارند و بسیار سخت بتوانند دورکاری را تجربه کنند.

از طرف دیگر این قبیل بخش‌ها طبق گزارش‌های CFIB به ندرت به عنوان مشاغل حساس و ضروری محسوب می‌شوند که این امر باعث می‌شود نتوانند در زمان پاندمی به فعالیتشان ادامه دهند. به طور کلی تنها حدود سه چهارم مشاغل کوچک مقروض هستند و برآورد می‌شود که بازپرداخت وام هایشان حدود یک سال به طول بینجامد. از این میان، طبق نظرسنجی‌ها حدود یازده درصد از شرکت‌ها ممکن است به کلی نتوانند وام‌ها را پس بدهند.

دن کلی رئیس و مدیر عامل فدراسیون CFIB نگران است در دوران پس از کرونا و از سرگیری فعالیت‌های روزمره توسط شرکت‌ها، کانادا شاهد بسته شدن موجی از مشاغل کوچک باشد.

به گفته آقای کلی، با عادی شدن شرایط و از سرگیری فعالیت‌های اقتصادی، صاحبان مشاغل پس از بررسی حساب‌ها و دخل و خرجشان به محاسبه درآمد لازم برای خرج‌های جاری و همچنین باز پس دادن وام‌های دوران کووید خواهند پرداخت و در آن زمان ممکن است به این نتیجه برسند که این حجم کار و تلاش برای تنها بازپرداخت وام صرفه ندارد و در نتیجه عطایش را به لقایش بخشیده و شرکت‌ها را یکی پس از دیگری تعطیل کنند. فدراسیون CFIB در گزارشی دیگر در ژانویه ۲۰۲۱ هشدار داده بود که حدود صد و هشتاد هزار شرکت و شغل به طور جدی قصد دارند به کسب و کارشان برای همیشه پایان دهند. به علاوه این تعداد، حدود شصت هزار بیزینس دیگر تا کنون و به خاطر اثرات ناشی از بحران کووید غیر فعال شده‌اند. به دنبال این اثرات زیانبار ممکن است حدود دو و نیم میلیون شغل دیگر در بخش خصوصی و مرتبط با کسب و کارهای کوچک از بین رفته و اقتصاد کانادا آخرین آسیب‌های بحران اقتصادی ناشی از کووید ۱۹ را نیز به چشم ببیند.

منبع: وب سایت خبری بلومبرگ و گلوبال نیوز



طبق آمار و مطالعات فدراسیون کسب و کارهای مستقل کانادا یا CFIB، بیزینس‌های کوچک به دلیل بحران وخیم اقتصادی ناشی از ویروس کرونا در مجموع حدود صد و پنج میلیارد دلار زیر بار قرض رفتند. موسسه The group که در زمینه مشاوره و رایزنی به شرکت‌های کوچک فعال است اعلام کرده که از هر ده بیزینس حدود هفت عدد مجبور به استقراض از دولت، بانک‌ها و موسسات مالی شدند که این مقدار به طور میانگین حدود صد و هفتاد هزار دلار در هر بیزینس برآورد می‌شود.

به گفته لارا جونز، قائم مقام اجرایی فدراسیون CFIB، موج دوم و محدودیت‌های ناشی از آن بر مشکلات بیزینس‌های کم رفق که تازه داشتند جان می‌گرفتند افزود. بسیاری از شرکت‌ها در طول تابستان و فصل گرم فروش نسبتاً بهتری داشتند و در حال بازیابی قوا بودند و در ماه ژوئن گذشته میزان کل قرض‌های تجاری به رقمی حدود صد و هفده میلیارد دلار رسید. اما بنا بر اعلام فدراسیون CFIB این میزان از آن زمان تا کنون به مقدار چشم‌گیری رشد داشته است. در حالی که تنها نیمی از بیزینس‌ها به طور کامل و مثل قبل به کار خود ادامه می‌دهند اما تنها حدود یک چهارم از آن‌ها به میزان فروش عادی قبل از کرونا رسیده‌اند و این آمار از لحاظ اقتصادی نگران‌کننده است.

الیزابت کلارک یکی از صاحبان مشاغل از اونتاریو که در صنعت دکوراسیون و میلمان فعالیت دارد از ابتدای شیوع کووید ۱۹ و قرنطینه‌های اجباری سراسری مجبور به تعطیل کردن کسب و کارش شد و تاکنون حدود صد هزار دلار وام گرفته است. به گفته کلارک، منبع بیشتر این وام‌ها از حساب اضطراری دولت کانادا برای کسب و کارها به نام برنامه CEBA و وام از بانک توسعه تجارت کانادا یا Business Development Bank of Canada بوده است.

وام حساب دولتی CEBA به کسب و کارها اجازه می‌دهد به حدود شصت هزار دلار از منابع دولتی و بدون بهره دسترسی داشته باشند و از این مقدار حدود بیست هزار دلار می‌تواند مشمول بخشودگی شود. طبق آمار CFIB، این برنامه حمایتی بسیار در میان کسب و کارها پرطرفدار بوده تا جایی که حداقل شش بیزینس از هر ده بیزینس از این برنامه کمکی استفاده کرده‌اند. خانم کلارک که حدود پنج سال است در صنعت مبلمان و دکوراسیون فعالیت دارد همچنین برای مدتی از کمک دولت فدرال برای بازپرداخت حقوق معوقه کارمندان نیز استفاده کرده است. ولی با این وجود تا قبل از تعطیلات در ماه دسامبر گذشته مجبور به اخراج کردن تمام کارکنانش شده است. علاوه بر این، کسب و کار خانم کلارک هر ماه متحمل ضرری بالغ بر دوازده تا پانزده هزار دلار می‌شود چرا که انبار شرکت هنوز خالی است.

او امیدوار است با قرض کردن بتواند حداقل تا زمانی که کسب و کارها به رونق سابق برگردند قیوض مربوط به تجارتش را پرداخت کند و سرپا بماند اما می‌داند که حتی پس از بازگشت نسبی به حالت عادی، کسب و کارش باید آقدر بازدهی و سود دهی داشته باشد تا بتواند زیر بار این قرض کمر راست کند.

به گفته او، آن‌ها هنوز برآورد دقیقی ندارند که چگونه و تا چه زمان باید برای بازپرداخت این وام‌ها تلاش کنند. معلوم نیست توسعه و رشد کسب و کارشان چه زمان محقق خواهد شد چرا که باید مدتی مدید هر چه به دست می‌آورند برای بازپرداخت وام‌ها خرج کنند.

این تنها یک نمونه از صدها نمونه بیزینس‌های کوچک در سراسر کانادا است. در شرایط عادی، شرکت‌ها و کسب و کارهای کوچک معمولاً برای پرداخت موجودی انبار یا خرید تجهیزات وام می‌گیرند و اگر در این زمینه زیاده‌روی کنند زیر بار قرض له می‌شوند. قرض و وام ناشی از بحران کرونا اما از این دست نبود. کسب و کارها وام نگرفتند که امورات روزمره‌شان را بگذرانند و حتی توسعه یابند، بلکه مجبور به استقراض شدند تا به حیات خود ادامه دهند و حقیقت دردناک تجارت پسا کرونا این است.

افزایش شکاف بین فقرا و ثروتمندان به دلیل پاندمی

تعداد مشاغل کم درآمد را در خود جای داده است. طبق گزارش بانک CIBC، مشاغلی که میزان درآمد آن‌ها پائین است، سال ۲۰۲۰ وضعیت بدتری داشتند و بسیاری از آن‌ها حذف شدند. اما در همین مدت شهروندان با درآمدهای بالا وضعیت شغلی بهتری پیدا کردند چرا که بیشترین رشد اشتغال در بحبوحه پاندمی مربوط به مشاغلی بود که در بالای جدول حقوق و دستمزد قرار می‌گیرند و شاغلین آن‌ها ۴۱.۷۳ دلار در ساعت درآمد دارند.

در گزارش CIBC آمده است: «مسئله عجیب و غافلگیرکننده این است که مشاغل با درآمد بالا نه تنها تحت تاثیر پیامدهای پاندمی حذف نشدند بلکه در سال گذشته ۳۵۰ هزار شغل جدید نیز به آن‌ها اضافه شد.»

بیشترین حذف مشاغل یا کاهش ساعات کار برای کارگرانی اتفاق افتاده است که پائین‌ترین میزان درآمد در کشور را دارند (کمتر از ۱۳.۹۱ دلار در ساعت).

این‌ها اطلاعاتی است که بخش مطالعات اقتصادی بانک CIBC در تازه‌ترین گزارش خود بر مبنای داده‌های ارائه شده توسط اداره آمار کانادا منتشر کرده است. این گزارش نشان می‌دهد تقریباً همه مشاغلی که در سال ۲۰۲۰ تحت تاثیر پاندمی از بین رفت، متعلق به کارگرانی بود که میزان درآمد آن‌ها از متوسط حقوق در کشور پائین‌تر بود.

بنجامین تال Benjamin Tal تهیه‌کننده این گزارش و اقتصاددان ارشد بانک CIBC تاکید کرد: «پاندمی کرونا بحرانی غیرمعمول و نامتعارف است. این بحران عمدتاً بخش خدمات را تحت تاثیر قرار داد، بخشی که بیشترین



طبق گزارش بانک CIBC حذف مشاغل در دوره پاندمی بیشتر شامل حال کارگران پاره وقت، موقت و مستقل شده است.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، شهروندانی که به علت بحران کرونا شغل خود را از دست داده‌اند، دستکم یک وجه مشترک دارند: درآمد همه آن‌ها ۲۷.۸۱ دلار در ساعت یا کمتر از این است.

پیشنهاد اقتصادی حزب همبستگی کبک به دولت

فداکاری‌های زیادی انجام داده و برخی نیز جان خود را در این راه از دست داده‌اند، کنار بگذارند.»

در طرح احیای اقتصادی حزب همبستگی کبک استخدام ۵۰ هزار نفر برای خدمات سلامت و درمان در منزل، ۱۰۰ هزار پرستار، سه هزار پرسنل جدید برای بخش آموزش و هزار ناظر برای وزارت محیط زیست پیش‌بینی شده است. گابریل نادو - دوپوآ Gabriel Nadeau-Dubois سخنگوی حزب همبستگی کبک تاکید کرد استخدام سریع نزدیک به ده هزار پرسنل سلامت و درمان توسط دولت لوگو در اوج بحران پاندمی ثابت کرد که جلوگیری از کمبود نیروی انسانی در این بخش‌ها امکان‌پذیر است. وی افزود اگر دولت با سرمایه‌گذاری‌های کافی شرایط خوبی ایجاد کند، شهروندان بار دیگر به کار در بخش عمومی مشتاق خواهند شد.

از تدابیر کلیدی طرح احیای اقتصادی مد نظر حزب همبستگی کبک است که روز سه‌شنبه ۲۳ فوریه در یک کنفرانس مطبوعاتی مجازی از آن رونمایی شد.

هزینه لازم برای اجرای این طرح استخدامی گسترده حدود ۵.۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود اما به گفته مسئولان حزب همبستگی کبک، با اجرای یک رشته تدابیر از جمله وضع مالیات بر شرکت‌های بزرگ، صنایع آلاینده بزرگ، غول‌های بزرگ وب GAFAM و بستن راه‌های فرار مالیاتی این طرح به راحتی و بدون هزینه‌های سنگین قابل تحقق خواهد بود.

منون مسه سخنگوی حزب همبستگی کبک تاکید کرد: «با این طرح فرانسوا لوگو را به چالش می‌کشیم تا غرور خود را برای تامین منافع کبکی‌هایی که از یک سال پیش



پیشنهاد حزب همبستگی کبک به دولت ترودو برای استخدام یکصد هزار نفر در بخش عمومی

حزب همبستگی کبک پیشنهاد کرد برای خروج از بحران کووید ۱۹ دولت یکصد هزار نفر را استخدام کند و یک سوم آن‌ها را در بخش بهداشت و درمان به کار گیرد.

به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونترال، این یکی

جذابیت مونترال برای سرمایه‌گذاران خارجی

بودند، این آمار را قابل توجه توصیف کردند. استفان پاکه نیز سال ۲۰۲۰ را سومین سال برتر تاریخ فعالیت آژانس «مونترال انترناسیونال» دانست که ۲۵ سال از تاسیس آن می‌گذرد. آمار نشان می‌دهد که سال گذشته ۸۱۹۲ شغل در کلانشهر مونترال ایجاد یا حفظ شدند. متوسط حقوق سالانه این مشاغل نیز ۸۳ هزار و ۹۷۶ دلار شده که به مراتب بالاتر از متوسط سالانه حقوق در استان (۵۰ هزار دلار) است.

فعال‌ترین بخش‌های اقتصاد مونترال در سال گذشته که بیشترین تعداد نیرو را جذب کردند انفورماتیک (۳۲.۹ درصد) و بهداشت و درمان (۳۰.۷ درصد) بودند. از مجموع ۷۷۲ کارگر خارجی که سال گذشته در کلانشهر مونترال استخدام شدند، ۱۸۹ نفر معلم و ۲۳۷ نفر پرستار بودند که اکثر آن‌ها (۷۵ درصد) فرانسوی بودند.

عامل آژانس توسعه اقتصادی Montréal International روز دوشنبه ۲۲ فوریه با ارائه گزارشی از طرح‌ها و پروژه‌هایی که این شرکت در سال ۲۰۲۰ در کلانشهر مونترال حمایت کرده است، سال گذشته را برای این آژانس سالی بی‌سابقه توصیف کرد. به گفته وی آژانس «مونترال انترناسیونال» سال گذشته به ۹۰ شرکت خارجی کمک کرد تا در کلانشهر مونترال مستقر شوند.

به‌رغم بحران کرونا که اقتصاد همه جهان را فلج کرده است، شهر مونترال در مقایسه با خیلی از شهرها سال خوبی را پشت سر گذاشت و بالغ بر ۲.۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرد.

والری پلانت شهردار مونترال، پیر فیتزژیبون وزیر اقتصاد و نوآوری و ملاتی ژولی وزیر توسعه اقتصادی فدرال که در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک مجازی شرکت کرده



سال ۲۰۲۰ بخش‌های انفورماتیک و بهداشت مونترال بیشترین نیرو را جذب کردند

به‌رغم پاندمی، مونترال همچنان برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب است.

بر خلاف سیلیکون ولی Silicon Valley که هر سال خالی‌تر می‌شود و کارگران آن برای فرار از اجاره خانه‌های سرسام‌آور به شهرهای ارزان‌تر می‌روند، مونترال همچنان برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی و کارگران خارجی جذاب است.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، استفان پاکه مدیر

بازی‌های ویدئویی در دوران تحریم‌ها

گزارش ژورنال دو مونریال درباره تحریم و مشکلات گیم‌بازان در ایران



حساب‌هایی باز می‌کنند و دسترسی به آنها را به چندین بازیکن متقاضی می‌فروشند. قیمت دسترسی به این بازی‌ها تا ۶۰ درصد پائین‌تر از قیمت بازار است (۵۰ یورو یا بیشتر برای هر روز که معادل کمی بیشتر از نیمی از حداقل حقوق ماهانه در ایران است). سایت آگهی‌های کوچک «دیوار» حاوی صدها آگهی برای این نوع حساب‌ها است. اشکان رجبی شهروند ۳۱ ساله ایرانی و صاحب یک مغازه بازی‌های ویدئویی می‌گوید: «پرداخت ۱۸ یا ۲۸ میلیون ریال (حدود ۵۸ تا ۹۰ یورو با نرخ تبادل ارز فعلی) برای «مافیای جدید» خیلی سنگین است. فقط کافی است که یک حساب تقسیم شده داشته باشم تا همان بازی و همان احساس را با پول کمتری تجربه کنم».

گناه ما ایرانی بودن ماست

از نظر فرشاد رضایی این ترفند یک روش جایگزین قانونی است که از نظر اخلاقی نیز از سرقت اینترنتی نیز که در ایران رواج زیادی دارد (حقوق مولف در ایران به ندرت رعایت می‌شود یا اصلا رعایت نمی‌شود)، بهتر است. امید صدیقی ایمانی که منتقد بازی‌های ویدئویی و «استریم» است، می‌گوید به اشتراک گذاشتن حساب‌ها در واقع نشأت گرفته از فرهنگ مصرف در میان ایرانی‌ها است که همیشه به دنبال راه‌های دور زدن هستند. این شهروند ایرانی نیز با سرقت اینترنتی مخالف است و استفاده از سرویس‌هایی مثل Xbox Game Pass (پلتفرمی که صدها بازی ویدئویی با اشتراک ماهانه ده دلار ارائه می‌کند اما با توجه به این که سرورهای ایکس باکس اتصال از ایران را قبول نمی‌کنند، استفاده از این پلتفرم نیز بدون واسطه و وی پی ان امکان پذیر نیست) را توصیه می‌کنند. مایکروسافت تنها شرکتی نیست که ایرانی‌ها را از خدمات خود محروم کرده است Epic Games و یا Riot Games نیز دسترسی ایرانی‌ها را به خدماتشان قطع کرده‌اند. امید صدیقی ایمانی می‌گوید: «ما هیچ تقصیری نداریم، تقصیر ما فقط ایرانی بودن ماست». با این حال به گفته وی برخی شرکت‌ها مثل سونی سخت‌گیری کمتری در این زمینه دارند چرا که قطعاً از وضعیت (ایران) باخبر هستند.

منبع: وب سایت روزنامه ژورنال دو مونریال

آمریکا، شرکت‌های فعال در این بخش را مجبور کرد تا از ایران خارج شوند و مصرف‌کنندگان ایرانی را از خدماتشان محروم کنند هر چند این شرکت‌ها رسماً به چنین چیزی اذعان نمی‌کنند. طبق گزارشی که بنیاد بازی‌های ویدئویی و انفورماتیک ایران سپتامبر گذشته منتشر کرد، در این کشور ۸۰ میلیون نفری دست کم ۳۲ میلیون نفر به بازی‌های ویدئویی علاقمند هستند. اما به علت تحریم‌هایی که آمریکا ضد سیستم مالی ایران وضع کرده است، آنها فقط از طریق واسطه‌ها می‌توانند در اینترنت بازی‌های مورد علاقه خودشان را تهیه کنند چرا که تقریباً هیچ یک از ایرانی‌ها کارت‌های اعتباری بین‌المللی ندارند که با استفاده از آنها بتوانند از فروشگاه‌های خارجی در اینترنت محصول مورد علاقه خود را خریداری کنند.

علاوه بر این بازیکنان بازی‌های ویدئویی در ایران غالب اوقات باید برای ایجاد حساب در پلتفرم‌های مخصوص بازی‌های ویدئویی، با آدرس‌های دیجیتال تقلبی حساب باز کنند. این کار می‌تواند سرعت اتصال و کیفیت بازی‌هایی را که انجام می‌دهند، پائین بیاورد.

یک حساب و چند بازیکن

صادق کیا جوان بیست و پنج ساله ساکن تهران که می‌خواهد بازیکن حرفه‌ای بازی‌های ویدئویی شود، می‌گوید: «ما به واسطه‌های روسی یا ترکیه‌ای نیاز داریم. آنها به بازیکنان کارت‌های هدیه می‌دهند تا بتوانند اینترنتی خرید کنند» فرشاد رضایی سرآشپز ۳۲ ساله ایرانی هم می‌گوید: «بازی‌های ویدئویی به من این امکان را می‌دهد که از واقعیت‌هایی که در زندگی روزمره خود با آنها مواجه می‌شوم، فرار کنم».

این جوان ایرانی علاقمند به بازی‌های ویدئویی برای این که بتواند در اینترنت بازی کند، از سال ۲۰۱۸ از گزینه Gameshare «گیم شر» استفاده می‌کند که به صاحب یک کنسول یا دارنده یک حساب در یک پلتفرم بازی‌های ویدئویی اجازه می‌دهد بازی‌های خود را با دیگران تقسیم کند

برخی مغازه‌های بازی‌های ویدئویی از طریق واسطه‌ها بازی‌های مورد نظرشان را خریداری می‌کنند و با استفاده از روش‌هایی مثل وی پی ان (شبکه‌های شخصی مجازی)

دوستداران و علاقمندان به بازی‌های ویدئویی در ایران برای دور زدن تحریم‌های آمریکا که عرصه را بر اقتصاد این کشور به شدت تنگ کرده است، به روش‌ها و ترفندهای مختلفی متوسل می‌شوند چرا که تحریم‌های تجاری و اقتصادی که آمریکا می‌سال ۲۰۱۸ پس از خروج از توافق‌نامه هسته‌ای ایران (برجام) علیه این کشور اعمال کرد، مانع از آن می‌شود که دوستداران بازی‌های ویدئویی بتوانند به طور مستقیم بازی‌های مورد علاقه خود را خریداری کنند یا آزادانه در اینترنت به این بازی‌های مشغول شوند.

امیر گلخانی جوان ۲۴ ساله ایرانی که به شدت به بازی‌های ویدئویی علاقمند است و این بازی‌ها را به صورت نیمه‌حرفه‌ای دنبال می‌کند، از مشکلات خود و دوستانش برای دسترسی به بازی‌های ویدئویی اینترنتی می‌گوید. امیر تأکید می‌کند: «متأسفانه این روزها علاقمندان بازی‌های ویدئویی به علت اختلافات سیاسی و مشکلاتی که دولت‌ها را رو در روی یکدیگر قرار داده است، از تفریحات خود محروم شده‌اند. ما هیچ مطالبه سیاسی نداریم بلکه فقط می‌خواهیم بازی کنیم».

نزدیک میدان امام خمینی در قلب تهران، کنسول‌های بسیار مدرن در مارک‌های مختلف مثل پلی استیشن ۵ تولید شرکت سونی و ایکس باکس سری ایکس مایکروسافت در تعداد زیاد، کنار جدیدترین بازی‌های ویدئویی پشت ویتترین یک فروشگاه دیده می‌شوند. این فروشگاه بازی‌های ویدئویی از فروشگاه‌های بزرگی که در کشورهای مختلف جهان وجود دارند، چیزی کم ندارد. اما عملاً هیچ یک از شرکت‌های بازی‌های ویدئویی که محصولاتشان را به بازار ایران عرضه می‌کنند، از بیم تحریم‌های آمریکا در این کشور حضور ندارند و محصولات آنها نیز از طریق شرکت‌های ثالث یا به صورت قاچاق از مرز کشورهای همسایه وارد ایران می‌شود. بسیاری از این شرکت‌ها پیش از تحریم‌های آمریکا در بازار ایران نماینده داشتند اما از ترس جریمه‌های احتمالی آمریکا، بساط خود را جمع کرده و بازار ایران را ترک کردند. در واقع تحریم‌های اقتصادی و تجاری سنگینی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا سال ۲۰۱۸ پس از خروج از برنامه هسته‌ای ایران بر ضد این کشور به اجرا گذاشت، فقط صنعت بازی‌های ویدئویی در این کشور را مستقیماً هدف قرار نداد بلکه ترس از تدابیر تنبیهی



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک زمستانی تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی، از ۴۹.۹۵ دلار Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی
- ۱۰ درصد تخفیف برای تعویض همزمان روغن و لاستیک و بازرسی رایگان

سرویس و خدمات در کوتاه‌ترین زمان کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته خواهد شد

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی



514 939 0099
8660 Jeanne Mance, Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

صرافی موندیال ایت

با هم نیرومندتریم



ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه، بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

یحیی هاشمی

(514) 989 2229

بیژن احمدی

(514) 937-5192

MondialElite Exchange

1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4



صرافی رویال

پامدیریت فرخ سرشت



خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

امکان استفاده از کارت‌های بانکی ایران جهت فروش ارز

ارسال ارز به ایران و بالعکس

در سریع‌ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W. MONTREAL H4B 1L8 جنب فروشگاه اخوان

(514) 836-7090



دنیای دانش

زندگی میکروارگانیسم‌های زمینی در مریخ

سلامت روان

اهمیت مدیریت هیجان در چیست؟

پزشکی

دیابت زخم و نجات یک بیمار از قطع عضو

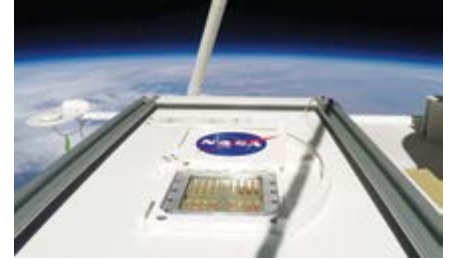
از ۱۸ روز تلاش و نگرانی

دانش و سلامتی

زندگی میکروارگانیسم‌های زمینی در مریخ

نیتروژن، دی اکسیژن، آب و متان تشکیل شده است و فشار موجود در این فضای مریخی شبیه‌سازی شده نیز ۱۷۰ برابر کمتر از فشار موجود بر روی زمین است. محققان با استفاده از یک بالن این دستگاه را به بالای لایه ازن در اتمسفر میانی زمین در ارتفاع ۳۸ کیلومتری فرستادند تا شرایط زیستی در آن به ویژه از نظر تابش شدید اشعه ماوراء بنفش به شرایط حاکم بر مریخ نزدیک‌تر شود. آن‌ها در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که برخی میکروب‌ها به ویژه قارچ‌های سیاه رنگ *Aspergillus niger* که از جمله آلوده‌کننده‌های معمولی مواد غذایی به ویژه میوه‌ها و سبزیجات است، توانایی زنده ماندن دست کم به صورت موقتی در شرایط زیستی مریخ را دارند.

به گزارش هفته، به‌نقل از پایگاه اینترنتی futura-sciences، کاوشگر ناسا موسوم به «استقامت» به تازگی بر روی مریخ فرود آمده است تا شاید آثار و علایمی از حیات بر روی این سیاره پیدا کند. دانشمندان در حالی که منتظر اولین نتایج این ماموریت هستند، تلاش می‌کنند دریابند آیا میکروارگانیسم‌های زمینی تاب تحمل شرایط دشوار حیات در کره مریخ را دارند. تیمی از محققان ناسا و مرکز هوانوردی و کیهان نوردی آلمان برای سنجش میزان مقاومت این میکروارگانیسم‌ها شرایط زیستی سیاره سرخ را در دستگاهی به نام MARSBox شبیه‌سازی کردند. اتمسفر موجود در این دستگاه اساساً از دی اکسید کربن، کمی آرگون، دی



آیا حیات زمینی تاب تحمل شرایط محیطی مریخ را دارد؟ این یکی از مهم‌ترین سوالاتی است که دانشمندان در چارچوب اکتشافات فضایی و مشخصاً مطالعات خود بر روی سیاره سرخ به دنبال پاسخی برای آن هستند. گروهی از محققان به تازگی پاسخی برای این سوال پیدا کرده و اعلام کرده‌اند که برخی از قارچ‌ها توانایی آن را دارند که دست کم به صورت موقت در مریخ زنده بمانند.

مریخ مستعمره زمین خواهد شد؟

اما نزدیک بودن و قابل دسترس بودن مریخ برای کاوشگرها و دیگر ابزارهای اکتشافی ساخت بشر نیز در علاقه روز افزون بشر به این سیاره موثر است. از دیگر علل توجه دانشمندان به مریخ شباهت زیاد دوره چرخش آن، اندازه و ساختار صخره‌ای آن به زمین و وجود منابع آب یخ زده در لایه‌های زیرین آن است. دانشمندان معتقدند که تا ۳.۵ میلیارد سال پیش حیات در این سیاره جاری بوده است به همین علت برای بشر بسیار اهمیت دارد که دریابد چه عواملی موجب از بین رفتن حیات در این سیاره شده و آیا امکان بازگشت حیات به آن امکان پذیر است یا خیر. مجموع ویژگی‌های مریخ موجب شده است که این سیاره در عصر حاضر به عرصه رقابت فضایی کشورهایی مثل آمریکا، چین و امارات تبدیل شود.

در گذشته‌های دور حیات در این سیاره جریان داشته و بشر امیدوار است که بتواند به زودی این سیاره را که شباهت‌های زیادی با کره خاکی دارد، به مستعمره خود تبدیل کند.

به گزارش هفته، به‌نقل از پایگاه اینترنتی futura-sciences، مریخ به علل مختلف همواره برای بشر مسحورکننده بوده است. ابتدا به خاطر رنگ سرخ آن که برای بشر یادآور رنگ خون بوده و به همین علت نام نماد خدای جنگ در روم باستان، مارس، نامیده شده است. ظاهر کلی این سیاره، اشکال و خطوط موجود در آن که اواخر سال‌های ۱۸۰۰ با اولین ابزارهای نجوم برای بشر به نمایش گذاشته شد، رویای کشف مریخ را در ذهن انسان ایجاد کرد و حتی این تصور را به وجود آورد که کوتوله‌های سبزرنگ ساکنان این سیاره هستند.



علت علاقه بشر به مریخ چیست؟

در دهه‌های گذشته ماموریت‌های فضایی متعددی به مریخ صورت گرفته است اما نه تنها از علاقه بشر برای کشف هر چه بیشتر سیاره سرخ کم نشده بلکه این علاقه‌مندی و کنجکاوی به کشورهای دیگری نیز سرایت کرده است. اصلی‌ترین علتی که موجب تمرکز اکتشافات فضایی بر روی سیاره مریخ شده این است که احتمالاً

آثار مخرب استفاده از ضدعفونی‌کننده‌ها بر بدن

یک میکروبیوم متنوع و غنی برای سلامتی ما اهمیتی اساسی دارد.» به گفته پروفیسور فینلای، کشف پاستوریزاسیون در اواخر قرن ۱۹ به انسان کمک کرد تا اندازه زیادی از شر میکروب‌ها خلاص شود. گرچه به لطف این کشف و پیشرفت‌های پزشکی بیماری‌های عفونی کاهش یافته‌اند اما از بین رفتن تنوع میکروبی نیز در شکل‌گیری بیماری‌هایی مثل آسم، چاقی، دیابت و بیماری‌های مغزی و قلبی بی‌ارتباط نیست. به همین علت طی سال‌های اخیر بسیاری از محققان تلاش کرده‌اند مردم را متقاعد کنند که نباید خیلی از میکروب‌ها وحشت داشته باشند اما پاندمی کووید ۱۹ و ترس از شیوع کروناویروس این تلاش‌ها را بی‌تاثیر کرده است.

به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، گرچه در خصوص ضرورت رعایت دستورالعمل‌های بهداشت عمومی در مقابله با کروناویروس کمترین تردیدی وجود ندارد اما محققان می‌گویند استفاده مکرر از ضدعفونی‌کننده‌ها، دستمال‌های ضدباکتری و فاصله‌گذاری اجتماعی ممکن است در درازمدت آثار زیانباری برای میکروبیوم‌های بدن ما داشته باشد.

برت فینلای Brett Finlay میکروبیولوژیست دانشگاه بریتیش کلمبیا می‌گوید: «وقتی ما به یکدیگر دست می‌دهیم، همدیگر را در آغوش می‌کشیم یا به مناطق جدید سفر می‌کنیم، میکروب‌های جدیدی نیز به بدن ما راه پیدا می‌کنند. درست است که برخی میکروب‌ها می‌توانند ما را بیمار کنند اما برخی از آن‌ها برای بدن ما مفید هستند.



میکروبیوم روده از صدها میلیارد باکتری تشکیل شده است

کووید ۱۹ و پیامدهای احتمالی آن برای میکروبیوم بدن ما محققان علوم پزشکی بیم دارند که شاید پروتکل‌های بهداشت عمومی که برای جلوگیری از ابتلا به کووید ۱۹ توصیه می‌شود، در طولانی مدت عواقب ناخواسته‌ای برای سلامت انسان داشته باشد.



اهمیت مدیریت هیجان در چیست؟

الهام گرامی

الف) هیجان خود را مخفی نگه دارید و آن را ابراز نکنید. در این حالت، ممکن است به همسر خود با ناراحتی بگویید: «میخواهی نریم، دیگه دیر شده». این رفتار را، رفتار انفعالی می‌نامند. در حالت انفعالی، هیجان‌ها پنهان باقی می‌مانند و بیان نمی‌شوند.

ب) هیجان خود را به گونه‌ای نامناسب و همراه با پرخاشگری و تهاجم بیان کنید. در این حالت، ممکن است به همسر خود بگویید: «این آخرین باره که باهات مهمونی میام». در این حالت همسران را مورد هجوم قرار می‌دهید.

ج) هیجان را به گونه‌ای مناسب و بدون حمله به طرف مقابل بیان کنید. در این حالت، ممکن است به همسر خود بگویید: «من از اینکه دیر به مهمانی می‌رسیم و بدقول میشیم، خیلی ناراحتم. لطفاً از این به بعد بهتر برنامه‌ریزی کن». در این حالت، مخاطب را مورد حمله قرار نداده، در عین حال عصبانیت خود را به گونه‌ای مناسب و جرئت‌مندانه ابراز کرده‌اید.

۳. مدیریت هیجان:

هنگام هجوم بی‌وقفه احساسات و هیجان‌ها، چه واکنشی نشان می‌دهید؟ آیا هیجان‌ها را مدیریت می‌کنید یا اجازه می‌دهید آن‌ها شما را کنترل کنند؟ در برخورد با هیجان‌ها، می‌توان به سه صورت عمل کرد:

۱. کاملاً منفعل باشیم و اجازه دهیم هیجان‌ها بر ما غلبه کنند.

۲. هیجان‌ها را سرکوب و از بروز آن‌ها جلوگیری کنیم.

۳. هیجان‌ها را مدیریت کنیم.

مدیریت هیجان‌ها، مستلزم آگاهی از وجود، ظهور و ابراز درست آن‌هاست؛ به عبارت دیگر، بدون آگاهی از وجودشان، نمی‌توان به مدیریت آن‌ها پرداخت. مدیریت هیجان‌ها، صرفاً شامل هیجان‌های منفی مانند خشم، غم و ترس نیست، بلکه هیجان‌های مثبت از قبیل شادی را نیز در برمی‌گیرد.

مدیریت احساسات و هیجان‌ها، به معنی آگاهی از آن‌ها، ابراز صحیح و کنترل و مدیریت آگاهانه، هوشیارانه و خلاقانه آن‌هاست.

در بسیاری از فرهنگ‌ها، ابراز هیجان‌ها چه منفی و چه مثبت بسیار دشوار است. نوع فرهنگ، نگرش والدین، اطرافیان و جامعه در بازداری از هیجان‌ها نقش مهمی دارند. به‌عنوان مثال طرز برون‌ریزی خشم در بسیاری از کشورها و فرهنگ‌ها متفاوت از دیگری است، اما آنچه مهم است این است که سرکوب خشم منجر به مبتلا شدن به بیماری‌های جسمی یا روانی دیگری می‌شود.

در اولین گام، پذیرش هیجان‌ها، بسیار مهم و کمک‌دهنده است. تمام هیجان‌ها منفی از قبیل خشم، ترس، غم، نفرت، حسادت و غیره را باید پذیرفت و آن‌ها را انکار نکرد.

راهکارهای اصلی در مدیریت هیجان‌ها

۱. آگاهی از هیجان‌ها خود:

آیا ما هیجان‌ها منفی و مثبت خود را می‌شناسیم؟ آگاهی و نظارت بر هیجان‌ها کلید اساسی و اصلی این مهارت است. ما همواره در زندگی خود، هیجان‌ها و احساسات متفاوت و متنوعی را تجربه می‌کنیم؛ شاد، غمگین، خشمگین، مضطرب و حسود می‌شویم.

این نکته بسیار مهم است که ما تا چه اندازه به آنچه در درونمان می‌گذرد، واقف هستیم. ظاهراً ممکن است به نظر برسد که تمامی احساسات و هیجان‌ها در ما آشکار و روشن هستند، اما موضوع این است که ما در بسیاری از مواقع، از هیجان‌های خود آگاه نیستیم، از کنار آن‌ها گذشته و آن‌ها را درست نمی‌شناسیم. آگاهی از هیجان‌ها و احساساتمان، نقش مهمی در روابطمان با دیگران دارد و ما را نسبت به مشکلاتمان آگاه‌تر می‌کند.

۲. ابراز صحیح هیجان‌ها:

چگونه هیجان‌های خود را بیان کنیم؟ آیا ما قادر به ابراز درست هیجان‌ها خود هستیم؟ برای روشن شدن مطلب، به این مثال توجه کنید: فرض کنید به یک مهمانی دعوت شده‌اید که به دلیل دیر آمدن همسران از کار، دیرتر به مهمانی می‌رسید. در این حالت شما از به موقع نیامدن همسران و دیر رسیدن به مهمانی بسیار عصبانی می‌شوید. این هیجان ممکن است به سه حالت زیر بیان شود:

انسان با مجموعه احساسات و هیجان‌ها متفاوت در طول زندگی خود روبه‌رو می‌شود و چنانچه بتواند این هیجان‌ها و احساسات را به خوبی کنترل کند، می‌تواند زندگی و روابط فردی و اجتماعی سالم‌تری داشته باشد. اصولاً بیشتر افراد در ابراز و کنترل هیجان‌ها منفی دچار مشکل هستند.

ما از بدو تولد با هیجان‌ها زیادی روبه‌رو می‌شویم و از همان زمان، توانایی بروز احساسات و هیجان‌ها متفاوت را پیدا می‌کنیم؛ اما هر چه بزرگ‌تر می‌شویم درمی‌یابیم که ابراز برخی هیجان‌ها ما را به دردسر می‌اندازد. مثلاً اگر بی‌اندازه عصبانی شویم، ممکن است رفتار پرخاشگرانه‌ای انجام دهیم که آسیب‌زا باشد.

اولین افرادی که با کودک در ارتباط هستند یعنی پدر و مادر، نقش بسیار مهمی در معرفی هیجان‌ها و احساسات به کودکان دارند. واکنش والدین به هیجان‌ها کودک، به‌طور ناخودآگاه در او تأثیر زیادی می‌گذارد و کودک همان الگو را در زندگی آینده‌اش تکرار می‌کند. به عنوان مثال اگر والدین در واکنش به ترس کودک، آن را نادیده بگیرند، کودک طی زمان یاد می‌گیرد که ترس خود را انکار کرده و وانمود کند که از هیچ چیزی نمی‌ترسد و این درازمدت برای مشکل‌ساز می‌شود.

هیجان‌ها در روان‌شناسی، به‌تمامی حالات احساسی و روانی مثبت و منفی مانند خشم، ترس، عشق، محبت، تنفر، امید، ناامیدی، نگرانی، احساس حقارت، غرور، غم، شادی، رنج، شرم، پشیمانی و حسادت اطلاق می‌شود که در پی آن افکار متفاوت و نیز رفتارها را به دنبال دارد.

سرکوب هیجان‌ها یک شیوه دفاعی است که ناخودآگاه ایجاد می‌کنیم، زیرا از ابراز هیجان‌ها ترسیده و می‌خواهیم از خودمان در برابر دیدگاه دیگران محافظت کنیم. مواجه شدن با احساسات و هیجان‌ها واقعی به خودآگاهی بالایی نیاز دارد و شجاعت زیادی می‌خواهد. وقتی ما غمگین هستیم یا اضطراب داریم، این هیجان‌ها بازگوکننده این پیغام هستند که مشکلی وجود دارد. اگر آن‌ها را نادیده گرفته و سرکوبشان کنیم، ناخودآگاه مشکلات را نیز موقتاً رها کرده و به حل مسئله واقعی نمی‌توانیم بپردازیم.

دیابت، زخم و نجات یک بیمار از قطع عضو

روایت گلسا تیموری از ۱۸ روز تلاش و نگرانی



پیشگفتار

نمی‌دانم چند نفر از خوانندگان این مقاله تاکنون با افراد دیابتی برخورد داشته‌اند و آیا آگاهی کافی درباره این بیماری دارند؟ آیا از دغدغه این بیماران و روحیات آن‌ها باخبرند؟ این‌ها پرسش‌هایی است که من در این مقاله به روایت داستان و تصویر برای شما مخاطبان عزیز بیان می‌کنم.

پدر من سال‌ها است که به بیماری دیابت نوع دوم مبتلاست. شیرینی‌ها به دهان ما خوشمزه به دهان آن‌ها سم واقعی است. کافی است مقدار انسولین مصرفی بالا و پایین برود آن وقت واویلا! حتماً تا به حال جمله «دختران بابایی هستند» را شنیده‌اید. من هم از آن دختران بابایی‌ام. بارها اندامش را زخمی دیده‌ام. آه و ناله‌های همراه با درد او را شنیده‌ام. دردهای او را تجربه نکرده‌ام اما با تک‌تک آن‌ها درد کشیده‌ام. ولی این دفعه جور دیگری بود این زخم، جزء زخم‌های خوب‌شدنی نبود. به گفته پزشکان ارتوپد انگشت پایش باید قطع می‌شد و سلام...

من سال پیش دوره‌های درمانگری زخم را گذرانده‌ام اما آیا مدرک کفایت می‌کند؟ خیر باید اقدام دیگری کرد دل را به دریا زد این دفعه پای پدر در میان است. چه کنم؟ در دلم آشوب و هیجان و ترس، این سه‌گانه‌های علل وحشت دست به دست هم داده‌اند. تعارف را کنار گذاشتم و از پزشک متخصص درخواست کردم که پای پدر را خود درمان کنم.

در این میان پزشک همکاری لازم را با من انجام داد گرچه برخی از پرسنل بخش مرا ناامید می‌کردند. تاکنون کسی در شرایط پدر من بدون آمپوتاسیون یا همان قطع عضو از بیمارستان خارج نشده از اینکه او را تنها بگذارم می‌ترسم. نکند او هم ناامید شود و راضی به جراحی شود، نکند من نتوانم شجاعتم را به او ثابت کنم. ۱۸ روز در بیمارستان هرروز آمیزه‌ای بود از ترس و ناامیدی و امید.

از جناب دکتر عطاالله انصاری، جناب دکتر سید محمد حسینی کازرونی، خانم دکتر فاطمه معتمدی، سرکار خانم صدیقه آقایی، خانم فاطمه سمنان و آقای مجید

فلاح همکار ماهر و خیره در زخم، کمال تشکر را دارم. درنهایت مقاله را باافتخار تقدیم به روح پرفتوح همیشه ماندگار دایی عزیزم محمدرضا اسدی می‌کنم. او در آخرین دیدار به من گفت: «هیچ‌وقت کارت را رها نکن و پیوسته ادامه بده...» امید است روزی کرمانشاه مهد مردمان غیور و مرکز امید بیماران دیابت شود و دیگر هیچ عضوی از بدن جدا نگردد.

مقدمه

اختلال در اعصاب به‌خصوص اعصاب سطحی بدن نروپاتی نام دارد. اگر اعصاب حسی صدمه ببینند در دست‌وپاهای فرد احساس سوزن سوزن شدن و تیر کشیدن یا خارش ایجاد می‌شود؛ یا اگر ضعف در عضلات صورت گیرد اعصاب حرکتی آسیب دیده‌اند. علائم نروپاتی می‌تواند: خواب‌رفتگی دست و پا، حساسیت شدید پوست، عدم درک تغییر درجه حرارت بدن، زخم در پا و ساق پا، عفونت و گانگرن، تغییر در حالت ناخن و انگشتان یا سرگیجه به دلیل تغییر در فشارخون، عدم تحمل گرما، از دست دادن کنترل مثانه، باد کردن شکم، یبوست یا اسهال باشد. این مقاله مدیریت زخم در فرد دیابتی مبتلا به نروپاتی حسی را مورد بررسی قرار می‌دهد و اینکه روش‌های مدیریتی این‌گونه زخم‌ها توسط درمانگران زخم چگونه است.

بیمار مردی ۶۳ ساله با سابقه ژنتیکی دیابت نوع دوم، عمل جراحی قلب باز، مصرف انسولین و زخم در ناحیه کف پا است، هم‌چنین در چند سال اخیر به دلیل ضعف در عضلات به کمک عصا حرکت می‌کند و یک‌پا همیشه مسئولیت به کار انداختن پای دیگر را بر عهده دارد. در نتیجه کل وزن بدن بر روی آن پای فداکار است. چندی پیش از علائم بروز زخم، ایشان دچار یبوست شدید، تغییر در فشارخون، عدم تحمل گرما و عدم ایستادگی بدن بر روی دو پا شده‌اند و این زنگ خطر برای پای همیشه درصحنه به حساب می‌آید.

جلسه اول:

مادر خانواده متوجه زخمی در کف پای بیمار شده،

بیمار به دلیل عدم درک حس، متوجه نمی‌شود (علل اصلی ایجاد این زخم هنوز مشخص نیست اما به‌صورت تاولی که ترکیده شده باشد نشان داده می‌شود). نکته: هیچ‌وقت تاول را به‌طور کامل دبرید نکنید زیرا خود تاول به‌عنوان پانسمان محافظ عمل می‌کند. برای اقدام اولیه شستشوی زخم و پانسمان آن صورت می‌گیرد و حتی آنتی‌بیوتیک تراپی، اما به دلیل عدم همکاری بیمار این زخم سریع نکرده شده و عفونت می‌کند.

صبح روز شنبه ۲۹ آذرماه سال ۱۳۹۹ به متخصص عفونی جهت دریافت آنتی‌بیوتیک مراجعه نمودند و پزشک ایشان نظر به دریافت آنتی‌بیوتیک وریدی، تست ام آر ای و سونوگرافی از عروق گرفتند. گوشه من به صدا درآمد و پدر گفت سه روز آنتی‌بیوتیک می‌گیرم و برمی‌گردم، (به خاطر وجود بیماری پاندمیک کرونا) تو به بیمارستان نیا. اما من رفتم. روز بعد از پای ایشان ام آر ای گرفته شد و گزارش آن استئومیلیت انگشت پا بود.

کاش این آگاهی به پرستاران مناطق دور داده شود که هر زخمی با بتادین و گاز استریل خشک قابل درمان نیست و پیوسته علم در حال پیشرفت است. آن سه روز تا قبل از اقدام من زخم خشک شده بود و زیر آن لایه وسیعی از عفونت به چشم می‌خورد. محیط مرطوب باعث تسریع بهبودی زخم می‌گردد ما باید محیط مرطوبی را برای بهبود زخم فراهم کنیم. اقدامات در مناطق محروم:

لگن، تیغ بیستوری، کورت، دستکش استریل، سرم شستشو، گاز استریل. شاید باورتان نشود اما من فقط توانستم به کمک یک تشمت، سرم شستشو و تیغ سایز ۲۰ دستکش استریل از قبل تهیه‌شده این اقدام را انجام دهم.

ابتدا زخم را به کمک سرم شستشو و یک شامپو بچه که بدون سولفات بود شستم. پا ادم بسیاری دارد سلولیت کامل مشخص است، ایستادن بر روی پا غیرممکن است، آن‌قدر عفونت جمع شده که داغی قابل لمس است. در این شرایط باید سعی در کاهش بار بر روی پا را انجام داد عفونت باید تخلیه شود اما چگونه؟

زنگ‌های گوشه به صدا درآمده، من تعهد داده‌ام

پرستار شخصی باشم، پدرم پریشان است اما در ذهن خود بهترین کار را می‌کند آن هم امید به فرزند است. خواهان، اقوام، دوست و آشنا هیچ‌یک امید ندارند مادر پشت فرزند را گرفته است. به کمک مادر و دخترعمو به‌عنوان دستیار من، زخم را دبرید شارپ می‌کنم. خون در سطل جمع شده، هیچ‌یک نمی‌توانند این صحنه را هضم کنند؛ اما ادامه می‌دهم. استادم به من گفته دبرید شارپ بهترین اقدام جهت فعال‌سازی زخم است. دبرید را آغاز کردم و با لایه‌های وسیع از عفونت روبه‌رو شدم مانند چربی که به گوشت متصل شده؛ سفت و سخت، اما اینجا دبرید شارپ را متوقف کردم. کالوس‌های ضخیم اطراف زخم را برداشته و به کمک پماد آنتی‌باکتریال «زینک» آن را چرب نمودم.

روز دوم:

پزشک متخصص هر روز به دیدن پدر می‌آید و هر روز از روال کار رضایت دارد. من هم پانسمان‌های موردنیاز را تهیه کردم. صبح روز بعد در ساعت ۱۰ صبح پانسمان‌ها به دستم رسید گفته بودم زخم احتیاج به محیط مرطوب دارد باید مناسب‌ترین پانسمان را انتخاب نمود. پانسمان هیدروزورب: خیس خوردگی در اطراف زخم باید کنترل شود. درواقع ماسریشن اطراف زخم، زخم را استاپ می‌کند. از طرفی عفونت‌هایی که سفت و سخت شده‌اند تا حدودی باید با دبرید شارپ برداشته شوند، اما مابقی کار پانسمان‌های با خاصیت دبرید اتولیتیک است. پانسمان هیدروزورب از خیس خوردگی اطراف زخم به دلیل وجود تری‌گلیسرید موجود در آن ممانعت می‌کند و به‌راحتی بافت نکروز و اسلاف را دبرید می‌کند. پانسمان ژل سوربکت: این پانسمان در صورت وجود عفونت مورد استفاده قرار می‌گیرد و پاک‌سازی عمیق و خوبی دارد، از یک‌لایه ژل با پایه آب ساخته شده است، آنتی‌باکتریال است، عفونت قارچی هم برمی‌دارد. اقدام درمانی: به مدت چهار جلسه پشت سرهم هیدروزورب سرنگی و ژل سوربکت را به‌صورت مستقیم بر روی زخم قرار داده تا عفونت را به بیرون بکشند. سه‌شنبه هفتمین روز از درمان من است، کم‌کم به خودم امیدوار شده بودم اما قرار بود که برای بررسی عروق به کرمانشاه نزد متخصص برویم. دکتر ما را به متخصص عفونی در کرمانشاه معرفی نمود اما متخصص وقت نداشت. من به پایین پله‌ها آمدم اقوام با دیدن تصاویر پا، در دل بیمار و اعضای خانواده وحشت انداختند که این پا قطع شدنی است سریع‌تر برای درمان به یک شهر دیگر بروید. دلم لرزیده از دانشگاه مرخصی گرفته‌ام چشم امید اساتید به من هست چه کنم؟ یک تماس با استادم در ایران سرکار خانم صدیقه آقایی گرفتم. فقط گفتم که به نظر شما زخم یا بهتر نشده؟ گفتند: کار شما خوب است. من هم گفتم: خودتان به پدر بگویید ترسیده است. اقوام پیاپی به پدر متذکر شدند که باید بروی...

تاریکی شب چشمان گریبان پدر در پشت آینه ماشین عمومید پیدا بود. به خانه برگشتیم پدر باید به بیمارستان بازمی‌گشت، تنها جمله‌ام این بود: حاضر شو برویم یک شهر دیگر اصفهان... پدر گفت: فردا چهارشنبه است لاروها را ببیندار.

لارودرمانی: لاروها نوزاد مگس هستند که عفونت را می‌خورند و محیط زخم را عاری از اسلاف می‌کنند. زخم‌های عفونی که در آن بافته‌ای مرده «نکروز» وجود دارد، به کمک لارو حذف و درمان می‌شود. این روش درمان برای بیماران مبتلا به زخم پای دیابتی نیز کاربرد دارد لاروها را روی زخم به روش کاملاً استریل گذاشتم. شب حدوداً ساعت ۱۲ بامداد پدر پیغام صوتی گذاشته بود که لاروها مرا اذیت می‌کنند. درست است روش خوبی است اما هر بیماری تحمل وجود لاروها را به‌عنوان مهمان چندروزه ندارد. ساعت سه بامداد از خواب پریدم و پیغام پدر را گوش دادم، خدایا چه کنم! به هیچ جا دسترسی ندارم. تا ساعت ۶ منتظر ماندم و شش با بخش مردان تماس گرفته و به پرسنل گفتم سری به او بزنند اما دست به لاروها نزنند. هفت صبح خود را رساندم. لاروها آن‌قدر بزرگ نشده بودند اما کار خود را خوب انجام داده بودند.

روز یازدهم:

حالا که ترشح فعالی ندارد و کف زخم تا حدودی مشخص است باید یک پانسمان آنتی‌باکتریال، جاذب ترشحات و فراهم‌کننده رطوبت استفاده شود. اکواسل نقره: اکواسل نقره، پانسمانی جاذب، ضد باکتری و آغشته به نقره، بسیار نرم، استریل نواری و متشکل از هیدرو فیبر و یون نقره است.

نقره به‌کاررفته شده در این پانسمان، به نابودی میکروب‌های زخم کمک می‌کند. این پانسمان با جذب مایع زخم و باکتری به خود، ژل نرم و چسبنده‌ای را ایجاد می‌کند که دقیقاً مطابق با سطح زخم است، درنتیجه محیط زخم مرطوب می‌ماند. مرطوب بودن محیط زخم و کنترل باکتری‌ها، روند بهبودی را تسریع می‌بخشد و خطر ابتلا به عفونت را کاهش می‌دهد. به مدت دو هفته از ترکیب اکواسل نقره و ژل غسل مدی هانی استفاده شد. ژل غسل رطوبت زخم را فراهم می‌کند در زخم‌های سطحی عملکرد خوبی دارد؛ اما نیاز به یک پانسمان ثانویه برای انواع ژل‌ها است.

ژل غسل و اکواسل نقره (پانسمان اکواسل نقره) تا ۱۴ روز قابل‌استفاده است بعد از آن علائم بالینی باید بررسی شود. ربیون گاز: ربیون گاز و ژل غسل ترکیب خوبی هستند. مخصوصاً در حفره‌های دارای عفونت به‌راحتی ربیون اسلاف را بیرون می‌کشد و بر روی باکتری، قارچ تأثیرگذار است. برای زخم‌های حاد و شدید به‌خصوص زخم‌های شریانی و زخم‌های دیابتی ایدئال، برای زخم‌های حفره‌ای بسیار مناسب و برای زخم‌های قارچی در پوست یا بین انگشتان است وجود ساختارهای هیدروفوب در سطح سلولی این میکرواورگانیزم‌ها

شناسایی گردید.

زمانی که سطح سبزنگ پانسمان در تماس با زخم قرار می‌گیرد، میکروب در حضور ترشحات زخم به سطح هیدروفوب پانسمان متصل می‌شود. این چسبندگی سبب غیرفعال شدن میکرواورگانیزم‌ها شده و با هر تعویض پانسمان میزان آن‌ها در زخم کم می‌شود.

زخم به کمک ربیون گاز عاری از عفونت شد. حالا نوبت به پر کردن زخم می‌رسید برای تسریع در روند درمان، پی آر پی زخم را شروع کردیم. (یک جلسه پی آر پی) پی آر پی زخم: پی آر پی در واقع همان پلاسما درمانی است که روشی صد در صد طبیعی است. در این روش از پلاکت‌های خون خود بیمار برای جوان‌سازی بافته‌های آسیب‌دیده استفاده می‌شود. مقداری از خون بیمار را گرفته و با استفاده از کیت‌های مخصوص پلاکت خون را جدا می‌کنند. پلاکت‌ها بعد از جداسازی از خون غنی‌شده و سپس برای تزریق آماده می‌شود. پلاکت‌ها سرشار از انواع محرک‌های رشد هستند.

مرحله آخر درمان

لیزر درمانی: هرچند که بیماری نوروپاتی قابل‌درمان نیست، اما روش‌های مدیریتی وجود دارد که متخصصان پزشکی برای کمک به کاهش درد و ناراحتی‌هایی که این عارضه ایجاد می‌کند، توصیه می‌کنند. این روش‌ها، علائم را هدف قرار داده و زندگی روزمره را برای افرادی که از مشکلات حسی ناشی از نوروپاتی رنج می‌برند، قابل تحمل می‌کند.

در بیشتر موارد، نوروپاتی با داروهایی که هدف آن‌ها کاهش درد است، کنترل می‌شود؛ اما این داروها برای طولانی‌مدت راه ایده آلی نیستند. به این دلیل که استفاده مداوم از داروهای ضد درد بر کبد و کلیه اثرات مخربی دارد. یک روش مؤثر برای کنترل این بیماری درمان با لیزر است این روش با تحریک گردش خون در نقاط آسیب‌دیده کار می‌کند و برای رفع سایر علائم مرتبط با نوروپاتی دیابتی از جمله التهاب و بهبود زخم استفاده می‌شود.

۱. ندروفیت را آزاد می‌کند که باعث کاهش درد می‌شود،
۲. تورم را کاهش می‌دهد،
۳. باعث افزایش جریان خون می‌شود،
۴. باعث رشد مجدد بافت‌های عصبی شده و آن‌ها را ترمیم می‌کند.

درنهایت پوست‌های آسیب‌دیده ترمیم شدند و بافت زخم رو به بهبود است و من با صبوری والدین همکاری دوستان عزیز و اعتماد اساتید توانستم این پا را از امپوته نجات دهم. پای پرماجر مقاله ما با تمام روزهای تلخش و شیرین مداوا شد، پدر حالش رو به بهبود است و من تجارب فراوانی کسب کردم. این مقاله را نوشتم تا جامعه دیابتی امید خود را قطع ننمایند. دریای علم وسیع و هر معجزه‌ای در راه است. پروسه‌ی درمان زخم زمان‌بر است و صبر اعضای خانواده را برای همراهی بیمار می‌طلبد. در کنار هم باشید تا بتوانید از پس این امتحان‌ها بربایید.

همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

هدیه من به شما

پرداخت اولین قسط
دو هفته گانه وام بانکی شما

8250 Boul. Décarie # 150
Montréal, QC H4P 2P5
atosafar@gmail.com

آتوسا تنگستانی فر
514 995 3041



استاد شیدا قره چه داغی اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت



514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca

514-549-4697

معرفی شاعر

خالده تحسین، شاعر افغان در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته
با شعر فروغ زیستم و با نقاشی‌های سپهری گریستم

داستان

داستان کوتاه دری؛ دهن کی را ببندم؟

پشتو

زما د اتل د ژوند ربن تین ې کیسه

آریان

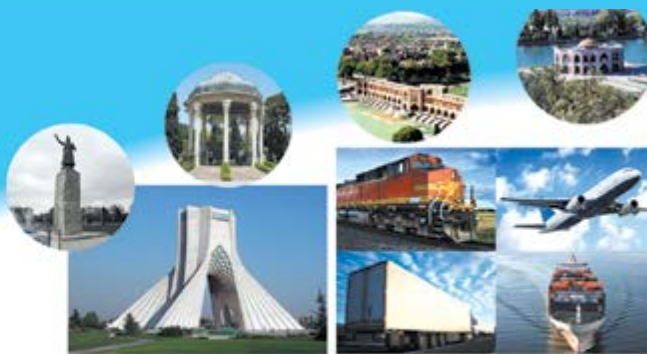
LOADEX TRANSPORT INC. شرکت حمل و نقل بین‌المللی

خدمات حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی
ایران، سراسر کانادا، آمریکا و سایر نقاط جهان
سرویس کامل حمل برای واردات و صادرات کالاها
نرخهای ویژه برای اضافه بار هوایی مسافران

www.loadextranport.com | info@loadextranport.com

Tel: 514-234-3399

Fax: 514-685-3168



سرویس هوایی به شیراز، تبریز، تهران، اصفهان، کرمانشاه و مشهد

خالده تحسین، شاعر افغان در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته: با شعر فروغ زیستم و با نقاشی‌های سپهری گریستم



«دیشب

برای بچه‌ها قصه خواندم

دیشب

برای تو شعر گفتم

و دیشب

برای خود گریستم»

این شعر از کتاب «دوهزار سال بعد»، مجموعه‌ی شعری «خالده تحسین» است. شاعری که شعرهایش پر از درد است و با روحیه بلند و نازک خیالی‌هایش به زیبایی شعرهایش افزوده است.

در این شعر خالده تحسین از عاطفه و مسؤولیت یک زن و یک مادر سخن گفته است گویی هستی دیگری ندارد جز آن که در هستی خانواده حل شود. این هستی فرزند است که هستی یک مادر و یک هم سفر را در مشرق‌زمین مفهوم می‌بخشد.

اندوهش را در پشت چهره پنهان می‌کند، با قصه‌خوانی‌هایش و با شعرگفتن‌هایش برای همسری که در کنارش نیست به زنده‌گی مفهوم می‌بخشد. این گونه شعرسرایی گریستن با خود است در تنهایی.

درجایی دیگری خالده تحسین از فراق و درد دوری شوهرش که در جوانی با زنده‌گی وداع گفت؛ چنین قلم زده و نوشته است:

از تاکستان خیالات

خوشه‌های غریب تنهایی را

می‌چینم

با طعم تلخ شکست

با رنگ اندوه

بی تو هیچ پرستویی

بهاری را مژده نخواهد آورد

و من

با هر اردیبهشتی

ترا خواهم گریست.

بی‌گمان شما هم درانتظار گفت و شنود با خالده تحسین این شاعر نازک خیال و با قریحه استید. آنچه با ایشان در میان گذاشتیم را در سطرهای پایین به خوانش بگیریید:

خانم خالده تحسین گرامی از چه زمانی به شعر رو آوردید و شعرهای تان چه وقت گل کرد؟

جوانی‌ام میان داستان‌هایی که به دست‌رسم قرار می‌گرفتند، گذشت. وقتی راهی دانشگاه کابل شدم و خودم را میان کسانی که با ادبیات و شعر سروکار داشتند یافتم، حسی غریبی مرا سوی شعر و سرودن کشاند. پاییز نخستین سال دانشجویی‌ام در دانشگاه کابل بود که شعر در وجودم موج زد و تا امروز مرا در تب و تاب نگهداشته است. پاییز نخستین سال دانشگاه مرا میان برگ‌های نشریه‌های همان روزگار پرت کرد. رفتن به انجمن نویسندگان و شرکت در نشست‌های کانون دوست‌داران مولانا و دیدار با استاد حیدری وجودی، شوق سرودن را بیشتر در وجودم بیدار ساخت.

انجمن اخلاقی فرهنگی که استاد گل احمد یما راه‌اندازی می‌کرد، زمینه‌ی بالیدن من و جوانه‌های دیگر شد. از همان سال‌ها با سروده‌های استاد واصف باختری، داکتر حمیرا نگهت دستگیرزاده، لیلاروشنی صراحت، نیما، اخوان ثالث، سپهراب سپهری و فروغ فرخزاد انس گرفتم. با واژه واژه‌ی شعر فروغ زیستم و با نقاشی‌های بیان سپهری، گریستم.

از نظر شما شعر چه است و با شعر چی دوستی دارید؟

آنچه آدم را به جست‌وجو وامی‌دارد و حتا نیمه شب‌ها، راحتش نمی‌گذارد و خواب و آرام را از او گریز می‌دهد، او را برای یافتن، بی‌قرار می‌کند و با هزار و یک درد از سینه‌اش بیرون می‌شود، شعر است. حق انتخاب قالب و وزن را برای سروده‌هایم گذاشته‌ام، شعر همان دوستم است که مرا در استدیو و پشت میز کار هم تنها نگذاشته. فقط آنچه در مورد خود می‌دانم اینست که دیدن یک پرنده و یک شاخه گل می‌تواند روزی را برایم بسازد و ریختن یک برگ بی‌هنگام هم تمامی هستی‌ام را می‌تواند ویران ویران کند.

بسیار اتفاق افتاده که تاریکی‌های شب، سروده‌هایم را غارت کنند. بار بار سروده‌هایم را در دل شب‌ها نگاه داشته‌ام.

در شعرهای تان درد دیده می‌شود آیا درد زاده‌ی

شعر است و یا برعکس؟

دیدگاه و برداشت آدم‌ها از پیرامون‌شان متفاوت است. از دیدگاه من شعر زاده و پرورش یافته‌ی درد است. گاهی که ما خیلی شادیم، کمتر شعر و سرود به سراغ ما می‌آید؛ ولی گاهی که آشفتهدل و پریشان‌حالیم و سرگردان گم‌شده، همین یار و همدم است که ما را سوی خود می‌کشاند، دست در دست ما می‌دهد و ما را از کوچه‌باغ‌های حیرت، بیرون می‌کشد و با خود می‌برد.

راست است که سروده‌هایم بوی درد می‌دهند. چرا ندهند، مگر من کودکی و جوانی‌ام را میان دود و خشم جنگ سپری نکردم، مگر حالا فرزندانم تاریخ و روزگار مشابه را تجربه نمی‌کنند؟

حتی عاشقانه‌هایم دردناک‌اند، مگر نام دوم عشق، درد نیست؟ حقیقت اینست که بدون عشق یک لحظه را به سر نبرده‌ام و زنده‌گی فقط در پیوند این واژه برایم مفهوم یافته است و بس.

شاهد بوده‌ام که عشقه پیچان‌های مهر هر پگاه از دیوار هستی‌ام سر بلند کرده و آفتاب زنده‌گی را سلام داده‌اند. با همه نامهربانی‌های روزگار ساخته‌ام و چون پیرو مکتب رند شیرازم، این سخن او ورد زبانم بوده است: «از بخت شکر دارم و از روزگار هم»

به نظر شما شعر گفتن قابل یادگرفتن است یا یک

پدیده‌ی ذاتی‌ست؟

انسان موجود جست‌وجوگر است. همیشه برای یافته‌های نو، تلاش می‌کند. می‌خواهد بیاموزد و پیش برود؛ با این همه تلاش اگر بخواد شاعر شود، دور از امکان نیست؛ ولی لازمست انگیزه و شور طلب و درد درونی و حس یافتن متفاوت داشته باشد. با آموزش علم عروض و وزن و قافیه، نمی‌شود شاعر شد.

وضعیت شعر جوان کشور به نظر شما چگونه است؟

در وضعیت نابه‌سامان و ناجور این جغرافیا هنوز هم امید به شعر و شاعر جوان وجود دارد. جنبش و تکاپوی بزرگی در عرصه شعر میان جوانان دیده می‌شود. دشواری اینست که زمینه‌های رشد و پرورش این جوانه‌ها کمتر مهیاست. همه

به گل‌های خودروی می‌ماند که حسرت دست باغبان، ورد زبان‌شان است.

از نظر شما بزرگ‌ترین آسیبی که شعر جوان را تهدید می‌کند چیست؟

آسیب‌شناسی شعر جوان افغانستان بحث بزرگ است و دلایل مختلف باعث شده تا شعر جوان ما آسیب ببیند و آسیب‌پذیر باشد. به نظر من بزرگ‌ترین علت، بیگانه‌گی با فرهنگ و ادب و شعر پر بار کلاسیک ماست. کمتر جوانان ما آگاهانه به این فرهنگ گش‌نبیخ رو می‌آورند و از آن بهره می‌برند.

به عنوان یک شاعر انتظار دارید در شعر به چه افقی دست پیدا کنید؟

راستش من کسی هستم که همیشه درد آدم روزگرم را

نالیده‌ام. از روزی که خود را شناختم و در این جغرافیا، بالیده‌ام، شاهد رنج انسان این سرزمین بوده‌ام. همیشه برای این امر مهم بوده که حس درونی و انسانی را فریاد بزنم. حالا که در اوج حادثه و موج ناملایمت روزگار، غوطه می‌خوریم، دیدن افق‌های دور به خواب و رویا می‌ماند. هرچند در زنده‌گی عملی خیلی مثبت‌نگر هستم.

از دید شما شعر زنانه چیست و آیا شعر زنانه و مردانه دارد؟

شعر را حس درونی شاعر و پرداختن‌اش از فضا و احوال بیرونی با همان تصویرها و دیدگاه‌های ویژه، مشخص می‌سازد که سراینده زن است یا مرد. وقتی من از حس زنی که در میان سرودهایم نفس می‌کشد، تصویر می‌دهم و از نگرانی مادری که در عمل احساس می‌شود، حرف می‌زنم، پس این حس و چگونه‌گی تصویر داندن است که

مشخص می‌سازد سراینده یک زن است.

جنگ خوا مخواه بالای شعر شاعر تاثیر دارد؛ شما جنگ افغانستان را با شعر شاعران آن مرز و بوم چگونه بررسی می‌کنید؟

شعر امروز این سرزمین همه بوی آتش و دود می‌دهند. وقتی کنار خیابان‌های که ما همه روزه از آنجا رد می‌شویم، انفجار و انتحاری رخ می‌دهد، پس بی‌موجب نیست که من می‌نویسم:

گیسوئام
بوی آتش و دود می‌دهند
از کوچه‌های جنگ،
گذشته‌ام.

خانم خالدہ تحسین گرامی از شما سپاسگزاریم.

جمیله هاشمی

بخش اول

به خدا نمی‌دانم، اصلاً به یادم نیست؛ گویی خوابی دیده‌ام که هیچ سروته‌ی ندارد. بعد از سکوت ممتد با ترس‌ولرز گفتم:

بیا نزد کسی برویم که این بچه را سقط کند. شفیقه با همان حالت خشماگین فریاد زد:

احمق! کی خون یک زنده جان را به گردن می‌گیری...؟
گفتم:

زنده جان یعنی چی؟ این زنده جان جان همه‌ای ما را گرفته است. چشمان شفیقه راه کشید و نیمه ذوق‌زده

گفت:

راست می‌گویی، باید این کار را بکنیم. ورنه مردم با حرف‌هایشان تیرباران مان می‌کنند. مگر تو هم قول بده که نفرش را معرفی می‌کنی.

دهن عمه که نم‌کش کرده بود و همه‌جا جار می‌زد؛

هالی و موالی و حسن دیواری از وضعیت من خبر کرد؛

که حتی موقع فکر کردن برایم داده نشد. چشمان از حدقه برآمده و گره چیناچین پیشانی پدرم تن و بدنم را تکان می‌داد و طرف هیچ‌کس نگاه نمی‌توانستم.

وقتی زن‌های همسایه از در و دیوار سرک می‌کشیدند؛ یقینم ثابت‌تر می‌شد که تشنه رسوایی‌ام از بام با

سروصدای بلند افتاده که نیش‌های زنده‌تری در قبال دارد. شور در شهر افتاد و همه به بهانه‌ای به دیدن

قیافه‌ای منحوس من می‌آمدند و خنجر خجلت عمیق‌تر بر روح و روانم فرومی‌رفت. هرکس با نفرت و دهن کجی

طعنه‌آمیز، توبه‌توبه‌کنان منزل ما را ترک می‌کرد. خانم کاکایم با تمسخر گفت: همه مردها گل‌خور هستند...

ادامه دارد

دهن کی را بندم؟

حالا که درس‌ات را تمام کردی چی برنامه داری؟ آه از نهادم برآمد و گفتم: ای کاش قبلاً کابل می‌آمدم... ثریا دستی به پشتم کشیده گفت: دوست عزیزم! زمان به عقب برنمی‌گردد. پیش رویت را نگاه کن.

گفتم: مگر امروز ما زاده‌ای دیروز نیست؟ دیروزی که شرم امروزم است.

آن گاهی که همه به من نگاه می‌کردند و من بر زمین... عرق خجالت بدنم را تر کرده بود و گوشت‌های سفت و محکم جوانی‌ام را ذوب می‌کرد.

خواهرانم با نفرت و ترحم به من نگاه می‌کردند، مادرم دست زیر الاشه می‌نشست و حرف‌های نیش‌دار همسایه‌ها و قوم‌و خویش را که تا عمق روانش تأثیر می‌کرد می‌شنید، آه از نهادش بیرون می‌شد و از به دنیا آوردنم ندامت می‌کشید.

او گاه‌گاهی دست بر روی شکم من می‌کشید و بدون حرف و کلامی سر شور می‌داد و اشک از شیارهای رخسار زرد و استخوانی‌اش سرازیر می‌گردید؛ و پدرم را هزاران کارد می‌زدی، قطره خونی از تنش بیرون نمی‌شد.

کمر صلابت پدری را شکستم که تا آن دم از عزت‌اش محافظت کرده بود، بدون اینکه کاری برای من یا آبروی رفته‌اش بتواند، دود از دماغ‌هایش تراوش می‌کرد و رنگش سیاه و دودی شده می‌رفت.

آن حالت برای من حکم مرگ داشت، مرگ با مشقت و طاقت‌فرسا...

قضیه بر بادی ما از یک تصور غلط شروع شد و... راست گفته‌اند: «دشمن دانا بلندات می‌کند، بر زمینت می‌زند نادان دوست.»

عمه‌ای پیر مادرم که به قول عوام برای پرندگی‌های هوا حرف می‌کشید؛ گاه‌گاهی به خانه‌ای ما می‌آمد، بدون ملاحظه سرش را به گوش مادرم نزدیک نمود و چیزهای گفت که رنگ مادرم به‌مثابه‌ای سان سفید پدید و به دیوار تکیه داد.

عمه پوزخندی موفقیت‌آمیز زد و با طمطراق سرش را بالا گرفت. بعد بلندتر گفت:

راست میگم، من تجربه‌ای یک‌عمر دارم. همین که زن را ببینم، می‌دانم که احوال درونی‌اش در چی متوال است.

بعد از تأیید حرف‌های افتخارآمیز خودش گفت:

من از چشمان گودرفته، شکم برآمده، از استفراغ و دل بدی و از بی‌حصوله‌گی‌اش می‌فهمم. مادرم که به لاشی بی‌حرکتی مبدل شده بود؛ جرئت کرد که دست عمه را گرفته وی را از اتاق بیرون نماید.

پدرم که به حرف مادرم کرده بود و صدایش را به خاطر دامن بالا زدن خانواده بلند نمی‌کرد، کم بود انفجار نماید. خواهر بزرگ‌ترم دستم را گرفت و کشکشان مرا به بام منزل ما بُرد تا بدانند که من چی غلطی کرده‌ام.

سنگ آسمانی بر سر همه باریده بود. شفیقه کنارم نشست، موهایم را همچو قوده‌ای هیزم کش کرد و با ترش‌رویی گفت:

بدبخت اقلّاً بگو که کدام شیر حرام خورده این بلا را بر سر تو آورد که همه‌ای ما را بدنام نمودی؟

خودم که بیشتر از دیگران عرق شرم می‌ریختم گفتم:

آیا لگدهای محکم و فریادهای توهین‌آمیز پدر زبانم را باز کرد که تو...؟ شفیقه بار دیگر بازویم را فشرده که دردم گرفت و زبانم ناخودآگاه از کامم جدا شد. صدای از حلقومم بیرون جهید:

زما د اتل د ژوند رښتینې کیسه



نه پریږدی، زه ورغلم د پلاره سره می خبری وکړې او هیله می ځنی وکړه چه د گلدوزی د کار تر څنگ اجازه ورکړه چه خپلی زده کړی هم بشپړی کی تر ډیرو هلو ځلو ورسته پلار پی راضی سو خبره پی راسره ومنل چه هلک هم په دی خبره ډیر خوش سو. دا ځل چه دی نوی ځوانی او اته لس کلنی ته رسیدلی وو. څرنګه چه ما د شاه دوشمنشیری د لیسې د سرښوونکی سره پیژندګلوی درلود. له هغه می ورته معرفی کړ. سرښوونکی راته وویل څرنګه چه دی اوس اته لس کلن دی نو په اومه ټولګی کی پی نه سو داخل کولای او دا یو مشکل د تذکرې دی نو ما فکر وکړی چه د یوه ځل لپاره تقلبی کار وکړم هغه دا چه؛ دی به راز پټ ساتی زه به د ده د کشر ورور چه د شپارس کالو وو تذکره ورکړم نو سرښوونکی دا خبر راسره ومنل چه مننه می ځنی وکړل. نو زه په مستعار نوم لیکم چه دی «زرگی او کشر ورور پی ځلمی» بلل کیدی ترڅوی پی دی د ځلمی په نامه په اووم ټولګی کی داخل کی د هغې ورځی راهیسی دی د ځلمی په نامه یادیری. دا ځلمی چه هم پی خپل تلاش او هم د مور او انا د دعا په برکت وو ډیر تکره او خواری کسځان ځنی جوړ سوی وو. ځکه د دکان د کار تر څنگ پی خپلی زده کړی هم په پوره همت پر مخ بیولې. پاته دی نه وی چه په دغه کلونو کی زه د افغانستان د کرنی پراختیا بانک کی په دنده بوخت وم په تش معاش گذاره سخته وه نو یوه ورځ ځلمی ځوان راته وویل چه کاکا زه به گلدوزی د زده کړم څرنګه چه زما د پاره دا خبره د خوند وه خوښه می سوه او بازار ته سره ولاړو د گلدوزی ماشین او نور سامان می واخستی چه په دی کار سره زه سوم یو نقاش گلدوز خو ځلمی ځوان به همیشه راسره مرسته کول په دی حساب زه د ده منندو په یم او دی ماته د استاد حیثیت لری. یوه خبره رښتیا ده چه وایې هنر زده که لور پی کښیږده یو وخت په کار راځی نو زه هم د دغه هنر په برکت کله چه مهاجرت ته مجبور سوم دولس کاله د دغه هنر په مرسته می ښه گذاره وکړه. په دغه دوران کی د ځلمی پلار بل واده وکړ او دخپل خسر سره

پی د کور غړی په خبر سول کندهار ته د جنگ د پاره لیږلی وو. د کورنی د غمیزی حالات له دغی ورځی بیا پیل سوه کورنی پی بی سر پرسته پاته سوه او د بل پلوه د سر تیرو د مکلفیت او احتیاط دوره دیوه کال څه دوه او د دوو څه درې او د درې څخه څلور کالو ته وغځیده د کور مشر تر څلورو کالو پوری په کندهار کی پاته سو. خو د ښه بخته د جنگ د حالاتو ژوندی راووت. د اولادو او میرمنی ژوند ورځ تر بلی د پریشانی سره مخامخ کیده. پدغه ترڅ کی د کورنی نیا یا د مور مور خپل لور او لمسیان د ځان سره مزارشریف ته بوتلل او د کپی څه سامان پی زموږ کوره امانت پرېښا وه. نژدې دوه کاله ورسته نوموړې میرمن په داسی حال کی چه ډیره سخت ناروغه وه د خپلی مور سره زموږ کورته راغلل دا میرمن چه د څلورو پنځو اولادو مور وه داسی معلومیدل چه د ډیر لږ عمر ده مورپی ویل چه پلار پی په جنگو کی شهید سو زه مجبوره وم نجلی می په کم عمر کی واده کړل. په هر صورت د ناروغی حالت نور هم خرابیده د سر د درد او تپی څخه پی ډیر شکایت درلود څو زما د یوه دوست ډاکتر په مرسته می هغه د ابن سینا روغتون کی داخله کړه تر معایناتو ورسته څرګنده سوه چه د وینی سرطان لری زه په رښتیا چه ډیر خواشینی سوم او فکر می وکړ چه دا هم د ژوند دکرکیچنو حالاتو اثر دی ځکه دیوی خوا بیګسی، ناداری او د کور د مشر نه شته والی دا هر څه د دغی ناروغی سبب گرځیدلی دی. په ډیری خواشینی چه عمر یاری ورسره و نه کړه ټول امیدونه پی د ځانه سره گور ته یوړل او ځوانی مرګه سوه. تر کلونو ورسته دکور مشر پی د عسکری څه خلاص او کابل ته راغی. زموږ کور ته نژدې پی یو کور ونیاوه کورنی پی له مزاره بیرته کابل ته راوستل خپل د گلدوزی دکان پی خلاص کړ د کورنی مشر زوی چه څه موده په مزار کی په لوست بوخت وو بیا د ښوونځی څخه لیری د پلار سره په گلدوزی مکلف سو یوه ورځ چه ما ولیدکی ورته ومی ویل چه ولی دی ښوونځی پرېښوول ده وویل چه پلار می

د دیارلس سوه شپېتمی لسیزی لومړی کلونه وه، په هیواد کی مو تازه د جنگ اورونه بل سوی وه. د وخت چارواکو د سرتیرو په کرنیو کی د لا جلب د پاره په ډول ډول بهانو ځوانان و عسکری خدمت ته کشول. چه اکثراً د وطن بچیان په جنگ کی د مرګ د اژدها په خوله کی لویدل څو. بختور به وه چه د جنگه به سالم و کور ته راستنیدل. ډیری کورنی د غم پر کمبله کښیناستی او بی د سر د سړیو پی د ژوندانه ترڅی شپې سبا کولې. د دغی ډلی څخه یوه هم زما په گاوند کی د دغه سی کورنی کیسه ده. څرنګه چه د جنگ په وچه د لیری ښارونو او کلیو څخه ورځ تر بلی و پلازمونی ته د هری لوری کپی را روانی وک. زما څنگ ته زما د خوښینی کور می یو چاته په کرایه ورکړ، چه د کور مشرپی د کابل په شور بازار کی د گلدوزی دکان درلود. فکر کوم چه د مزار شریف سربل اوسیدونکی وه. کورنی پی دوه د لیر عمر هلکان او دوې کشری نجونی درلودې. مرسته می ورسره وکړل د کور مشر زوی مو ښوونځی ته داخل کړ. څه وخت ورسته د بده مرغه دی پی د ښوونځی څخه بیرته وایست او په دکان کی پی د گلدوزی او نورو چارو باندی پی بوخت کړ. د دوی د هستوګنی خونې زموږ ځوانه نژدې وې نو ځکه د گلدوزی د ماشین اواز به مور ټوله ورځ اوریدکی چه د کور میرمنی پی د کور د کار او اولادونو د روزنی تر څنگ د گلدوزی مرسته هم د خپل سړی سره تر سره کوله ژوند پی په نسبی توګه بد نه وو. یوه ورځ بده پیښه دا وه چه د جلب او جذب چاری نوری هم گړندی سوې ورسره جوخت د احتیاط دوره هم پیل سوه. د ښار په هره ګوښه کی چه به ځوانان په لاس ورتلل په زور به و «کنکد تجمع» ته بیول کېدل او د هغی لوری به د افغانستان د هری نقطې د جنگ و لومړی کرنی پی ته استول کیدل. یوه ورځ چه زما گاوندی د خپل دکانه د کور په لور را روان وو، د جلب د سرتیرو په لاس ورغی بیله دې چه کورنی په خبره وک نوموړی پی د تجمع مرکز ته او ده هغه ځایه چه ډیره موده مرسته



د پلار د عاطفې څخه هم محرومه وو، د کورنۍ بېتيمان ورته پاته وه. دا وخت چه د خپل زيار نتيجه يی څکلې وه بخت هم هره ورځ ياری ورسره کول. د مزارشريف يو نامتو کورنۍ دوستی ورسره کړيوه يعنی واده يی هم کړيوو. څه وخت ورسره چه خبر راورسیدک د هغه د خسر کورنۍ وه بهر ملکونو ته مهاجر سویوه او نوموړی د ميرمنی سره يو ځای ورسره وو. څرنګه چه مور هم په دې ورستيو کی وکاناډا ته را مهاجر سوو، يوه ورځ می د انټرنټ د لاری پیغام ترلاسه کړ چه دغه ښاغلی خوشيختانه په کاناډا کی اوسیدری که څه هم ښارونه مو ډیر سره لیرې دی خو، زړونه مو د پخوا په څیر سره نژدې دی.

نو په دې پیغام او اړیکو ډیر خوشحاله سوو دا داسی ښکاری لکه کلونه چه می څه ورک کړيوه او اوس می پیداکړه کله کله اړیکه ورسره نیسم او د زړه خواله سره کوو سره ومو ویل چه انشاءالله یوه ورځ به د نژدې سره وګورو اوس فعلاً خو د کرونا بلا خپره ده. دا کرونا سخته بلا ده چه یار د یاره په ژوندون جلا کوینه. اوس ډاکټر صاحب ځلمی د خپلی میرمنی او څلورو اولادو سره د کاناډا د ونکور په ښار کی د ژوند شپي او ورځی سبا کوی. زه ده او کورنۍ ته یی د لا بریا کامیابه ژوند اورد عمر او روغ صورت هیله لرم.

کورنۍ می مزارشريف ته کوچیدلی وه چه ورسره بیا پېښاور ته راستنه سوو په دغه ترڅ کی کلونه تیر سويوه. د خوښینی خبر چه مو تر لاسه کی ډیر خوشحاله سوو وروسته بیا مور د هغوی ولیدو ته پېښور ته ورغلو. یوه شپه هغی راته کیسه وکړه راته ویویل چه یوه ورځ په مزار کی ښایسته ځوان چه ښکلی جامی یی هم په ځان کی وې پوښتنه را څخه وکړه چه ته د خاله خور نه یی (ده زما میرمنی ته خاله ویل) ما ورته ویویل بلی مګر ما و نه پېژندې ده ویویل زه زړګی یم د خاله د کور ګاونډی چه اوس می زده کړی پای ته رسولی دی او د طب پوهنځی می لوستې ده. هغه ډیره لیوالتیا درلوده چه ستاسی پته ورکم خو ما هیڅ پته نه درلوده صرف دومره خبره وم چه تاسی په کراچی پاکستان کی ژوند کوی.

د خوښینی په دی خبر می نابیره می احساسات را و پاریدل اوسنکی می د خوښۍ سره یو ځای سوې دا په دې چه فکر می وکړ یو وخت چه هغه ونه د وچیدو او وېرانیو د حالت سره مخامخ وه، زما په لړ مرسته پروڼ وژغورل سوو او نن یی ثمر ور کړیدی، دی زما په سترګو کی د یوه اتل په څیر وځلیدی ځکه دی په ژوند کی د ډیرو ناخوالو سره تر آزمونی بریالی راوتلی وو، د مسکنت او ناداری شپې لیدلی وې د مور مینه یی د سره تللې وه.

په ګڼه اوسیدک کورنۍ یی ورسره خو کشره لوری انا د خپلی نامرادی لور په څیر په کم عمر بیا هم د مجبوری له کیله په مزارشريف کی واده کړيوه.

یوه ورځ چه نه پوهیږم په څه خبره د ځلمی د خپل پلار د خسر سره خبره وړانه سو یوه ځلمی ځوان چه په لړ عمر کی ډیری ناخوالی لیدلی وې صبر او حوصله یی پای ته رسیرلې وه. په یو دوه ویلو سره یی چاره د سپین ږی خسر په بدن کی ښخه کړه په نتیجه کی سپین ږی روغتون ته ولیږل سو او ځلمی د دارالا تأدیب یا د کم عمره مجرمینو زندان ته ولاړی. تر څو ورځو ورسره سپین ږی ومړ، کورنۍ یی د هلك سره دعوا شروع کړه یوه ورځ زه هم د ځلمی لیدو ته ورغلم او ډاډ می ورکړ چه انشاءالله خیر به سی. نو خوشيختانه چه د ده تذکره او د ښوونځی اسنادو له رویه دی زړګی نه بلکی ځلمی وو او عمر یی شپاړس کاله کیدی که څه هم د مقتول کورنۍ ډیر تلاش و کی چه دا وښیی دی زړګی او د اته لس کالو دی په هرصورت ځلمی سره بخت یاری وکړل او لړ وخت ورسره آزاد سو زه په دی خوشحاله وم چه دغه د لور همت او کلک هو ډ څښتن شکر دی دبر بادی د کندي څخه راوگرځېدی.

کلونه پرله پسې تېرېدل دغه ځوان چه د پلار سره یی اړیکی چندان ښه نه وه خپلو درسو ته ادامه ورکړه.

له بده بخته ۱۳۷۱ کال راغی کورنۍ جنگونه شروع سوو د کابل ښاریان او کورنۍ ټوله دانه دانه د سېلنیو د دانو غوندی هرکی لور ته و پاشل سوو چه د آخرت د ورځی په شان مو یوه لمبه احساس کړه ښار مو په کنډواله بدلیدی پرسر مو د راکټونو باران وو هر څه مو تر خاورو لاندی سوو. ورور د وروره خبر نه وو پلار د زویه خبر نوو هر څوک پر هرکی لوری سرگردانه او لالهانده سره ورک سوو د هغو دوستانو څخه چه په کابل ښار اوسیدل بی خبره یو سهار وختی د کوره نا امیده بی سر پناه او بی هدفه راو وتلو هر څه مو پر خپل ځای پریښوول چه ورسره مو د کور ټول مالونه چور او تالا سوو مور په دی فکر چه یو دوکی شپي به سر خوندي کو خو نصیب داسی چاری راسره وکړی چه دولس کاله په پاکستان کی مهاجر پاته سوو دخپلی کورنۍ او دوستانو څخه مو احوال نه درلود څه دوستان و ایران ته او نور بیا پاکستان او په د ننه افغانستان کی وخوندي ځایونو ته کډه کړيوه، دخوښینی



ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

اجاره آپارتمان دو خوابه

با تمام امکانات، پارکینگ، استخر، سونا، سالن ورزشی

الکتریسیته و شوفاژ، ۵ دقیقه با ترمینال پاناما و مرکز خرید

438-396-8107 champlain / برای اول فوریه



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths

در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694

khaterehyekta@yahoo.ca

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate



360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

آتوسا تنگستانی فر

VANTAGE

514 995 3041

همراه با شما در خرید آگاهانه همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

هدیه من به شما پرداخت اولین تسط دو هفته گانه وام بانکی شما

8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P6
atosa.tfar@gmail.com

Artistic Men Haircut
by Sirous



متخصص

مدلهای هنری

برای آقایان

514-240 1493

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT

Gestion Financière Loyale

5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

Pharmacie
Golnasim Riahi

داروخانه، دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



آشپزی

کوکي قهوه

سخن ستارگان

صفحه‌ای برای تفنن

سرگرمی

طنز و حکایت

خانواده و سرگرمی

4			9				7
7	6	5			1	9	
	8		6		2		
2				1	3	8	6
		8				1	
5	6	7	9				4
			1	9		6	
		3	8			5	9
1				4			8

◀ نرمال

4	6	2		3			1
7			1				2
5				6			7
		1					3
		7		2		5	
	4					7	
3				9			2
	7				3		9
8				5		1	7
							3

◀ متوسط

						6	9
				7			2
8	1		9		4		
9				8	2	4	
		5				8	
		4	6	3			1
			4		1		5
5				6			
		9	2				

◀ سخت

		4	9				
		2	3			6	
5		8					3
4				7			3
				2			5
9	7			1			4
2						9	6
		7				3	8
					4	5	

◀ خیلی سخت

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

مهسا عباسپور



جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

کوکوی قهوه

مواد لازم

۱. آرد سفید
۲. تخم‌مرغ
۳. کره گیاهی
۴. شکر
۵. نشاسته
۶. آب جوش
۷. پودر کاکائو
۸. وانیل
۹. بیکنگ پودر
۱۰. قهوه ترک



«کوکوی» یکی از جذاب‌ترین شیرینی‌ها برای سرو در کنار چای یا قهوه است. یکی از قابلیت‌های این شیرینی مدرن، امکان پخت آن با انواع مغزها و طعم‌ها است. در این شماره از آشپزی هفته دستور پخت «کوکوی قهوه» را آموزش می‌دهیم. این کوکی ترد و خوشمزه می‌تواند یک انتخاب خوب برای پذیرایی از میهمانان در عید نوروز باشد.

طرز تهیه

کره را از یک ساعت قبل در محیط قرار دهید تا به دمای محیط برسد. تخم‌مرغ و کره را با همزن برقی مخلوط کنید. شکر را اضافه کرده و با همزن بزنید تا کرمی شود. کمی از آب جوش به نشاسته اضافه و مخلوط کنید. دقت کنید که اصلاً رقیق نشود. پودر کاکائو، وانیل، بیکنگ پودر و نشاسته را به مواد اضافه کنید. قهوه را به مواد اضافه کرده و با همزن مخلوط کنید. آرد را به مواد اضافه کنید تا حالت خمیر پیدا کند. از خمیر به اندازه گردو برداشته و گرد کنید و در سینی فر که از قبل کاغذروغنی انداخته‌اید با فاصله بچینید. سینی را به مدت ۲۰ دقیقه در فر با دمای ۱۷۰ درجه قرار دهید. کوکی‌ها را پس از خنک شدن از سینی جدا کرده و در ظرف سرو بچینید.

نکته: با توجه به بافت متفاوت آردها، اگر با این میزان آرد، خمیر شما همچنان چسبیده بود، کم‌کم به آن آرد اضافه کنید تا خمیر شما شکل بگیرد.

نکته مثبت هفته

آدمی هر صبح به امیدی چشم‌باز می‌کند، امیدی که شب قبل در خود نمی‌دیده؛ این خاصیت نور است.



فال شما برای ۴ تا ۱۰ مارس / ۱۴ تا ۲۰ اسفند



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

شما فرد مقتصدی هستید و قدر ارزش‌های خوب را می‌دانید. انرژی سیارات این بار در یکی از خانه‌های پول شما متمرکز می‌شود و بخصوص بر درآمد فردی دیگر که به شما وابسته است و در نتیجه بر درآمد شما تأثیر می‌گذارد. از طرفی عقب‌نشینی عطارد برای برخی از شما فرصت تکمیل معاملات و مسائل مربوط به ارثیه را به همراه دارد. می‌توانید انتظار دریافت وجهی از طرف دولت یا مالی باداورده را داشته باشید.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

تبادلات انرژی بین سیارات این هفته در مقابل برج شما انجام می‌شود و به همین دلیل باید انتظار ارتباط با دوستان قدیمی و افراد فامیل را که مدت‌هاست ندیده‌اید، داشته باشید. این افراد خاطرات زیادی را در ذهن شما زنده می‌کنند. علاوه بر آن فردی برایتان سورپریز داشته و شما را غافلگیر می‌کند. شاید آن فرد همسر شما یا دوستی قدیمی باشد اما به هر جهت باعث احساسی خوب و خوشحالی شما می‌شود.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

قطعا بر شغل و سلامت خود تمرکز دارید. ممکن است در خصوص هر یک از این دو موضوعی غیرمنتظره اتفاق بیفتد. شاید خواهان آزادی بیشتری در رابطه با کار خود باشید و این حس استقلال کمی حالت طغیان پیدا کند. مشکلات فنی و تکنولوژیکی هم همیشه وجود دارند. با این وجود موارد خوبی هم در ارتباط با کار و سلامت به سمت شما در حرکت هستند. برای برخی از شما در خصوص شغل سفرهای کاری انتظار می‌رود.



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

از دوستانی که مدت‌ها آن‌ها را ندیده‌اید، خبر خواهید گرفت. به احتمال زیاد این اخبار سورپریز یا موضوعات غیرمنتظره را برایتان به همراه دارد. شاید هم سورپریزی در مورد درآمد یا ملک خاصی که مالکیتش را دارید دریافت کنید. به هر جهت خبر برای شما خوب خواهد بود. برای برخی از شما ممکن است رابطه‌ای با فردی مقام دار آغاز شود. این ارتباط دوام زیادی نخواهد داشت و باید از حد خاصی فراتر نروید.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

ممکن است کاری از رئیس شما، یکی از والدین یا فردی مقام دار سر بزند که شما را غافلگیر کند؛ و در عین حال از دریافت چیزی، شاید مالی باداورده، لذت می‌برید. اتفاقی نام شما را بر سر زبان‌ها می‌آورد و موردستایش قرار می‌گیرید. علاوه بر آن، عقب‌نشینی عطارد رؤسا، والدین، معلمین قبلی و افراد مقام دار را جذب شما می‌کند. ممکن است آن‌ها برای تبریک به شما نزدیک شوند. در کنار تمام این اتفاقات خوب، آرزوی سفر را در سر می‌پرورانید.



متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

شرایط کمی پیچیده است، زیرا می‌خواهید انرژی خود را صرف سفر و ماجراجویی در خارج از محل زندگی کنید، اما در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. با این وجود سورپریزی خواهید داشت که باعث تغییر ناگهانی در شرایط حقوقی، پزشکی یا تحصیلات عالی شما خواهد بود. حقیقتاً فرصت‌های بسیار خوبی برای توسعه شرایط زندگی شما وجود دارد اما عواملی آن‌ها را به تأخیر می‌اندازند. عقب‌نشینی عطارد فرصت تمام کردن پروژه‌های قدیمی را برایتان فراهم می‌کند.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



به دلیل آنکه امسال برای شما تمرکز بیشتر بر ثروت و دارایی است، تبادلات انرژی بین سیارات هم بر مسائل مالی و دارایی شما تأثیر می‌گذارد. عقب‌نشینی عطارد تأخیر در دریافت چک را به دنبال دارد. مذاکراتی که قرار است انجام شوند با تأخیر صورت می‌گیرند. در عین حال حادثه‌های غیرمنتظره هم رخ می‌دهد. ثروتی بادآورده یا فرصتی برای افزایش درآمد خواهید داشت. این هفته شدیداً خواستار چیزی هستید. سعی کنید درست انتخاب کنید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



هورا! تقریباً تمام تبادلات انرژی بین سیارات در موقعیت شما اتفاق می‌افتد. انتظار دیدار دوباره دوستانی از قدیم را داشته باشید. شاید در این میان محبت و دوستی بیشتری هم بین شما ایجاد شود. چیزی در ابتدای هفته شما را شگفت‌زده می‌کند. هر چه که باشد شادی آور است و گنجینه‌های خوب برایتان خواهد داشت. شاید فرصت‌های بهتری برایتان پیش آید. برخی از شما شدیداً به دنبال چیزی هستید. موفق باشید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



این هفته برای شما بسیار دلپسند است، زیرا اتفاقات پشت‌صحنه بسیاری خواهید داشت! قطعاً متوجه می‌شوید مسائل مختلف بر زندگی شما تأثیر می‌گذراند؛ با این وجود این موارد برای دیگران چندان قابل‌درک نیست. شاید تغییراتی در درون احساس کنید. مطمئناً در درون خود نسبت به چیزی شگفت‌زده و غافلگیر می‌شوید. شما بیش از متولدین برج‌های دیگر از عقب‌نشینی عطارد بهره می‌برید، زیرا به شما امکان بررسی گذشته را می‌دهد.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



در این ماه برای شما روابط اجتماعی زیادی وجود دارد و تبادلات انرژی بین سیارات بر ارتباطات، تفریح، فعالیت‌های هنری و ورزشی و گذران زمان با بچه‌ها تأثیر می‌گذارد. در این زمینه‌ها می‌توانید انتظار سورپریز هم داشته باشید. در عین حال مسئله‌ای بسیار شادی‌آور هم اتفاق می‌افتد. شاید فرصتی برای سفر و تفریح، شعله‌های گذشته هم دوباره در ذهنتان روشن می‌شود و جدا قصد تغییر و تحول در خانه را دارید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



تبادلات انرژی بین سیارات بر خانه و خانواده شما تأثیر می‌گذارد. ممکن است هر یک از آن‌ها بزرگ‌تر شده و گرد هم آیی به هر شکل صورت گیرد. با افزایش ثروت یا خبری خوب در مورد خانه بسیار خوشحال می‌شوید. شاید ثروت شما از طریق مالکیت خانه افزایش یابد. در تمام این ماه افراد فامیل که مدت‌ها از آن‌ها خبر نداشتید، مجدداً وارد صحنه می‌شوند. البته مراقب باشید که ممکن است با جابجا کردن وسایل، گاهی آن‌ها را گم کنید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



زمان برای شما بسیار سریع می‌گذرد و این هفته باید مراقب باشید تا حادثه‌های غیرمنتظره بر کارهای روزانه شما تأثیر نگذارد. ممکن است چهره‌های جدید و مکان‌های جدید را ببینید یا نحوه کارکرد روزانه‌تان را تغییر دهید. از طرفی خبرهای خوب شما را در مورد آینده هیجان‌زده و امیدوار می‌کند. عقب‌نشینی عطارد باعث تأخیر در رفت و آمد، قرار ملاقات‌های انجام نشده یا خرابی ماشین می‌شود. در مورد خرید چیزی بسیار جدی هستید.



مشاور رسمی املاک مسکونی






مشاوره تخصصی املاک درآمدزا

دسترسی به پیش فروش VIP

جهت سرمایه‌گذاری دریافت وام تضمینی

خانه های ویلایی و کاندو و تانهاوس

برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید 514 730 3909



Group Immobilier LONDONO REALTY GROUP INC

HIGH ROLLER 2018, 2019, 2020

A Donation partner of DANS LARUE

Broker of the year 2019

حکایت هفته

تهدید ملکه انگلیس

شعر هفته

صراط مستقیم

آهای خدا! دلم گرفته خیلی
 بشین به کم درد دلامو گوش کن
 فیتیلۀ خورشید و پایین بکش
 چراغ نفتی روز و خاموش کن
 آهای خدا! جقدر شیرینه اسمت
 شیرینه اون قد که به لب می چسبه
 بشین به کم صفا کنیم به مولا
 به استکان چایی تو شب می چسبه
 نشستی اون بالا بالا بالاها
 گمون کنم به ریش ما می خندی
 به سر بیا محله های پایین
 بین محله مونو می پسندی؟
 بین چه بنده های مشتی داری
 عین خودت لوتی و بامرمن
 عین خودت خونه به دوش و تنهان
 کجا و کی قابل احترام؟
 فکر نکنم بفهمی حال ما رو
 شما کجا و خونه های خشتی
 شما کجا عیالواری... نداری
 شما که ساکن کف بهشتی
 فکر نکنم چیزی ازت کم بشه
 گناه بدبختا رو بی خیال شو
 تو آتیش نداری شون می سوزن
 آتیش اون دنیارو بی خیال شو
 به چیز بگم؟ بدت نیاد خداییش
 خدایی تم خدایی قدیما
 به پول دارا تا کی می خوی حال بدی؟
 دستی بکش رو سر ما یتیم
 صراط ما صراط مستقیم بود
 حالی نداد، زدیم به بی خیالی
 گناه ما فقط همین دو حرفه:
 رفیق خیلی بد ... زغال عالی!

حاجی میرزا آقاسی صدراعظم ساده لوح و صوفی مسلک محمدشاه قاجار بود که پس از کوچ اجباری سید ابوالقاسم قائم مقام فرھانی (خداحافظی در اوج!) به دیار باقی، به این مقام دست یافت. می گویند محمدشاه حتی بی اجازه ای او آب نیز نمی نوشیده است. همین عجز و بی ارادگی شاه در برابر وی و نیز توسل و تمسکش به نیروهای ماورایی و مافوق طبیعی موجب بروز غرور و تکبری بی حد و حصر در وجود حاجی شده بود که هیچ فرد و قدرتی را برتر و بالاتر از شخصِ شخصِ خویش نمی پنداشت.

در آن روز و روزگار قدرت های اروپایی در تلاش برای بهره مندی حداکثری از توان و استعداد ممالکی جامانده از قافله ی سریع السیر و تندوتیز توسعه و ترقی به مانند ایران بودند، حکومت پادشاهی بریتانیا به دلیل نزدیکی مرزهایش با کشور ما (از طریق هندوستان که مستعمره اش بود) به همراه حکومت تزاری روسیه همواره نقش و کارکردی فعال و حضوری پویا در عرصه ی مناسبات داخلی و برون مرزی سلطنت قاجار ایفا می کرده اند. ساده لوحی، زبونی و بی لیاقتی حاجی میرزا آقاسی که از چشمان تیزبین سیاستمداران انگلیسی دور نمانده بود، همواره موجب می شد تا سیل تقاضاهای به جا و بی جا، معقول و نامعقول از سوی دربار بریتانیا به حضور شاه ایران سرازیر شود.

می گویند روزی از روزها حاجی میرزا آقاسی که از بس در برابر تقاضاهای فراوان و البته بی جای انگلیسی ها به تنگ آمده بود، این چنین خشم و غضب خویش را بر زبان جاری ساخته بود: «یارب چه کنم؟! از قدیم گفته اند در دیزی باز است، آخر حیای گربه کجا رفته است؟! نمی دانم این زنیکه ی بی حیا (ملکه ویکتوریا!) چه از جان ما می خواهد؟! حاجی میرزا که می پنداشت بریتانیا همان هندوستان است و ملکه ی انگلستان در کلکته سکونت دارد، این چنین سخنانش را ادامه داد: «صد حیف که ما را به حیا و خویشتن داری نصیحت نموده اند و گرنه آلاسه که دستوری می دادیم تا سپاهی عظیم از جان نثاران و شیفتگان اعلی حضرت محمدشاه، جان جانان، شاه شاهان (چند بار تعظیم) مهیا، به سوی کلکته رهسپار شوند و ملکه ویکتوریا را با آن همه دبدبه و کبکبه و فیس و افاده دستگیر کنند! (خنده های شیطانی) به جان اعلی حضرت سوگند، می دادیم همین جا در ملأعام و در مقابل دیدگان رعیت، سربازان دلاورمان به نوبت با او آن کنند که ... استغفرالله! حیف که دست و بالمان بسته است و حال و حوصله ی دردسر مدرس نداریم!»

منبع: (نان داغ کباب داغ، رضا بهرام پور. تهران: نشر قطره، ۱۳۹۷)

منبع: (هی شعر ترانگیزد، سعید بیابانکی، مشهد: سپیده باوران، ۱۳۹۷. قسمتی از شعر صراط مستقیم)

نکته هفته

در واقعیت اینکه دیگران تو را دوست داشته باشند یک امتیاز مثبت است، اما اینکه خودت خودت را دوست داشته باشی یک جایزه حقیقی است.

نقل قول هفته

گاندی: خوشبختی زمانی است که آنچه به آن می اندیشی، آنچه به زبان می آوری و آنچه در عمل انجام می دهی، در هارمونی باشند.

ضرب المثل هفته

پارسی: اگر چه پیش خردمند خامشی ادبست، به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی.
 افغانی: از کسی بد گفتن به منزله بد گفتن از خویشتن است.

لطیفه های هفته

www.hafteh.ca

- 🍌 وسط گریه و زاری ملت سر خاک سپاری، بچه برگشت گفت: ... الان که بابابزرگ رو می کارن کی در میاد!؟
- 🍌 امروز رفتم شهرداری واسه کار ساختمانی ... کارمنده پرسید؟ مالکی یا مملوک؟! و کیلی یا موکل؟! موجری یا مستاجر؟! ... منم گفتم الغوث الغوث خلصنا من النار یارب! ... گفت: چی میگي! ... گفتم: مگه جوشن کبیر نمی خونی؟! ... من را انداخت بیرون و پروندم پاره کردن!
- 🍌 زنگ زدم به نظافتچی برای کارهای خونه تکونی عید ... گفتم: کار می کنید؟ ... گفت: بله ولی چون کروناست به صورت آنلاین و مجازی ... گفتم: یعنی چطوری؟ ... گفت: من تلفنی می گم، شما انجام می دین!
- 🍌 طرف رفته به دختر خوشگل صیغه کرده اسمشو گذاشته کرونا، یک هفتس با اون داره زندگی می کنه ... برای خانمش قسم خورده گفته من کرونا گرفتم و باید خودمو یک ماه قرنطینه کنم ... خانمش گفته تا خوب نشدی حق نداری بیای خونه ... گویند شیطان بعد از شنیدن این حرف در گوشه ی مجلس به خودزنی، گریه و استغفار و در آخر به سجده ی مردها، مشغول شد!
- 🍌 من فکر می کردم جاری ها فقط تو ایران با هم خوب نیستن ... الان بی بی سی می گفت وضعیت جاری در افغانستان بحرانیست... بابا با هم خوب باشید دیگه فامیلید بالاخره!

صرافی افرا
 با مدیریت افرا مصطفایی
 کارتخوان ایران
 انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)
 تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا
 جنب مترو اتواتر
 514-576-3830
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 منوچهر قربانچیان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221

4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

صرافی آشنا
 خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی
ASHNA EXCHANGE
 Office: 514 - 560 - 7085
 Cell: 514 - 462 - 5185
 4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

مرکز آموزش زبان انگلیسی رگسنا
 حضوری (مونترال)، آنلاین (سرتراسر کانادا و آمریکا)
 دوره های فشرده آیلتس، تافل و مکالمه
 WWW.ROXANA-OLC.COM
مرتضی طاهری
 +1 (514) 585-0189

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514) 223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

تعمیرات و نوسازی ساختمان
 مسکونی و تجاری
Ben Reno RBQ License
 کاشیکاری و سنگ کاری ● نصب کفپوش و پارکت
 تعمیرات و نوسازی حمام ● نرده چوبی
 کابینت و تجهیزات آشپزخانه ● بالکن (Deck)
 نصب در و پنجره ● نقاشی
 facebook: Ben Reno
 (514) 441 4295 benrenovation4295@gmail.com

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخ های باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432

Toronto: 647-822-2529

صرافی پرسپولیس
 سریع آسان قابل اطمینان
 514-225-3455 & 438-357-7000
 @PersepolisSarafi | 5774 rue Sherbrooke Ouest, Montreal H4A 1X1

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3



محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
۶۱۳۵۹۴۳۶۳۶
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
۶۱۳۵۶۳۱۲۰۷
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
۶۱۳۸۹۷۶۶۶۶
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca info@hafteh.ca

Saeideh Shabani
With TheTulipTeam at Remax realty inc.

FOR RENT FOR SALE SOLD

Follow me on Instagram
saeideh_realtor

To be up to date joined on TELEGRAM
Ottawa Real Estate بازار مسکن اتاوا

سرمایه‌گذاری مطمئن
حاصل خریدی مطمئن
در نتیجه انتخابی مطمئن

O: 613 236 5959
D: 613 413 0093
E: saeideh@TheTulipTeam.com
www.TheTulipTeam.com

MEHDI FALLAHI
REALTOR

تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

ROYAL LEPAGE
MASTER SALES AWARD 2020
MAS MASTER SALES
ROYAL LEPAGE
Team Realty
Member of the Real Estate Board of Ontario

yes@RealOttawa.ca

www.ravadid.ca
info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و ...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:
Free Tell & fax:
1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

پیش شماره‌های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

نیازمندی‌ها فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	فریدون هرنیدیان ۹۳۳-۶۸۰۰	دکتر رضا یاوریان ۶۵۳-۳۰۵۰	اتومبیل (فروش) Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰ www.autohighlander.com
مراکز مذهبی انجمن بهایی ۸۴۹-۰۷۵۳	رسانه های گروهی بازار ۸۴۸-۹۵۹۹	بیمه عمر و سرمایه گذاری نیره امداد ۴۷۳-۵۳۹۵	www.autocaspien.com 1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7 اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰
موسسه خوبی ۳۴۱-۲۲۳۵	پوشه ۷۸۷-۸۸۴۸	علی پاکنژاد عبدالله صفوی ۲۹۶-۹۰۷۱ ۴۶۷-۸۴۹۱	www.autocaspien.com اتومبیل (تعمیرگاه) اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱
کلیسای ایرانی ۲۶۱-۶۸۸۶	پرئینان ۹۰۳-۴۷۲۶	متین تیره دست بیمه (خودرو و خانه و سفر) ۶۹۰-۶۱۸۱	6000 saint jaque H4A 2E9 شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
کلیسای فارسی- کشیش ۹۹۹-۵۱۶۸	پیوند ۹۹۶-۹۶۹۲		آرایشگاه - زیبایی - اسپا آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳
مشاور املاک مهدی انصاری ۵۸۸-۰۶۰۹	رستوران-پیتزا - کترینگ فارس ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	مشاور فارسی زبان بیمه مهرداد ملکچمشیدی ۶۵۲-۷۶۷۷	3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1 www.Amybeautysalon.com سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷
آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱	رستوران غذاهای دریایی 362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437	پژشکی چایگزین	رویا ۹۳۴-۳۳۷۴
مینو اسلامی ۹۶۷-۵۷۳۳	پوشاپ (هندی) آریا ۷۳۷-۴۵۲۷	ترجمه و دعوتنامه رسمی رضا داودی ۶۹۱-۴۲۸۳	فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
نادر خاکسار ۹۶۹-۲۴۹۲	سحر صمدایی ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹	شهریار بخشی خاطره تحویل‌داری یکتا ۶۲۴-۵۶۰۹ ۴۳۸-۳۹۰۰-۰۶۹۴	آپادانا ۷۳۱۸-۸۳۹
شهره شهریان ۲۹۰-۲۲۱۰	کباب سرا 820 Ave. Atwater / 514-933-0933	نوشادجمال ۵۷۵-۷۰۸۰	پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
فیروز همتیان ۶۲۵-۲۵۲۵	ساخت و ساز Builders علی خاقانی ۵۷۴-۵۷۴۳	چاپ و کپی فتو کپی ان دی جی ۴۸۸-۵۳۳۳	پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱
سحر صمدایی ۸۲۷-۶۳۶۴	سی.دی. - ویدئو تیش دیجیتال ۲۲۳-۳۳۳۶	حسابداری اردشیر معین افشاری ۴۵۸-۷۵۹۹	صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹
آرزو کتمیری ۵۶۱-۳۵۶۱	فروش و موکت قالی شویی و رفو ۷۳۹-۴۸۸۸	حسین خریدین حجت رستمی ۲۴۲-۶۰۳۴ ۵۴۹-۱۳۴۴	شرف ۲۲۳-۶۴۰۸
کاظم پروتوهرانی ۹۷۱-۷۴۰۷	محمد اجزای ۹۲۴-۵۰۵۵	سرور صدر مهدیه سلیمی ۷۷۷-۳۶۰۴ ۸۸۶-۷۴۷۱	صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰
آرش شکور ۷۳۰-۳۹۰۹	مشاور خانواده لاله رهبین ۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	حمل و نقل	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱
محمد اجزای ۹۲۴-۵۰۵۵	مشاور تحصیلی	المپیک قربان ۹۳۵-۳۳۰۰ ۸۸۷-۰۲۳۲	ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲
مشاور مهاجرت معصومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۴۴	مشاور مهاجرت علی مختاری ۹۰۳-۴۷۲۶	خدمات ویزای توریستی خیاطی ۲۳۴-۳۳۹۹	الکترونیک - برق کار آراز الکترونیک ۳۵۲-۶۸۸۳
سپهر ملاحمدی ۷۴۸-۰۹۴۹	کنجی www.GanjiCo.com	سن لوران بازار ۳۶۹-۳۴۷۴ ۴۸۶-۱۶۱۷	آژانس های مسافرتی سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰
نان و شیرینی کندم ۸۳۶-۵۵۵۳	نان سنگک آذر ۶۳۴-۶۳۶۳	EXO Fruits متروپولیس (تعاونی رز) ۷۳۸-۱۳۸۴ ۸۴۹-۴۲۴۲	فرناز معتمدی مهری صدوقی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶ ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳
نوسازی و تعمیرات ساختمان شرکت بن ۴۴۱-۴۲۹۵	شرکت آماج ۹۴۲-۹۹۶۹	کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی ۲۵۸-۸۱۸۶	سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹
شرکت آماج ۹۴۲-۹۹۶۹	لوله کشی پتانسیل ۴۶۳-۳۰۱۴	EvoWeb کتاب فروشی / کتابخانه ۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶	آموزش پروین عبائی- فارسی ۶۷۵-۴۴۰۵
لوله کشی پارس ۲۹۰-۲۹۵۹	بهنام ۴۴۱-۴۲۹۵	کتابخانه نیما نوروزمین ۴۸۵-۳۶۵۲ ۷۸۷-۸۸۴۰	مدرسه فردوسی مدرسه وست آیلند مدرسه دهخدا ۵۰۲-۴۳۷۸ ۶۲۶-۵۵۲۰ ۲۵۸-۸۱۸۶
وام مسکن بهرز باباخانی ۶۰۶-۵۶۲۶	آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱	طراحی و گرافیک محضر رسمی ۹۰۳-۸۵۶۰	آموزشگاه (راندگی) آموزش (موسیقی) ۹۹۶-۱۶۲۰ ۴۸۴-۸۷۴۸
شیرین تیموری ۹۷۹-۹۸۰۹	مهرداد مرادخانی ۸۳۴-۸۰۵۳	مهد کودک سیما (دولتی) ۶۹۹-۸۳۷۳	پیانو / فخاریان استاد بیانیت فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
مهد کودک سیما (دولتی) ۶۹۹-۸۳۷۳	وکیل/مهاجرت دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۴۶	دندان پزشکی راضیه رضوی ۶۳۴-۷۲۸۱	آموزش (زبان) آکادمی آریا ۸۳۹۴۴۴۴



Cover
NO.623

17: Histoire de couverture

Un entretien avec Mahdieh Golroo, militante des droits des femmes
Les femmes en Afghanistan; Combattez sur plusieurs fronts
Les femmes au Canada; Réussir ses études, échouer dans l'emploi
Les femmes dans le monde; Pandémies et aggravation des inégalités entre les sexes

■ F. Shakiba et N. Hashimi

42 Interview:

Farshid Sadatsharifi

Une entrevue avec Behrouz Mayelzadeh, écrivain iranien à Montréal

25 Immigration:

Masoumeh Alimohammadi

Dans quelles provinces canadiennes s'installent de nouveaux immigrants?

35 Introduction du livre:

Yassaman Hassani

Le complexe du trampoline par Caroline Le Flour

49 Politiques:

Negin Parvarandeh

Un rapport sur une rencontre virtuelle de deux heures entre Trudeau et Biden

52 Economy:

Armin Aryanpour

Les prêts bancaires exercent une pression sur les petites entreprises pendant la pandémie



42



25



35



49



52

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal
A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal
04 mars 2021, numéro 623
04 March 2021, issue Nr. 623

(514)834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 Hafteh

Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Littérature: F. Sadatsharifi

Cinema: Mostafa Azizi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Communauté afghane: Habib Osman, Nargis Karimi Hashimi

Actualité Communauté: Negin Parvarandeh

Économie: Behrad Ranjbari

Price: \$2.50

Annual subscription: \$120

Hafteh will not be published on the following dates during 2021:

January 7th
March 25th
July 5th
October 14th

This project is funded in part by the Government of Canada.

Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars



PERMONT

Entrepreneurs généraux - General contractors Inc.

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

تیم مدیریتی با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

- طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
- برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
- استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006

Fax: 514-738-0002

Info@permont.ca

www.permont.ca

5473 Ave Royalmount #214 Montreal, QC, H4P 1J3

RBQ # 5639-5874-01



آرش و شیرین شکور

کارشناسان املاک شما
در مونترال و حومه

با ما اولین انتخاب را داشته باشید!

دسترسی اختصاصی تیم ما به پیش فروش ویژه
در بروسارد (چند قدمی قطار REM)

جهت دریافت اطلاعات بیشتر در رابطه
با پروژه های زیر، با ما تماس
حاصل نمایید.

- Downtown Montreal
- Quartier Des Spectacles
- BROSSARD, Steps to REM
- Lasalle
- Griffintown
- Candiac



(514) 441-4189
(514) 730-3909

Agence Immobilière
GROUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

shirin@londonogroup.com
arash@londonogroup.com



SAMI FRUITS

میوه تره بار سامی

کیفیت: خوب قیمت ها: غیر قابل رقابت

با شش شعبه بزرگ در خدمت شما

D.D.O. (514) 421-6333
 3000 Rue du Marche, H9B 2Y3
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰
 جمعه: ۸:۰۰ تا ۲۰:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۰۰
 (دوشنبه و سهشنبه تعطیل)

Head Office
 1505 rue Legendre Ouest
 Montreal, QC H4N 1H6
 (514) 858-6363

Nord-est (514) 593-1333
 8200 19E Avenue, H1Z 4J8
 دو و چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰

پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - جمعه: ۸:۰۰ تا ۲۰:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰ - سهشنبه: تعطیل

St. Laurent (514) 856-1333
 1320 boul. Jules-poitras, H4N

چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰ - پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰
 جمعه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - شنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰
 یکشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۰۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

Laval (450) 978-1333
 1550 Blvd Daniel Johnson
 دوشنبه و چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه، شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰
 جمعه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - سهشنبه: تعطیل

Lasalle (514) 368-1333
 400 ave Lafleu, H8R 3H6

چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - جمعه: ۸:۰۰ تا ۲۰:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

سامی، جایی که می توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید،

اما کیف پوتان را خالی نکنید.

623 HAFTEH

Un hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal
A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal
Vol.13 - No.623 Jeudi/Thu, mars/March.04.2021

www.hafteh.ca ISSN 1918-4379 hafteh

Convention du service Poste-Publications NO 41740020



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 année écoulés pour le bon service

روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

Programmes D.E.P 1800 heures:

- * Soudage-montage
- * جوشکاری و مونتاژ
- * Mécanique automobile
- * مکانیک اتومبیل
- * Dessin industriel
- * طراحی صنعتی
- * Électricité
- * برق کاری

• تئوری: به صورت آنلاین
• عملی: در موسسه و حضوری
• امتحانات: حضوری با رعایت پروتکل های بهداشتی

• امکان دریافت وام و بورس

• مشاوره برای کارهایی ارائه می شود

Service de Placement Disponible






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☎ De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

خرید و فروش تخصصی ملک
دسترسی ویژه به پیش خرید
در سراسر مونترال

دسترسی تضمینی به بهترین
مبلغ وام با کمترین سود بانکی

514-588-0609 ☎

MEDI.ANS.MTLBROKER 📱

www.mahdiansari.com

بسته خرید ویژه فقط برای پرستاران و پزشکان عزیز



MAHDI ANSARI - CANADA AWARDED BROKER 2019-2020